روزنامه شرق

پنجشنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۱ • ۱۶ ذی‌القعده ۱۴۴۳ • ۱۶ ژوئن ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۳۰۴ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

تأملی در رفتار کاربران شبکه‌های اجتماعی مجازی در ماجرای هدی رستمی

نشانه‌هایی مشخص از دوقطبی‌شدن جامعه ایران

فارغ از قضاوتی که راجع به هدی رستمی و اعتراضات به او می‌توان داشت، آنچه اینجا اهمیت دارد، آن است که به نظر می‌رسد فضای دوقطبی که سال‌ها در توییتر شاهد آن بودیم و در گزارش‌های متعدد به آن پرداخته شده بود، حالا در اینستاگرام نیز کم‌کم بروز و ظهور پیدا کرده است.

صفحه ۴

رهبر انقلاب در دیدار رئیس‌جمهوری ترکمنستان و هیئت همراه:

سیاست دولت ایران گسترش روابط با کشورهای همسایه است

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری: رهبر انقلاب اسلامی گفتند: سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران، گسترش روابط با کشورهای همسایه است و این، سیاستی کاملا درست است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی، پیش‌ازظهر دیروز (چهارشنبه) در دیدار سردار بردی محمداف، رئیس‌جمهوری ترکمنستان و...

صفحه ۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: مرگ کودک ۲ ساله در پی پاره کردن لاستیک‌های آمبولانس، ۶ نفر در رابطه با حادثه قطار مشهد- یزد بازداشت شدند و یادداشت‌هایی از علی ظفرزاده، کامران امامی، مهدی افشار، حسین قریب

اختلافات درونی طالبان برای خلع سلاح فرماندهان غیرپشتون و فرصت‌طلبی داعش شدت گرفت

طالبان علیه طالبان

گزارش تیتر یک را در صفحه ۵ بخوانید

وعده‌ای که ما سید؟

«شرق» پشت پرده اختصاص حواله خودرو به بازیکنان تیم ملی را بررسی کرد

◆ عکس: علیرضا زینالی، باشگاه خبرنگاران جوان

تیم ملی ایران در حالی باید قریب به ۱۶۰ روز دیگر در جام جهانی حاضر شود که اوضاع و احوال مساعدی ندارد. این تیم برخلاف ۳۱ تیم دیگری که در جام جهانی حاضر خواهند بود بازی‌های تدارکاتی مناسبی نداشته و از فیفادی بلندمدت خرداد، فقط یک بازی دوستانه با تیم دوم الجزایر داشته است. دیداری که باعث شده انتقادها از آنها از یک سو و از دراگان اسکوچیچ، سرمربی تیم ملی، از سوی دیگر، زیاد و زیادتر شود. هم‌زمان با این اتفاقات عجیب و غریب که برگرفته از روزهای آشفته فدراسیون فوتبال ایران است، چندی پیش اخباری از سوی معاون وزیر ورزش اعلام و در قالب خواسته‌های بازیکنان تیم ملی در پنج محور مطرح شد که یکی از آنها درخواست برای پیگیری حواله خودرو برای بازیکنان تیم ملی است.

سینا کلهر، معاون وزیر ورزش در دیداری که با ملی‌پوشان در قطر داشت، خواسته‌های آنها را این‌چنین بیان کرد: «بازیکنان تیم ملی پنج درخواست داشته‌اند که در محورهای مختلف ارائه شده است. محور نخست به پرداخت پاداش بازی‌های تیم ملی در مرحله گروهی جام جهانی برمی‌گردد. پاداش سه دیدار تیم ملی معوق است. البته در همین محور برخی مربیان تیم ملی هم بخشی از حقوق و پاداش‌های خود را دریافت نکرده‌اند. محور دوم خواسته‌ها، مربوط به حواله خودرو است که به‌عنوان پاداش صعود به جام جهانی به بازیکنان تقدیم شد، ولی ظاهرا کار اجرائی آن انجام نشده است. مسئله سوم موضوع خدمت سربازی برخی بازیکنان تیم ملی بود. درحال‌حاضر ۱۲ نفر از بازیکنان تیم ملی فوتبال مشمول هستند. بهره‌مندی از معافیت سربازی در صورت کسب پیروزی در رقابت‌های جام جهانی یکی از درخواست‌های بازیکنان بود. محور چهارم اختصاص یک ایرلاین به‌عنوان هواپیمایی چارتر تیم ملی برای سفر به قطر بود. پیشنهاد ملی‌پوشان اختصاص ایرلاین ایران‌ایر بود. محور پنجم دیدارهای تدارکاتی برای فیفادی دوم (اواخر شهریور- اوایل مهر) و کمک وزارت ورزش و جوانان برای تسهیل دیدار تدارکاتی با تیم‌های باکیفیت‌تر و بدون مشکلات قبلی بود».

این گزارش را در صفحه ۹ بخوانید

سرمقاله

دریچه‌ای برای یک نظرخواهی «حفظ ایران»

سیدمصطفی هاشمی‌طبا

شاهد بودیم که در دوره دوم ریاست‌جمهوری آقای حسن روحانی، تندترین انتقادها و حتی دشنام‌ها به ایشان به‌خاطر وضع اقتصادی کشور و معیشت مردم صورت می‌گرفت و صدالبته هیچ پیشنهادی به ایشان درخصوص چگونگی اقداماتی که باید به انجام برسد، داده نشد. در دولت فعلی هم علی‌رغم آنکه منتقدان دولت روحانی خویشتن‌داری می‌کنند و البته صدای برخی منتقدان هم چندان بلند نیست، طلیعه‌های انتقاد از دولت فعلی نمایان است و نیز همچون گذشته هیچ‌کس راه‌حل ارائه نمی‌کند و همه حرف‌های بلندگویی، مکتوب و رسانه‌ای برنامه‌ریزان مانند دولت، مجلس و مجمع تشخیص مصلحت فقط برای احاله به آینده و اعلام آنکه «ما هم برنامه داریم»، است. سند منتشرشده دولت به‌عنوان «تحول دولت» با وجود آنکه حاوی مطالب مفیدی است، نه به شرایط ایران و جهان اشاره دارد و نه امکانات مالی، اقتصادی، زمانی و تخصصی را برای اجرای آن سنجیده است. اینک به‌عنوان یک شهروند که درک او از آینده ایران دردناک است، پیشنهاد می‌کند با فرض چگونگی سیاست خارجی ایران و نحوه عملکرد دشمنان به‌خصوص در اطراف مرزهای کشور، صاحب‌نظران درخصوص اقداماتی که باید انجام شود، اظهارنظر کنند تا شاید گرهی از کار بسته کشور بازگردد. در زیر برخی از فاکتورهایی که موجب نگرانی از آینده کشور است، آورده می‌شود. این مشخصات گرچه تقریبی است اما بسیار ملموس بوده و نیاز به بحث و گفت‌وگو ندارد.

۱- سالانه بر اساس گفته وزیر اقتصاد و دارایی، ۲۶ میلیارد دلار ارز برای واردات نهاده‌های کشاورزی جهت تولید نان، روغن، لبنیات، مرغ و تخم‌مرغ، گوشت قرمز، ماکارونی و سایر نیازهای خوراک مردم مورد نیاز است و به این ترتیب برخلاف اهداف انقلاب، تغذیه روزانه مردم وابسته به اجانب است.

۲- با توجه به افت آب‌های زیرزمینی، وضع کشاورزی وابسته به چاه‌ها در سراسر کشور کاملا در مخاطره است و در همین حال نیمی از دشت‌های کشور دچار نشست شده‌اند.

۳- به دلیل شرایط آب‌وهوایی بارش‌های آسمانی به‌شدت کاهش پیدا کرده و آب رودخانه‌ها و ذخیره سدها در حداقل ممکن است و زراعت دیم نیز به مخاطره افتاده.

۴- سالانه حدود ۱۰ درصد به مصرف برق اضافه می‌شود و با توجه به از کار افتادن نیروگاه‌های برق‌آبی و عدم سرمایه‌گذاری در صنعت برق، پیش‌بینی خاموشی در شهرها و صنایع وجود دارد که موجب آسیب فراوان به زندگی مردم و افت تولید و بی‌کاری می‌شود.

۵- روزانه بیش از صد میلیون لیتر بنزین در کشور مصرف می‌شود که با توجه به افزایش مصرف ۱۰ درصد در سال، واردات بنزین به کشور محتمل است.

۶- صادرات نفت و درآمدهای حاصل از آن به‌شدت کاهش پیدا کرده است و به‌خصوص در شرایط اخیر بازارهای صادراتی ایران از سوی دیگر کشورها تصرف شده است.

۷- مصرف گاز در کشور معادل تولید آن است و امکانی برای صادرات وجود ندارد و با توجه به افزایش مصرف، نیروگاه‌های گازی نیز دچار مشکل می‌شوند.

۸- طبق گفته وزیر نفت، برای پایدار نگه‌داشتن تولید نفت نیاز به ۹۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری است که نوعا در شرایط فعلی ممکن نیست.

۹- سالانه حدود ۱۲ میلیارد دلار خروج سرمایه از کشور صورت می‌گیرد؛ درحالی‌که سرمایه‌گذاری خارجی نزدیک به صفر است.

۱۰- سیستم حمل‌ونقل کامیونی در کشور به‌شدت کهنه و غیراقتصادی بوده و سیستم ریلی به گفته وزیر راه و مسکن نیاز به هزار دستگاه لکوموتیو دارد و سیستم هوایی هم اصولا قابل طرح نیست.

۱۱- سیستم قاچاق کالا به کشور و از کشور همچنان در جریان است و ظاهرا قابل جمع‌کردن نیست.

۱۲- صنایع کشور نوعا دچار تنزل کیفی و کمی شده؛ به‌طوری‌که کیفیت صنایع خودروسازی در بالاترین سطح کشور مورد انتقاد قرار گرفته است.

از این قبیل شرایط کشور بسیار می‌توان نوشت، ولی در اینجا به همین حد بسنده می‌کنیم و می‌خواهیم این را روشن کنیم که متأسفانه نه‌تنها به «توسعه»، «پیشرفت»، «رشد» یا هر اسم دیگری که می‌خواهیم بر آن بگذاریم، نرسیده‌ایم، بلکه امروز این مفاهیم را فراموش کرده‌ایم و ناچارا باید فقط به فکر «حفظ» ایران باشیم. حال می‌خواهیم بدانیم چه باید کرد تا شرایط تغییر کند؛ یعنی سرزمین ایران از سیر نزولی خارج شود و حداقل به وضع ثابتی برسد، آنگاه به فکر توسعه، پیشرفت یا رشد باشیم. روی سخن ما با کسانی است که با نگرانی وضع فعلی را مقدمه‌ای برای آسیب‌پذیری آینده سرزمین ایران می‌دانند و نه آنان که چشم بر شرایط فعلی بسته‌اند و از تمدن بزرگ سخن می‌گویند. صاحب‌نظران بهتر است ابتدا فرض‌های سیاست خارجی کشور و چگونگی هویت انقلابی را در نظر گرفته و حسب آن راه‌حل ارائه کنند. طبیعی است شرایط نشان می‌دهد وضع تحریم‌ها و سیاست خارجی کشور تغییر نمی‌کند و سیاست خارجی ایران، وفاداری به محور مقاومت و مبارزه برای محو اسرائیل خواهد بود.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت

عصر سرعت و نشانه‌ها (۱)

از سقوط نمادها تا ارزش‌های زیستی

سیامک قاجارقیونلو*

از سقوط متروپل تا توقف فعالیت جمعیت امام علی، از تولید کالای بی‌کیفیت تا کاهش ارزش پول ملی، از کاهش جمعیت تا تشویق به ازدیاد، از تردد با انبوه محافظان تا سفرهای مردمی رئیس دولت و دیدار چهره‌به‌چهره و... اعمال ما به‌ظاهر از هم جداست، آنچنان‌که پرده‌های این نوشته به ظاهر از هم جداست، اما پیوندهای عمیق و نامرئی بین اعمال ما و این پرده‌ها وجود دارد؛ گاهی یک نشانه به ما کمک می‌کند تا راز تفسیر همه این اعمالِ به‌ظاهر جدا را بفهمیم. در تبیین این راز ابتدا فرازی از پیام آیت‌الله جوادی‌آملی را آغاز سخن قرار می‌دهیم، سپس پرده‌های جدا را برای یافتن درک بهتر وقوع این حوادث واکاوی می‌کنیم. حضرت آیت‌الله گفتند: «... آن که انگیزه اختلاسی و اندیشه نجومی دارد، فکرش را فکرتش را فطرتش را بر لبه لرزان سقوط، بنیان‌گذاری کرده است -خواه از مسئولین خواه از مردم- کسی که باور صحیح، اعتقاد صائب و ایمان سالم داشت، او در زمین مستحکم خانه می‌سازد... اسلام خانه‌هایی که برای مردم می‌سازد هر چند قبر و خانه مرده باشد آن را محکم می‌سازد... به فکر اختلاس و چپاول نباشید، به فکر زرق و برق دنیا نباشید...».

در تأیید این سخن حکیمانه که خانه محکم، حتی اگر قبر باشد، نتیجه ایمان و باور ساکنان آن خانه -ملت و دولت- است که در زندگی و مرگ نمادهای استوار می‌سازند، تردیدی نیست و ما مصداق این سخن را در گوشه و کنار جهان دیده‌ایم و حکمت آن را در این پرده‌ها خواهیم نوشت. اما چگونه می‌توان گناه «اختلاس، چپاول و زرق و برق دنیا» برای دو جایگاهی که یکی قادر کامل و موظف به عمل، ولی بی‌اراده و بی‌مسئولیت است با آن دیگری که مطیع و مسلوب‌الاراده در یک ترازو سنجش کرد؟ البته در این گزاره تردیدی نیست که کلیت اخلاق سقوط کرده و ما مردم هم جدا از این قاعده نیستیم، اما انتساب وقوع این‌گونه حوادث و فجایع زیستی به مردم، به دلایل زیر خروج موضوعی دارد.

اگر «باور صحیح و ایمان سالم» نبود تکلیف چیست؟ اگر «او در زمین مستحکم خانه نساخت» چه باید کرد؟ اگر قبلا مهندس «متصل» به مردم، به سازنده «متصل» به مسئول گفته باشد که این خانه مستحکم نیست ولی سازنده متصل به «مسئول» زورش بیش از قانون، ضابطه و مردم بود، آن‌وقت چه باید کرد؟ تا آنجا که به «مردم» مربوط است در این حادثه نقش خود را به عنوان ناظر، مهندس، منتقد، معترض و شاکی به درستی ایفا کرده‌اند؛ وقتی فردی از این مردم گفت نسازید و حتی به دادگستری شکایت بُرد اما جریان ساخت متوقف نشد، طبعا تالی فاسد و قابل پیش‌بینی این روند را امروز باید در سهم مردم زیر آوار دید که بازماندگانشان در پهنای خیابان با خشمی آکنده از مظلومیت در سوگ عزیزانشان فریادهایی را که زدند ولی شنیده نشد، این بار بلندتر ضجه و زاری کنند. شکر نعمت، که لااقل در حد یک پیام «مردم» را «دیدید» مسئولان که در این حد هم ندیدند... اما آن مردمی که شما می‌بینید و مسئولان در محافل خاص می‌بینند نه آن مردمی که ما هستیم! که اساسا درد ما مردم این است که اصلا دیده نمی‌شویم و هیچ نقشی در اداره امور، حتی در زندگی شخصی خودمان نداریم. حضرت آیت‌الله! ما مردم حتی آن‌قدر آزاد نیستیم که به فکر کودک یتیمی باشیم که پیامبر اسلام تا بدان اندازه به مراعات حال وی سفارش کرده است. دو سال پیش، دفتر جمعیت امام علی بعد از حدود ۲۰ سال فعالیت پلمب شد!

ادامه در صفحه ۱۰

مجلس، دولت دوازدهم را به استنکاف در اجرای قانون راهبردی متهم کرد

دفاع صالحی از برنامه هسته‌ای دولت قبل

Persianwan.com

تولید اورانیوم ۲۰ و ۶۰ درصد در راستای اجرای قانون بود

۲

دارو در مضیقه

تولیدکنندگان دارو از توقف واردات مواد اولیه و شرایط دشوار در این صنایع خبر می‌دهند

۴

مرزهای تاریک حیات

«کارل زیمر» از بحران حل‌نشده زیست‌شناسی پرده برمی‌دارد

۶

ارتباط‌های سیاسی و اجتماعی گریزناپذیر است

در همایش کنکاش‌های مفهومی و نظری درباره جامعه مطرح شد

۸

یادداشت روزنامه‌نگاران

یک‌جانبه‌گرایی؛ در تکاپوی منافع ملی

محمود اشرفی

کنش سیاسی مبتنی بر یک‌جانبه‌گرایی راه و روشی پایدار نیست. دیپلماسی یک‌جانبه‌گرایی به کشمکش سیاسی و گاهی به جنگ می‌انجامد. نزدیک‌ترین مثال این سیاست، راه و رسم کنونی روسیه است. یک‌جانبه‌گرایی در دو بعد ملی و فراملی پیامدهای مثبتی نخواهد داشت. در گستره بین‌المللی یک کشور با در پیش گرفتن استراتژی یک‌جانبه‌گرایی راه را بر شکل‌گیری هم‌گرایی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خواهد بست. در قالب یک‌جانبه‌گرایی، حسن هم‌جواری جای خود را به ادعاهای ارضی می‌دهد. دست‌اندازی روسیه بر کریمه با اتخاذ چنین راه و روشی توجیه شده است. بارزترین نشانه یک‌جانبه‌گرایی زیر پا گذاشتن حق حاکمیت کشورها و تلاش در راه تأثیرگذاری سیاسی پنهان و آشکار در کشورهای منطقه تحت نفوذ است. در این زمینه کشورهای دارای مشی یک‌جانبه‌گرایی دخالت در ترتیبات سیاسی کشورها را جایگزین روابط دیپلماتیک می‌کنند. این دخالت به مفهوم نادیده‌گرفتن اصلی‌ترین اصول حقوق بین‌الملل و حق حاکمیت سایر کشورها است. برهم‌خوردن نظم و تهدید امنیت جهانی یکی از آثار ناخوشایند استراتژی یک‌جانبه‌گرایی است. یک‌جانبه‌گرایی زمینه‌های هم‌گرایی را از بین برده و شیوه و فرهنگ تهدید و تجاوز به حقوق کشورهای دیگر را رواج می‌دهد. تجاوز نظامی روسیه به اوکراین می‌تواند زمینه‌ساز دست‌اندازی چین بر تایوان شود. در بعد ملی پیش‌گرفتن استراتژی یک‌جانبه‌گرایی، شیوه‌ای ضد دموکراسی است؛ زیرا درحال‌حاضر اکثریت شهروندان روسیه با تجاوز نظامی این کشور مخالف‌اند. کشورهایی که شیوه و سلوک یک‌جانبه‌گرایی دارند، در روابط سیاسی ناپایدارند. دوستی با این کشورها با منافع ملی سازگار نیست. این کشورها هنگامی که در تنگنا قرار می‌گیرند، دوستان و پیمان‌های خود را یکباره به فراموشی می‌سپارند؛ دوستی و پیمان‌هایی که هیچ‌گاه در مدار منافع ملی ما نبوده است.

رهبر انقلاب در دیدار رئیس‌جمهوری ترکمنستان و هیئت همراه:

سیاست دولت ایران گسترش روابط با کشورهای همسایه است

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری: رهبر انقلاب اسلامی گفتند: سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران، گسترش روابط با کشورهای همسایه است و این، سیاستی کاملا درست است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی، پیش‌ازظهر دیروز (چهارشنبه) در دیدار سردار بردی محمداف، رئیس‌جمهوری ترکمنستان و هیئت همراه، گسترش و تعمیق هرچه بیشتر روابط را کاملا به نفع هر دو کشور دانستند و گفتند: سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران، گسترش روابط با کشورهای همسایه است و این، سیاستی کاملا درست است.

ایشان با تأکید بر اینکه لازمه عبور از موانع، منوط به عزم و اراده جدی دو کشور برای گسترش روابط است، افزودند: البته روابط دوستانه میان ایران و ترکمنستان مخالفینی در سطح منطقه و بین‌الملل دارد ولی باید بر موانع فائق آمد. رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند: باید کمیسیون همکاری‌های مشترک میان دو کشور به‌صورت جدی فعال باشد و با پیگیری مستمر، توافق‌ها به سرانجام برسند. در این دیدار که آقای رئیسی، رئیس‌جمهور کشورمان نیز حضور داشت، آقای سردار بردی محمداف، رئیس‌جمهور ترکمنستان گفت: اولویت دولت ترکمنستان گسترش روابط با همسایگان است و تلاش داریم با توجه به اسناد همکاری که امروز امضا شد، روابط خوب دو کشور را در حوزه‌های مختلف به‌ویژه گاز، برق و حمل‌ونقل کالا و همچنین اجرای طرح‌های بزرگ بیش از پیش تحکیم ببخشیم. رئیس‌جمهور ترکمنستان با اشاره به سی‌امین سالگرد روابط دو کشور خطاب به رهبر انقلاب گفت: از طرف خود و همچنین ملت ترکمنستان از جنابعالی به دلیل حمایت‌های همیشگی از تعمیق روابط ایران و ترکمنستان تشکر و قدردانی می‌کنم.

«شرق» از سفر رئیس‌جمهوری ترکمنستان به ایران گزارش می‌دهد:

دیپلماسی انرژی

شرق: بعدازظهر سه‌شنبه سردار بردی محمداف به ایران سفر کرد. رئیس‌جمهوری ترکمنستان به همراه یک هیئت اقتصادی و سیاسی در بدو ورود با استقبال رستم قاسمی، وزیر راه و شهرسازی همراه شد. این سفر دوروزه، نخستین سفر محمداف به تهران در مقام ریاست‌جمهوری ترکمنستان است. وی پیش از این در تاریخ ۱۹ دی ۱۴۰۰ در مقام فرستاده ویژه رئیس‌جمهور وقت ترکمنستان به ایران سفر کرده بود.

سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهوری صبح دیروز در مجموعه تاریخی- فرهنگی سعدآباد به شکل رسمی از سردار بردی محمداف، همتای ترکمنستانی خود استقبال کرد. پس از آن رؤسای جمهور دو کشور، ۹ سند همکاری و بیانیه مشترک بین ایران و ترکمنستان را به امضا رساندند.

سند همکاری شامل همکاری تجاری-اقتصادی، علمی-فنی و فرهنگی بین استان خراسان شمالی و استان آخال ترکمنستان، یادداشت تفاهم همکاری تجاری-اقتصادی، علمی- فنی و فرهنگی بین استان گلستان و استان بالکان ترکمنستان، یادداشت تفاهم همکاری تجاری-اقتصادی، علمی-فنی و فرهنگی بین استان خراسان رضوی و استان مرو ترکمنستان، یادداشت تفاهم همکاری بین صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران و کمیته دولتی رادیو و تلویزیون ترکمنستان، برنامه مبادلات علمی، فرهنگی، هنری و آموزشی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت ترکمنستان، یادداشت تفاهم تشکیل کارگروه مشترک سرمایه‌گذاری، تفاهم‌نامه جامع توسعه همکاری‌های حمل‌ونقلی و ترانزیتی و یادداشت تفاهم همکاری در زمینه حفاظت محیط زیست از اسنادی بود که به امضای وزرا، استانداران و مسئولان مربوطه در حضور سران ایران و ترکمنستان رسید.

در ادامه نشست مطبوعاتی مشترک رؤسای جمهور دو کشور برگزار شد. سیدابراهیم رئیسی ضمن تأکید بر اینکه ایران در سه دهه گذشته روابط خوبی با ترکمنستان داشته است، بیان کرد: «سفرم (رئیسی) به عشق‌آباد در آذرماه سال قبل توانست همکاری‌ها را بین جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان به‌ویژه در حوزه سوآپ گازی، ترانزیت و حمل‌ونقل فعال‌تر کند و گام‌های خوبی در این زمینه‌ها برداشته شد. در حوزه‌های اقتصادی، تجاری، آب، برق و گاز ظرفیت‌ها و زمینه‌های خوبی در دو کشور برای گسترش همکاری بیش از سطح فعلی وجود دارد. قراردادها و تفاهم‌نامه‌هایی که امروز بین دو کشور امضا شد، می‌تواند همکاری‌های بین دو کشور را به سطح بالاتری ارتقا دهد».

سردار بردی محمداف، رئیس‌جمهوری ترکمنستان نیز در این نشست مطبوعاتی تصریح کرد: «بخش انرژی و حمل‌ونقل ازجمله بخش‌های مهم و استراتژیک روابط تهران و عشق‌آباد است و تلاش‌های خود را برای بهره‌گیری مؤثر از این امکانات در مسیر گسترش تعاملات دو کشور متمرکز خواهیم کرد. در مذاکرات صورت‌گرفته به روابط دو کشور در حوزه دریای خزر اهمیت ویژه‌ای داده شد. در ملاقات‌های انجام‌شده همچنین مسائل افغانستان مورد توجه دو طرف بود. تهران و عشق‌آباد خواهان این هستند که افغانستان به یک دولت شکوفا تبدیل شود که در پروژه‌های مهم بین‌المللی و منطقه‌ای مشارکت داشته باشد».

پس از آن نشست مشترک هیئت‌های عالی‌رتبه ایران و ترکمنستان به ریاست رؤسای جمهور دو کشور برگزار شد که در این نشست جمعی از وزرا و معاونان رئیس‌جمهور به همراه اعضای هیئت عالی‌رتبه سیاسی و اقتصادی همراه رئیس‌جمهور ترکمنستان به بحث و تبادل نظر درباره راهکارهای گسترش همکاری‌ها و تعاملات دوجانبه در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، انرژی و ترانزیت پرداختند.

عکس: سهند تاکی، شرق

مجلس، دولت دوازدهم را به استنکاف در اجرای قانون راهبردی متهم کرد

دفاع صالحی از برنامه هسته‌ای دولت قبل

تولید اورانیوم ۲۰ و ۶۰ درصد در راستای اجرای قانون بود

کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی در گزارشی مدعی شد که رئیس سابق سازمان انرژی اتمی و همچنین رئیس‌جمهور سابق در انجام وظایف مصرح در قانون «اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران» قصور داشته‌اند. ادعایی که با پاسخ جدی رئیس سابق انرژی اتمی همراه شد و بر اجرای دقیق این قانون تأکید داشت.

قانون اقدام راهبردی که تلاش مجلس برای خروج ایران از برجام و پایان‌دادن به مذاکرات هسته‌ای بود، مهم‌ترین عامل به‌نتیجه‌نرسیدن مذاکرات از سوی روحانی، رئیس‌جمهور وقت، اعلام شد. حسن روحانی در بیست‌وسوم تیر ۱۴۰۰ در جلسه هیئت دولت خود گفت که «اگر اصل ۶۰ قانون اساسی ما حاکم بود و یازدهم آذر لطمه نمی‌خورد، اسفندماه تحریم مردم برداشته می‌شد و امروز مردم می‌دیدند که چه شرایطی بر کشور حاکم بود و فروردین، اردیبهشت، خرداد و تیر دیگری را می‌دیدند». مجلس ایران در یازدهم آذرماه طرحی را با عنوان «اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از حقوق ملت ایران» به تصویب رساند که از همان ابتدا با مخالفت دولت همراه بود اما در نهایت دولت دوازدهم مجبور به اجرای آن شد اما این اجرای از سر اجبار به دل مجلس نچسبید.

البته دولت سیزدهم هم با چالش اجرای این قانون مواجه شد و هرچه تلاش کرد برای رفع تحریم‌ها در مذاکرات احیای برجام حرکت کند، با سد غیر قابل عبور نمایندگان تندروی مجلس که بر اجرای بند به بند این قانون تأکید داشتند برخورد کرد. بارها نمایندگان مجلس از تریبون‌های رسمی مجلس به دولت سیزدهم اخطار دادند که فقط نتیجه مذاکراتی را می‌پذیرند که در راستای خواست آنان و همسو با قانون راهبردی باشد. در همین رابطه شانزدهم فروردین ۱۴۰۰ بود که ۱۹۰ نفر از نمایندگان مجلس در نامه‌ای رئیسی را خطاب قرار دادند و از اما و اگرهای خود در رابطه با مذاکرات وین سخن گفتند، هرچند نمایندگان نگران از احیای برجام به این نامه بسنده نکردند و بار دیگر ۲۱ فروردین ۱۴۰۰ هم در نامه‌ای با امضای بیش از ۲۵۰ نفر از نمایندگان پیرامون مذاکرات هسته‌ای خطاب به ابراهیم رئیسی، با قرائت شروط مدنظر خود در مذاکرات وین، در صحن مجلس برای دولت خط و نشان جدی کشیدند.

مخالفت تندروهای مجلس با توافق احتمالی برجام و موفقیت مذاکرات رفع تحریم‌ها تا جایی پیش رفت که وزیر امور خارجه در مجمع جهانی اقتصاد در داووس سوئیس در پاسخ به سؤال‌های فرید زکریا گفت: «من هم مثل وزیر خارجه آمریکا و رابرت مالی در برابر پارلمان کشورم با فشارهای زیادی مواجهم. آنها طیفی قوی در داخل دو کشور هستند که مخالف بازگشت به برجام هستند». سخنانی که اگرچه از زبان امیرعبداللهیان تازگی داشت اما حقیقتی بود که افکار عمومی در داخل مدت‌ها بود به آن پی برده بود.

حال این روزها که امیدها برای احیای برجام و رفع تحریم‌ها به شدت افول کرده، مجلس به دنبال متهم‌کردن دولت دوازدهم در ماجرای اجرای قانون راهبردی است که از یک سو مسئولیت ناکامی در رفع تحریم‌ها را از خود و جرگه اصولگرایان دور کرده و به دولت قبل حواله دهد و از سویی دیگر راه را برای تسویه‌حساب سیاسی با دولتمردان سابق همچنان باز نگه دارد.

در همین راستا، کمیسیون اصل ۹۰ دیروز خود تأکید کرد که استنکاف رئیس سابق سازمان انرژی اتمی و همچنین رئیس‌جمهور سابق از انجام وظایف مصرح در قانون «اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران» برای کمیسیون اصل نود محرز شده است و موضوع برای رسیدگی به مراجع قضائی ارسال می‌شود.

علی خضریان، سخنگوی کمیسیون اصل نود مجلس، در نشست علنی دیروز (چهارشنبه، ۲۵ خرداد) مجلس شورای اسلامی گزارش این کمیسیون را درخصوص «نحوه اجرای قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران» از سوی دولت دوازدهم قرائت کرد و گفت: قانون «اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران» در تاریخ ۱۳۹۹/۹/۱۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی و سپس تأیید شورای محترم نگهبان رسیده است. این قانون در پنج ماده، به صورت صریح و خاص، وظایف مشخصی را برای سازمان انرژی اتمی ایران تعیین و آن سازمان را موظف به اجرای مفاد آنها کرده است. بررسی‌های کارشناسی مختلف و نیز جلسات متعدد با ریاست محترم سازمان انرژی اتمی و معاونان ایشان در کمیسیون اصل نود و نیز ارسال نامه حاوی سؤال‌های مختلف از ریاست وقت سازمان انرژی اتمی ایران به شماره نامه ۹۰/۱۱۷۳۰۰۱/۷۹۱۴م مورخ ۱۴۰۰/۴/۶ و پاسخ‌های سازمان به این سؤال‌ها به شماره نامه ۳۰/۴۷۸/م مورخ۱۴۰۰/۴/۱۶، استنکاف معاون رئیس‌جمهور و رئیس وقت سازمان انرژی اتمی در امتناع یا ممانعت از اجرای این قانون در تاریخ‌های مقرر، برای کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی محرز شده است.

در بخشی از این گزارش آمده است: «مطابق ماده یک قانون، سازمان انرژی اتمی موظف بوده است بلافاصله پس از تصویب این قانون، از یک سو، اقدام به تولید اورانیوم با غنای ۲۰ درصد کند، و از سوی دیگر، بدون هیچ تأخیری، اقدام به تولید اورانیوم با غنای بالاتر از ۲۰ درصد مورد نیاز کشور - مانند ۶۰ درصد برای مصارف پزشکی- کند، اما:

اولا- علی‌رغم اینکه این قانون در تاریخ ۱۳۹۹/۹/۱۲تصویب و در مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۵ لازم‌الاجرا شده است، به تصریح سازمان انرژی اتمی ایران در نامه مورخ ۶/ ۴/ ۱۴۰۰ حاوی پاسخ به نامه کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی: «این سازمان بلافاصله مقدمات و تمهیدات فنی لازم برای عملیات «تولید و ذخیره‌سازی اورانیوم با غنای ۲۰ درصد» را آغاز کرد و عملا در تاریخ ۹۹/۱۰/۱۴ تولید محصول آغاز شد». با قطع نظر از بند ۱۸ گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مورخ ۲۳ فوریه ۲۰۲۱ (۱۳۹۹/۱۲/۵) که زمان شروع غنی‌سازی ۲۰ درصد در ایران را ۱۳۹۹/۱۰/۱۵ می‌داند: «از ۴ ژانویه ۲۰۲۱ (۹۹/۱۰/۱۵) ایران همچنین شروع به غنی‌سازی UF6 تا ۲۰ درصد اورانیوم ۲۳۵ کرده است». در صورتی که مبدأ تاریخ اجرای قانون را زمان لازم‌الاجراشدن قانون بدانیم، براساس تاریخ اعلام‌شده از سوی سازمان انرژی اتمی، این سازمان ۹ روز تأخیر در اجرای ماده اول قانون دارد. ثانیا ریاست محترم وقت سازمان انرژی اتمی ایران در جلسه حضوری مورخ ۱۴۰۰/۵/۱۱ در کمیسیون در مقام پاسخ به تخلف مذکور، مدعی شده است که مطابق قانون مجلس، سازمان موظف بوده است که در طول یک سال، ۱۲۰ کیلوگرم ۲۰ درصد را تولید و ذخیره کند، در حالی که قبل از موعد تعیین‌شده، ما توانستیم مقدار مذکور را تولید و ذخیره کنیم، لذا باید مورد تشویق قرار بگیریم نه توبیخ».

در ادامه گزارش نوشته شده «این جواب در پاسخ‌های مذکور سازمان به نامه کمیسیون اصل نود نیز ذکر شده است: ضمن قدردانی از تلاش دست‌اندرکاران عزیز صنعت هسته‌ای، تخلف سازمان انرژی اتمی ایران در اجرای ماده یک قانون مجلس، نسبت به تأخیر ۹ روزه از زمان مورد درخواست قانون نسبت به شروع تولید ۲۰ درصد بوده است نه دستیابی به مقدار تعیین‌شده -یعنی ۱۲۰کیلوگرم- که زودتر از یک سال به آن دست یافته‌اند. ثالثا، مطابق ماده یک قانون، سازمان موظف بوده است نیاز کشور به اورانیوم غنی‌شده بالاتر از ۲۰ درصد جهت مصارف صلح‌آمیز مانند نیازهای پزشکی را به طور کامل تأمین و بدون تأخیر نسبت به آن اقدام کند».

همچنین در بخشی دیگر از گزارش آمده است که «با توجه به آمادگی کامل مجتمع هسته‌ای اصفهان نسبت به تولید اورانیوم فلزی و همچنین پایان‌یافتن مهلت مقرر قانون راهبردی مجلس شورای اسلامی، تاکنون این مرکز به بهره‌برداری نرسیده است». مطابق ماده پنجم، سازمان انرژی اتمی موظف بوده است که هم‌زمان با عملیات بهینه‌سازی و راه‌اندازی عامل واکنش (رآکتور) ۴۰ مگاواتی آب سنگین خنداب اراک (یعنی همان رآکتوری که براساس توافق برجام، کالندریای آن بتُن‌ریزی شده و غیرقابل استفاده شده است)، نسبت به طراحی یک عامل واکنش (رآکتور) آب سنگین ۴۰ مگاواتی جدید با هدف تولید همسان‌های پایدار (رادیوایزوتوپ) بیمارستانی با جدول زمان‌بندی اقدام کند و جدول زمان‌بندی این موضوع را ظرف مدت یک ماه پس از تصویب این قانون (یعنی در تاریخ ۱۰/۱۲/ ۱۳۹۹) به اطلاع مجلس شورای اسلامی برساند؛ اما متأسفانه موارد فوق انجام نشده و از انجام وظایف مندرج در این ماده نیز استنکاف به عمل آمده است.

در پایان گزارش هم از احراز استنکاف سخن به میان آمده و نوشته شده است: «حکم مستنکف از اجرای این قانون نیز در ماده نُهم آن تعیین شده است: ماده ۹- مستنکفین از اجرای این قانون به تناسب امتناع یا ممانعت از اجرا به مجازات تعزیری درجه دو تا پنج قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱محکوم می‌شوند».

***اشتباه تایپی به استنکاف تعبیر شده**

البته این گزارش که رنگ و بوی سیاسی دارد و بیش از آنکه برای نظارت بر حسن اجرای قوانین باشد، به فضایی برای حمله به دولت قبل تبدیل شده است که بی‌پاسخ نماند و علی‌اکبر صالحی در گفت‌وگویی با اشاره به انتشار گزارش کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی مبنی بر محرزشدن استنکاف رئیس‌جمهور سابق و معاونش از اجرای قانون راهبردی لغو تحریم‌ها گفت: درخصوص نظراتی که در این گزارش آمده، قبلا به همه آنها به طور کتبی توسط سازمان انرژی اتمی پاسخ داده شده است.

وی افزود: از نظر منطقی اصل قانون راهبردی لغو تحریم‌ها، ناظر به نتیجه است؛ یعنی باید در زمان مقرر ۱۲۰ کیلوگرم اورانیوم ۲۰ درصد تولید می‌کردیم که برای مثال به جای ۱۲۰ کیلو، چند برابر این مقدار در زمان تعیین‌شده تولید شده است. ازاین‌رو تأکید دارم که همه موارد ذکرشده در قانون مذکور در هماهنگی با مراجع ذی‌ربط و در چارچوب توصیه‌ها و مصوبات آن مراجع عمل شده است. صالحی گفت: در گزارش به تاریخی اشاره شده است که قبلا درباره آن از سوی آقای کمالوندی در کمیسیون اصل نود توضیح داده شده بود مبنی بر اینکه درج این تاریخ اشتباه تایپی بوده است که در هر نامه‌ای ممکن است از این اشتباهات رخ دهد؛ اما متأسفانه در این گزارش به عنوان تخطی سازمان انرژی اتمی از آن نام برده شده است. رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی خاطرنشان کرد: پاسخ به ابهامات و سؤالات نمایندگان در زمان خودش در کمیسیون اصل نود ارائه شده است. چنانچه نمایندگان محترم مجلس و نیز کمیسیون اصل نود مصلحت بدانند، می‌توانند پاسخ‌های حقوقی سازمان انرژی اتمی را برای تنویر افکار عمومی منتشر کنند یا اجازه دهند تا سازمان انرژی اتمی رأسا این کار را انجام دهد، زیرا تمامی مستندات اقدامات سازمان موجود است.

صالحی گفت: افتخار می‌کنم که سازمان انرژی اتمی که از سوی برخی ادعا می‌شد «فاتحه‌اش خوانده شده است» یا «نابود شده» توانست بعد از تصویب قانون راهبردی لغو تحریم‌های مجلس اقدامات سریع و حیرت‌آوری از جمله راه‌اندازی خط تولید اورانیوم ۲۰ و ۶۰ درصد، ساخت هزار دستگاه سانتریفیوژ IR-۶ در کمتر از یک سال یا تولید اورانیوم فلزی و... را به‌خوبی انجام دهد.

یادداشت

عبدالملکی وزیر کم‌استعداد راست‌گو

علی ظفرزاده

عبدالملکی به وزارتی منصوب شد که از سه وزارتخانه (کار و امور اجتماعی و تعاون و رفاه) تشکیل شده و به جای سه وزیر در سه حوزه متفاوت باید مدیریت می‌کرد که دو حوزه از این سه حوزه بسیار حساس و استراتژیک می‌نماید و در حقیقت وزارتخانه‌ای اقتصادی و اجتماعی است و اندک غفلت از حوزه کارگری و رفاه اجتماعی می‌تواند مشکلات عدیده‌ای برای کشور به بار آورد. ایشان قبل از وزارت بین مردم شناخته‌شده نبود و پس از وزارت بسیار مورد توجه شبکه‌های اجتماعی قرار گرفت، جوان‌ترین وزیر توییترباز فضای مجازی با عنوان دکترا اما فاقد استعداد و تجربه کاری در این سطح از مسئولیت و مایل به نمایان‌شدن و نمایش‌دادن.

با شعارها و اظهارنظرهای عجیب‌وغریب، نظرمسئولان را به خود جلب کرد، وقتی کلیپ‌هایشان بین مردم پخش شد موجب تحیر و تمسخر شد. پس از اخذ رأی اعتماد در مصاحبه‌ای گفت در شستا تعدادی از مدیران و کارشناسان فاسد هستند، دستور می‌دهم از کار برکنار شوند.

به آشنای مشترکی گفتم آقای وزیر هنوز نیامده از کجا می‌داند که افراد مورد نظر فاسد هستند، طبق کدام ادله و سند معتبری وزیر چنین حکم می‌کند؟

یا گفتند هزار مدیر فاسد را از مجموعه وزارت اخراج می‌کنم، عجبا! اگر فقط در یک وزارتخانه این‌قدر مدیر باشد و همه فاسد! پس همه سیستم فاسد است. افاضات دیگر ایشان درمورد شغل و لامبورگینی و... برای عوام قصه شد و برای خواص غصه. اما آنچه زمینه عزل ایشان را مهیا کرد، کشاندن کارگران و بازنشسته‌ها به کف خیابان بود که مسبب آن وعده‌های موهوم وزیر درباره افزایش حقوق بازنشسته‌ها برای سال جاری بود که نهایتا به افزایش ۱۰ درصدی منجر شد و با تورم موجود فاصله ۹۰ درصدی دارد. اما خسارات دوران مدیریت ایشان در مدت ۳۰۰ روز در مجموعه عظیم وزارت و شستا و سازمان‌های تأمین اجتماعی و فنی و حرفه‌ای و بازنشستگی و عشایر و روستاییان و حوزه اقتصادی و اجتماعی و مدیریتی فعلا غیرقابل احصاست. با شناختی که در همین مدت از ایشان پیدا کرده‌ام، باورم این است که عبدالملکی دروغ نمی‌گفت، بلکه آنچه در وهمش پدیدار می‌شد، به زبانش جاری می‌شد، ذهنش در مرحله فهم چیزها در حد مشاهدات است، ساده و بسیط و ثابت. به مرحله تأمل و تعقل و تحلیل و اندرکنش چیزها و پدیده‌ها و تأثیر و تأثر آنها بر هم نمی‌رسد، شاید بعد از این برسد.

بالاخره فشار اجتماعی و تهدید مجلس به استیضاح، این جوان کم‌استعداد و پرمدعا را مجبور به استعفا کرد و عبرتی شد تا دولتمردان تحت تأثیر شعارهای موهوم قرار نگیرند و از چگونگی اجرای شعارهایشان و با کدام امکانات و ظرفیت‌ها پرسش کرده و سوابقشان را از نظر کمی و کیفی بررسی کنند و به تعریف و تمجید جمیل و وکیل بسنده نکنند که عاقبت عِرض رفته و زحمت برجای مانده است:

بوریاباف اگرچه بافنده است/ نبردش به کارگاه حریر.

البته که خسارت‌ها و تنش‌های واردشده اقتصادی و اجتماعی از قِبل این انتصاب تنها مربوط به وزیر نیست.

قراین نشان می‌دهد که چنین‌اند که در مصاحبه‌های ارزیابی، باور کرده‌اند که با یک میلیون تومان می‌توان شغل ایجاد کرد و چون کره شمالی و ونزوئلا تحریم را دور زد و قس‌علی‌هذا.

اگر چنین سطح درک و فهمی در بین دولتمردان سیزدهم میانگین باشد!

ملت باید چه کند، مگر کابینه به‌سرعت ترمیم شود و کابینه‌ای توانمندتر برای عبور از مشکلات بر سر کار بیاید. ان‌شاءالله.

پیشخوان Pishkhan.com

omegawatches.com

پیشخوان
Pishkhan.com

LOOKS MAGICAL. WORKS BEAUTIFULLY.

Although not your typical watch interior, our dreamlike world is not too far removed from the real thing. An OMEGA watch calibre is a tiny universe of components. Each working so wonderfully together, our precision timepieces have earned the trust of athletes, deep sea adventurers – and even astronauts.

SEAMASTER AQUA TERRA 150M
CO-AXIAL MASTER CHRONOMETER

اُمگا
OMEGA

TEHRAN WATCH
SINCE 1901

• عکس: حمید عطایی، میزان

تولیدکنندگان دارو از توقف واردات مواد اولیه و شرایط دشوار در این صنایع خبر می‌دهند

دارو در مضیقه

شرق: زنگ هشدار در کارخانه‌های دارو به صدا درآمده است. تولیدکنندگان دارو می‌گویند که ارز واردات مواد اولیه به موقع نرسیده و خطوط تولید بسیاری از کارخانه‌ها متوقف شده‌اند. اخیرا سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی به رئیس‌جمهوری نامه نوشته و گفته‌اند که اگر این وضعیت ادامه پیدا کند، تولید دارو در اولین ماه تابستان امسال تعطیل می‌شود. محمد عبده‌زاده، رئیس سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی به «شرق» می‌گوید درحال‌حاضر ۳۰۰ قلم دارو کمیاب است و بازار با کمبود آنتی‌بیوتیک‌ها و حتی سرم مواجه شده است. دیروز هم بیماران تالاسمی در اعتراض به کمبود دارو مقابل ساختمان وزارت بهداشت تجمع کردند و یونس عرب، دبیر انجمن حمایت از بیماران تالاسمی گفته است که از آذر سال گذشته که بیماران تالاسمی تجمع اول را انجام داده‌اند، تاکنون ۷۰ بیمار به دلیل کمبود دارو فوت کرده‌اند که سه نفر آنها در تجمع پارسال شرکت داشت. وزارت بهداشت اما منکر کمبود دارو می‌شود و می‌گوید که بیماران می‌توانند از داروهای مشابه داخلی استفاده کنند اما علی فاطمی، نایب‌رئیس انجمن داروسازان ایران به «شرق» می‌گوید که کیفیت داروی برندهای مختلف متفاوت است و از آنجا که بیماران خاص و از جمله بیماران تالاسمی بدن ضعیف‌تر با مقاومت پایین‌تر دارند، تحمل تغییر دوز دارو و استفاده بیشتر از داروهای کم‌کیفیت را ندارند و دچار عوارض متعدد می‌شوند.

بازار دارو دوباره متلاطم شده است. سال گذشته سرم‌های ۱۰۰ هزار تومانی خبرساز شد و در مقطعی داروی قارچ سیاه کمیاب شد. روز دیگر بیماران دیابتی و کمبود انسولین در رسانه‌ها خبرسازی کرد و زمانی داروهای درمان کرونا به بازار سیاه رسید و قیمت‌های چند میلیون تومانی آن روی خروجی رسانه‌ها رفت و حالا دوباره کمبود دارو به اقلام ساده‌ای مانند آنتی‌بیوتیک‌ها و سرم‌های نمکی رسیده است. هرچند وزارت بهداشت و سازمان غذا و دارو بارها منکر کمبود و حتی گرانی دارو شده‌اند اما حالا بسیاری از کاربران ایرانی در فضای مجازی از کمبود داروهای ساده مانند داروهای گوارشی و آنتی‌بیوتیک‌ها خبر می‌دهند و ایلنا دیروز در گزارشی از تجمع بیماران تالاسمی مقابل وزارت بهداشت نوشته است. یونس عرب، دبیر انجمن بیماران تالاسمی به این رسانه گفته که کمبود دو داروی «دیسفرال» و «جیدنیو» و اقلام دیگر جان بیماران را تهدید می‌کند و در فاصله دو تجمع اعتراضی بیماران تالاسمی از آذر پارسال تاکنون ۷۰ بیمار به دلیل کمبود دارو فوت کرده‌اند که سه نفر آنها در تجمع قبلی حضور داشت. از آن سو تولیدکنندگان دارو می‌گویند که ماه‌هاست ارز واردات مواد اولیه دارو را نگرفته‌اند و خطوط تولید بسیاری از داروها متوقف شده است و رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس هم معتقد است که تحقق دستور مجلس برای بالانرفتن قیمت دارو دیگر ناممکن شده است. حالا یا دولت باید حدود ۱۱۸ هزار میلیارد تومان بپردازد یا دارو گران‌تر به دست مردم برسد.

تولید دارو با قیمت‌های جدید صرفه ندارد

چند روز پیش اعضای سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی ایران در نامه‌ای خطاب به رئیس‌جمهوری وضعیت بازار دارویی کشور را شرح داده و نسبت به تعطیلی خطوط تولید دارو از تیرماه سال جاری هشدار دادند! محمد عبده‌زاده، رئیس سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی، درباره علت وضعیت پیش‌آمده برای خطوط تولید و افزایش کمبودهای دارویی ایجادشده در بازار به «شرق» می‌گوید: تأمین به‌موقع ارز ما بسیار ضروری است. کل ارزبری تولید داروی ما هم سالی ۲.۲ میلیارد دلار است؛ یعنی نهایتا باید ماهی ۲۰۰ میلیون دلار ارز بدهند، آن‌هم به طور مرتب. اینکه ارزدهی به دارو چند ماه متوقف شود و بعد ناگهانی مقدار زیادی ارز بدهند، نه مشکل شرکت‌ها را حل می‌کند نه مشکل کمبود دارو را. چون زمانی که ارز به طور ناگهانی بعد از چند ماه تخصیص پیدا می‌کند، بعضی شرکت‌ها می‌توانند از آن استفاده کنند و برخی هم نمی‌توانند؛ بنابراین در برخی اقلام کمبود و در برخی دیگر مازاد خواهیم داشت. ضمنا از زمانی که شرکت ارز را دریافت می‌کند تا تبدیل به دارو شود، حدود شش ماه زمان می‌برد؛ بنابراین تخصیص منظم ارز یکی از الزامات جلوگیری از کمبود است.

او ادامه می‌دهد: همچنین دارو قیمت تمام‌شده‌ای دارد که ناشی از هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم است. همه چیز از حقوق و عوارض گمرک، گاز، حمل‌ونقل، بسته‌بندی، مواد پتروشیمی و... همه به‌شدت بالا رفته و اکنون شرکت‌های دارویی در حاشیه زیان هستند. دولت درآمدهای خودش را افزایش داده اما به خاطر نگرانی‌اش از بابت مصرف‌کننده مانع بالارفتن قیمت دارو می‌شود. درحالی‌که باید بودجه سازمان‌های بیمه‌گر به جایی برسد تا پوشش‌شان را افزایش دهند و افزایش قیمت دارو مشکلی برای مصرف‌کننده ایجاد نکند. دولت اگر می‌خواهد از مردم حمایت کند، پوشش بیمه‌ای‌اش را به بالای ۹۰ درصد برساند تا مردم حداقل پرداختی را داشته باشند. به گفته رئیس این سندیکا در بودجه ۱۴۰۱ بخشی آورده شده که در آن مجلس خواسته پرداخت هزینه دارو از جیب مردم معادل قیمت شهریور ۱۴۰۰ بماند. عبده‌زاده دراین‌باره می‌گوید: این یعنی پوشش بیمه باید به بالای ۹۵ درصد برسد و بودجه آن را هم باید دولت بپردازد. تولیدکننده هم مطابق با قیمت نهایی تمام‌شده‌اش بفروشد ولی هرچه ما تلاش می‌کنیم، اقدامی صورت نمی‌گیرد. شرکت‌های ما تقریبا از مواد اولیه خالی شده‌اند و تولید با قیمت‌های جدید هم برایشان صرفه ندارد.

۳۰۰ قلم دارو با کمبود مواجه است

عبده‌زاده تأکید می‌کند: همین حالا حدود ۳۰۰ قلم دارو در کشور با کمبود مواجه است از جمله سرم‌ها و آنتی‌بیوتیک‌ها. به داروخانه‌ها که سر بزنید، متوجه می‌شوید تعداد اقلام دارویی نایاب بسیار زیاد شده و همین‌طور هم رو به افزایش هستند. او در پاسخ به این سؤال که اقلام وارداتی تا چه میزان می‌توانند کمبودها را پوشش دهند نیز عنوان می‌کند: اکثر داروهای ما مشابه وارداتی دارند اما وارداتشان به همین راحتی نیست. فرض کنید الان که با کمبود سرم مواجه هستیم، بخواهیم از هر جای دنیا چند کشتی سرم روانه کشور کنیم. چقدر زمان می‌برد تا این محموله‌ها برسد؟ ضمن اینکه برخی داروها به قدری نمونه داخلی پرمصرفی دارند که نمی‌توانند جایگزین داشته باشند؛ مثل سرم‌ها یا داروهای سرماخوردگی. مصرف این داروها به قدری بالاست که اگر دچار کمبود شوند کل ارز کشور هم نمی‌تواند وارداتش را برای کشور تأمین کند.

شرکت‌های دارویی مقروض شده‌اند

آن‌طور که عبده‌زاده می‌گوید وضعیت سود و زیان شرکت‌های دارویی چندان مطلوب نیست و حالا شرکت‌های دارویی ناچار شده‌اند معادل ۷۰ درصد فروش خود وام دریافت کنند. او توضیح می‌دهد: در صنعت دارو دوره چرخش نقدینگی یعنی از زمان خرید مواد اولیه تا تبدیل آن به پول حدود ۴۰۰ روز شده است. همچنین با توجه به آماری که از بورس گرفتیم، میزان وام‌های شرکت‌های دارویی سه برابر شده! درواقع هرچه را هزینه کرده‌اند، نتوانستند وصول کنند و به طور متوسط ۷۰ درصد فروش‌شان وام دریافت کرده‌اند، آن‌هم با بهره ۱۸ و ۲۰ درصد. عبده‌زاده می‌افزاید: صنعتی که باید ماهانه ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون دلار خرید مواد اولیه دارویی داشته باشد، در سه سال گذشته نهایتا ماهانه ۱۵ میلیون یورو خرید داشته‌اند. یعنی عملا صنعت و خطوط تولید آن با سرعت بسیاری در حال مستهلک‌شدن است.

وضعیت حاد داروهای دیابت

علاوه بر او، محمود نجفی‌عرب، رئیس کمیسیون اقتصاد سلامت اتاق بازرگانی تهران نیز به «شرق» می‌گوید بانک مرکزی تاکنون فقط یک میلیارد دلار ارز ترجیحی برای واردات مواد اولیه دارویی اختصاص داده است که البته بخش قابل‌توجهی از آن صرف معوقات واردات دارو از دی تا پایان سال گذشته شده است. او تأکید می‌کند که به جز این رقم، دیگر ارز واردات دارو پرداخت نشده و بسیاری از تولیدکنندگان دارو معطل مواد اولیه دارویی مانده‌اند و خطوط تولید به همین دلیل تعطیل شده است. نجفی‌عرب می‌گوید که داروهای مربوط به بیماران دیابتی هم‌اکنون وضعیت حادتری دارند و اگر دولت برای پرداخت ارز واردات دارو تعجیل نکند به‌زودی بازار با کمبود اقلام دارویی و افزایش قیمت مواجه می‌شود.

وضعیت تولید سرم وخیم شد

بنا به گفته نجفی ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی واردات دارو فقط حدود ۳۰ درصد هزینه‌های ارزی دارو را تأمین می‌کند و ارز سایر مواد ترکیبی داروها و بسته‌بندی و... با نرخ دلار نیمایی محاسبه می‌شود. نجفی در ادامه همچنین می‌گوید درحال‌حاضر وضعیت تولید در کارخانه‌های سرم‌سازی وخیم است و مواد پلیمری که برای بسته‌بندی سرم استفاده می‌شود افزایش چشمگیر قیمت داشته است. او ادامه می‌دهد با تمام این شرایط دولت در نرخ‌گذاری قیمت دارو دخالت زیادی دارد و نرخ‌گذاری دارو به نحوی است که قیمت دارو از هزینه تولید کمتر بوده و شرکت‌های دارویی که اتفاقا صورت مالی بسیاری از آنها در بورس موجود است زیان‌های مکرر را به ثبت رسانده‌اند. عضو هیئت‌مدیره سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی همچنین مانند عبده‌زاده تأکید می‌کند که دولت به جای تقویت پوشش بیمه‌ای و حمایت از بیماران در قالب بیمه، به صنایع دارو فشار می‌آورد تا قیمت‌ها را سرکوب کند و نتیجه اینکه دنبال آن است تا صنایع دارو را به سرنوشتی مشابه صنعت خودروسازی دچار کند که نه تولیدکننده راضی است و نه مصرف‌کننده.

کسری ۱۱۸ هزار میلیارد تومانی در بخش دارو

حسینعلی شهریاری، رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس که چندی پیش برای جلوگیری از قطع برق صنعت دارو به وزیر نیرو نامه نوشته بود، حالا به «شرق» خبر می‌دهد که چند ماهی است نگران وضعیت دارویی کشور است و بارها در ستاد مبارزه با کرونا دراین‌باره هشدار داده. به گفته این نماینده اکنون حتی درباره کمبود منابع مالی در بخش تجهیزات انتقال خون و کمبود آمبولانس در اورژانس‌ها هم نگرانی شدید وجود دارد. او به مصوبه مجلس درباره جلوگیری از افزایش قیمت دارو برای مصرف‌کننده اشاره می‌کند و می‌گوید: مصوبه ما در مجلس قطعا شدنی نیست چون ما کمبود منابع مالی داریم. حقوق و دستمزد، پول آب، برق، گاز و تلفن، مواد اولیه و... همه بالا رفته است. بیش از ۷۰ درصد هزینه دارو، مواد مصرفی است که وزارت صمت با ارز آزاد وارد می‌کند و قیمت بسیار زیادی دارد. اینها قطعا درنهایت قیمت دارو را افزایش خواهد داد. قیمت‌ها را دستوری هم نمی‌توان نگه داشت، اگر مصوبه مجلس محقق شود، شرکت‌های دارویی به تعطیلی کشیده می‌شوند. اگر هم دولت بخواهد مانع تعطیلی شود، چیزی نزدیک به ۱۱۸ هزار میلیارد تومان پول نیاز دارد. اما نه سازمان برنامه و بودجه می‌تواند پول را به موقع بدهد نه سازمان‌های بیمه توان پرداخت دارند.

رئیس کمیسیون بهداشت مجلس: از زمستان پارسال به رئیسی هشدار دادیم

به گفته این نماینده وقتی قیمت دارو بالا برود ولی فرانشیز بیمه آن ثابت بماند، پرداختی از جیب مردم قطعا افزایش پیدا می‌کند. مگر اینکه این فرانشیزها به‌شدت افزایش پیدا کند؛ مثلا سهم بیمه از ۷۰ درصد به ۹۵ برسد که این هم در توان شرکت‌های بیمه در ایران نیست؛ چون شرکت‌های بیمه امکان خلق منابع ندارند. شهریاری می‌گوید که از تاریخ ۲۲ دی‌ماه سال گذشته به سران سه قوه نامه زده و درباره وضعیت هشدار داده، او ادامه می‌دهد: آقای رئیس‌جمهور در تمام جلساتی که من مسائل را مطرح کردم، از من دفاع کردند و دستور دادند این اتفاق بیفتد. شهریاری در پاسخ به این سؤال که رئیس‌جمهور و دولتش چطور قرار است این منابع مالی را تأمین کنند، فقط می‌گوید: رئیس‌جمهور دستور دادند دیگر امیدواریم اتفاق بیفتد.

یادداشت

تبیین الزامات اثربخشی برنامه حذف ارز ترجیحی (۲)

حسین قریب

۳- رفتار اقتصادی دولت‌ها در جمهوری اسلامی ایران

طی چهار دهه گذشته، سیاست‌گذاری اقتصادی دولت‌ها در جمهوری اسلامی ایران، عمدتا از یک سو معطوف به چرخه افزایش هزینه‌های دولت، کسری بودجه، نقدینگی و سپس افزایش نرخ تورم و از سوی دیگر، در پی تثبیت قیمت‌ها برای مهار همان «تورم خودساخته» بوده است. به‌عبارت دیگر، تثبیت قیمت‌ها در حوزه‌هایی مانند نرخ ارز، حامل‌های انرژی، نرخ سود بانکی، کالاهای اساسی و... با هدف مهار تورم و کمک به اقشار آسیب‌پذیر شکل گرفته است. اما از آنجا که دولت‌ها برای کمک به اقشار آسیب‌پذیر، در قیمت‌ها دخالت می‌کنند، این امر موجب رانت‌زایی شده که در بلندمدت به ضرر اقشار آسیب‌پذیر خواهد بود. همان‌طور که گفته شد، راهبرد معقول کمک به اقشار مزبور، نه از طریق دخالت در قیمت‌ها و تثبیت آنها بلکه باید به صورت کمک‌های نقدی باشد. چکیده سیاست‌گذاری اقتصادی دولت‌ها در دهه‌های گذشته را در شمای پایین صفحه می‌بینید. دولت‌ها در سطح اقتصاد کلان، به طرف عرضه با پیگیری تعیین قیمت دستوری نرخ ارز و نرخ سود بانکی برای ارائه تسهیلات ارزان‌قیمت و در سطح اقتصاد خرد، به قیمت‌های پایین حامل‌های انرژی و کالاهای اساسی مصرفی مردم پرداخته‌اند. در شرایطی که رویکرد اصلی دولت‌ها، معطوف به تثبیت قیمت‌ها بوده و کارکردها نیز موجب افزایش سالانه هزینه‌های دولت و نرخ تورم بود. اختصاص ارز ترجیحی در شرایط مزبور که نرخ ارز در بازار، روند صعودی دارد، آثار تخریبی و هزینه‌های تحمیلی آشکار و نهان برای اقتصاد ملی در پی داشته که از جمله آثار تخریبی مربوطه این است که در هنگام رونق درآمدهای نفتی، ارز قابل‌توجهی با نرخ‌های ترجیحی برای واردات کالا اختصاص پیدا می‌کند. بدیهی است که در شرایط تورمی، واردات کالا توجیه‌پذیر است؛ چراکه در شرایط تورمی، هزینه تولید در داخل افزایش می‌یابد اما با ارائه نرخ ارز ترجیحی، کالای با نرخ ارزان وارد کشور می‌شود. در این وضعیت تولیدکنندگان داخلی توان رقابت خود را از دست می‌دهند و به ورطه ورشکستگی نزدیک می‌شوند و بنیان‌های تولید داخلی نابود می‌شوند. در ادامه نیز هرگاه میزان صادرات نفت و درآمدهای نفتی به سبب تحریم‌های جهانی کاهش یابد، دولت نمی‌تواند تثبیت اسمی نرخ ارز مورد نظر و برقراری روند تخصیص ارز ترجیحی را ادامه دهد و ازاین‌رو به جهش در قیمت ارز نیز تن می‌دهد. این امر موجب ایجاد اختلالات فراوان در روند واردات کالا و سپس فضای کسب‌وکار می‌شود. از آنجا که در دوران رونق با واردات بی‌رویه، به بنیان‌های تولید داخلی آسیب‌های فراوان وارد شده، در دوره کاهش درآمدهای نفتی و کاهش واردات، زمینه‌ای برای اتکا به تولید داخلی وجود نخواهد داشت. تمامی رخدادهای مزبور موجب کاهش عرضه و به تبع آن افزایش نرخ تورم می‌شود. کاهش نرخ رشد اقتصادی و رفاه عمومی شهروندان نتیجه قهری روند مزبور است. نخبگان سیاسی در دهه‌های پیشین، بخش قابل‌توجهی از ظرفیت خود را معطوف به تثبیت قیمت‌ها در شرایط تورمی کرده‌اند؛ بنابراین از تمرکز نسبت به موضوعات اصلی مانند کاهش هزینه در دستگاه‌های اجرائی، ارتقای بهره‌وری، بهبود ساختار اداری و چابک‌سازی دستگاه‌های دولتی غفلت داشته‌اند. این غفلت استراتژیک، عامل نهادینگی کسری بودجه در کشور و موجب تغییرات سینوسی و دوره‌ای قیمت‌ها پس از یک دوره تثبیت، به افزایش ناگهانی شده و در ادامه نیز پیش‌بینی می‌شود که این روند تکرار شود.

تأملی در رفتار کاربران شبکه‌های اجتماعی مجازی در ماجرای هدی رستمی

نشانه‌هایی مشخص از دوقطبی‌شدن جامعه ایران

محمد رهبری- هادی صفری: یکی از موضوعات پرهیاهو در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در روزهای گذشته، به موضوع فم‌تریپ و ماجرای هدی رستمی بازمی‌گردد. هدی رستمی با ۴۶۶ هزار فالوئر در اینستاگرام، یک بلاگر سفر است که در پروژه گردشگری خود به نام فم‌تریپ (Fam Trip) بنا بر ادعای خودش، تلاش دارد تا پای توریست‌های خارجی را به ایران باز کند. ماجرا از آنجایی شروع شد که این بلاگر، در یکی از کامنت‌های اینستاگرامی خود درباره آزادی حجاب در ایران نوشته بود و همین موضوع باعث اوج‌گیری حملات برخی از کاربران رسانه‌های اجتماعی به او شد. اعتراضاتی که مثل همیشه از فضای توییتر آغاز شد.

شبکه بازنشر توییت‌های منتشرشده راجع به هدی رستمی و پروژه او، نشان می‌دهد فضای غالب توییتر علیه هدی رستمی بوده است. بر اساس گراف به‌دست‌آمده از داده‌های توییتر، دسته‌بندی‌های رایج در توییتر فارسی در این گراف دیده نمی‌شود. بیشتر معترضان به هدی رستمی از میان مخالفان جمهوری اسلامی بوده‌اند. برخی از اصلاح‌طلبان و نیروهای میانه‌رو نیز هم در میان مخالفان هدی رستمی دیده می‌شوند و هم در میان مدافعان او. اقلیتی از نیروهای انقلابی نیز در دفاع از هدی رستمی توییت زده یا توییت‌های حمایتی را بازنشر کرده‌اند، اما به طور کلی می‌توان گفت جریان انقلابی در توییتر در این ماجرا ساکت بوده و عمده واکنش‌ها از سمت کاربران مخالف جمهوری اسلامی بوده است.

شدت مخالفت‌ها با هدی رستمی در متن توییت‌ها نیز قابل مشاهده است. در این توییت‌ها کلماتی نظیر «پروژه»، «حجاب»، «گشت ارشاد» و «پول» ازجمله کلمات پرتکرار است. کلماتی که نشان می‌دهد بیشتر اعتراضات به این ماجرا درخصوص حجاب بوده و برخی کاربران فم‌تریپ را پروژه‌ای دانسته‌اند که از سمت نهادهای دولتی یا حاکمیتی طراحی شده است. هم‌زمانی این ماجرا با انتشار خبر «شرق» مبنی بر شلیک گشت ارشاد در پارک پردیسان تهران نیز باعث افزایش اعتراضات شد و شاید بتوان گفت علت پرتکراربودن کلمه «گشت ارشاد» نیز به همین موضوع بازمی‌گردد.

این واکنش‌ها باعث شد هدی رستمی در یک توییت و پست اینستاگرامی، نسبت به رفتار و پروژه خود توضیحاتی را ارائه کند؛ توضیحاتی که در توییتر و اینستاگرام واکنش‌های زیادی را در پی داشت. نکته جالب در توییتر آن بود که توییتی که هدی رستمی زده بود، او را در قیاس با حامیانش در نقطه میانه‌تری قرار داد؛ گویی مخاطب‌های دیگری رشته‌توییت او را خوانده و بازنشر کرده باشند. در اینستاگرام نیز وضعیت مشابه بود؛ درحالی‌که پست‌های اینستاگرامی او معمولا بیش از ۴۰ هزار لایک نمی‌گیرد، این پست او نزدیک به ۷۵ هزار لایک گرفته بود که نشان می‌داد سخنان او فراتر از دامنه دنبال‌کنندگان همیشگی‌اش رفته است. اما در کنار این لایک‌ها، بیش از ۱۹ هزار کامنت نیز پایین پست اینستاگرامی او ثبت شده است که بیانگر واکنش‌ها به پست اینستاگرامی اوست. محتوای این واکنش‌ها چه بوده است؟

استخراج کامنت‌های اینستاگرامی او نشان می‌دهد برخلاف فضای یکدست توییتر علیه هدی رستمی، در اینستاگرام مخالفان و موافقان هدی رستمی تنوع بیشتری داشته‌اند. در این کامنت‌ها، اگرچه کلیدواژه‌هایی نظیر «حجاب»، «پول» و «ماله» پرتکرار بوده، اما عباراتی نظیر «موفق باشی» و «دمت گرم» نیز زیاد تکرار شده است. موضوعی که نشان می‌دهد در میان کامنت‌گذاران، موافقان و مخالفان هدی رستمی هر دو حضور داشته‌اند.

بررسی ایموجی‌هایی که بیشترین تکرار را در این کامنت‌ها داشته، نشان می‌دهد ایموجی ❤️ ۴۶۳ بار و ایموجی 👏👏👏 ۳۵۶ بار تکرار شده و از این حیث پرتکرارترین ایموجی‌ها بودند که در معنایی مثبت به کار رفته‌اند. اما پرلایک‌ترین کامنت‌هایی که برای هدی رستمی گذاشته شده، فضای متفاوتی داشته است. در کامنتی که با چهارهزارو ۳۲۵ لایک، بیشترین لایک را گرفته که نسبتا هم طولانی است، یکی از کاربران نوشته است:

«دقیقا انتقادات از شما هم به همین دلایلی است که ذکر کردید. مثلا اینکه می‌گویید کار شما آوردن توریست خارجی به ایران است، درحالی‌که این کار باعث فریب دیگر گردشگران می‌شود و وقتی پس از پایان پروژه شما به ایران سفر کنند، گروگان گرفته می‌شوند و زندانی. ده‌ها مورد از چنین اتفاقی را شاهد نبوده‌ایم؟ درباره درک‌تان از مشکلات مردم هم باز حقیقت را با مظلوم‌نمایی وارونه جلوه دادید، چون سؤال اصلی از شما این است که چرا برای این توریست‌ها توضیح ندادید که مثلا ۹۰ درصد جمعیت ایران زیر خط فقر هستند؟ چرا به آنها نگفتید زن‌های ایرانی نمی‌توانند مثل آنها لباس بپوشند؟...».

کامنت مذکور در کنار ده‌ها کامنت پرلایک دیگر نشان می‌دهد کامنت‌های پرلایک، عمدتا در انتقاد از هدی رستمی بوده است. اما این کامنت‌ها به لحاظ محتوایی حاوی نکته دیگری نیز هست. بر اساس این کامنت‌ها، به وضوح می‌توان فهمید که موضوع اعتراض کاربران به هدی رستمی نه‌فقط بحث حجاب، بلکه زیبا نشان‌دادن ایران به دیگران بوده و یکی از دلایل اعتراضات به هدی رستمی آن بوده است که چرا درمورد شرایط زندگی ایران به دنیا دروغ می‌گوید. در یکی از این کامنت‌ها که سه‌هزارو ۷۵ لایک داشته، یکی از کاربران نوشته است:

«بله شما حق دارین زیباترین مناطق ایران رو به دنیا معرفی کنین ولی حق ندارین در مورد شرایط زندگی خود مردم ایران به دنیا دروغ بگین. سفیر روسیه خیلی ساده علت عدم مسافرت روس‌ها رو به ایران دو چیز معرفی کرد: محدودیت‌های پوشش و... . شما چطور می‌خواین این مشکل رو حل کنین؟ با دروغ؟».

از مجموع این کامنت‌ها و واکنش‌ها می‌توان نتیجه گرفت که واکنش‌ها در اینستاگرام به هدی رستمی، مثبت‌تر از واکنش‌ها به او در توییتر بوده؛ بااین‌حال، فضای انتقادی شدیدی آنجا نیز حاکم است. انتقادات را هم می‌توان در دو گروه دسته‌بندی کرد: ۱- گروهی که به مواضع هدی رستمی درخصوص حجاب در ایران اعتراض داشتند و ۲- گروهی که به دلیل زیبا نشان‌دادن ایران و مخفی‌کردن مسائل ایران، او را به دروغ‌گویی متهم می‌کنند.

فارغ از قضاوتی که راجع به هدی رستمی و اعتراضات به او می‌توان داشت، آنچه اینجا اهمیت دارد، آن است که به نظر می‌رسد فضای دوقطبی که سال‌ها در توییتر شاهد آن بودیم و در گزارش‌های متعدد به آن پرداخته شده بود، حالا در اینستاگرام نیز کم‌کم بروز و ظهور پیدا کرده است. با توجه به آنکه بر اساس آخرین نظرسنجی ایسپا، بیش از ۵۰ درصد از ایرانیان در این پلتفرم حضور دارند، تداوم این دوقطبی و دوپاره‌شدن جامعه ایران می‌تواند تبعات بلندمدت خطرناکی را برای جامعه کشور داشته باشد. در این بین مسئولیت دولتمردان و سایر مسئولان برای حل این دوقطبی‌ها دوچندان است و اقداماتی نظیر گشت ارشاد و رفتاری که با مردم می‌شود، بی‌شک به این دوقطبی‌ها دامن خواهد زد.

جمهوری اسلامی ایران
وزارت کشور
استانداری فارس
شهرداری خاوران

آگهی مزایده تاسیسات سنگ شکن و باسکول شهرداری خاوران

نوبت دوم | شناسه آگهی ۱۳۳۱۴۹۸

شهرداری خاوران در نظر دارد بر اساس بند ۱ مصوبه شماره ۱۳ مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۰۲ نسبت به اجاره تاسیسات سنگ شکن موجود و باسکول شهرداری خاوران طبق شرایط ذیل اقدام نماید.
۱-قیمت پایه مبلغ ۱/۰۰۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال به صورت ماهیانه
۲-واریز مبلغ ۱/۰۸۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت سپرده شرکت در مزایده به حساب شماره ۳۱۰۰۰۰۳۳۱۹۰۰۷ نزد بانک ملی بنام شهرداری خاوران
۳-در صورت انصراف نفر اول سپرده او ضبط و اولویت به ترتیب با نفرات دوم و سوم برندگان می باشد که در صورت انصراف سپرده آنان نیز به نفع شهرداری ضبط خواهد شد.
۴-مدت قبول پیشنهادات ازتاریخ نشر آگهی نوبت دوم به مدت ۱۰ روز کاری می باشد. آخرین تاریخ تحویل پاکات پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۱/۰۴/۰۷ می باشد.
۵-به پیشنهادات مخدوش، مشروط و فاقد سپرده ترتیب اثر نخواهد شد.
۶-متقاضی می بایست پیشنهاد خود را در پاکات لاک و مهر شده تحویل دبیرخانه شهرداری نماید.
۷-شهرداری در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار می باشد.
۸-هزینه آگهی بر عهده برنده مزایده می باشد.
۹-سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مزایده درج می گردد که متقاضیان جهت دریافت اسناد مزایده در مهلت تعیین شده در بند ۴ به دبیرخانه شهرداری خاوران مراجعه نمایند.
شرکت کنندگان در مزایده لازم است قبل از ارائه پیشنهاد جهت بازدید از کارخانه سنگ شکن به سنگ شکن شهرداری خاوران واقع در جاده جهرم شیراز مراجعه نمایند و هم چنین می توانند جهت اطلاع بیشتر با شماره تلفن های ۰۷۱۵۴۵۱۷۳۰۰_۰۹۱۷۱۳۱۱۹۷۰ تماس حاصل نمایند.

نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۳/۱۸
نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۳/۲۶
امین عباسی _ شهردار خاوران

اختلافات درونی طالبان برای خلع سلاح فرماندهان غیرپشتون و فرصت‌طلبی داعش

طالبان علیه طالبان

کمتر از یک سال پس از به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان، اختلاف‌های درونی در این گروه شبه‌نظامی افراطی، بالا گرفته و ماندگاری حکومت طالبان را با چالشی جدی روبه‌رو کرده است. از آگوست سال گذشته و پس از خروج ایالات متحده و متحدانش از افغانستان که به سقوط حکومت افغانستان و سلطه مجدد طالبان بر این کشور انجامید، چالش‌های متعددی پیش‌روی این گروه افراط‌گرای حاکم بر افغانستان قرار گرفت. خواسته‌های جامعه جهانی و نهادهای حقوق‌بشری برای جلوگیری از نقض حقوق بشر در این کشور و در کنار آن، فشار واشنگتن برای جلوگیری از تبدیل دوباره افغانستان به پایگاهی امن برای گروه‌های تروریستی هم‌پیمان طالبان، مسائلی هستند که نه‌تنها حل‌وفصل نشده‌اند، بلکه نگرانی‌های بین‌المللی را بیشتر کرده‌اند. در این میان، درگیری داخلی میان جریان‌های مختلف درون طالبان، توانایی این گروه برای تأمین امنیت افغانستان و مقابله با گروه‌های رقیب ازجمله داعش را بیش از گذشته زیر سؤال برده است.

گروه طالبان با شعار تشکیل حکومت اسلامی و تطبیق شریعت، قدرت را در افغانستان به دست گرفته و اکنون اعضای آن برای کرسی‌های حکومتی به جان هم افتاده و اختلاف‌های درونی این گروه در روزهای اخیر نمایان‌تر شده است. گزارش‌های متعددی از اختلاف و درگیری میان اعضای این گروه، حکایت از بروز شکاف میان طالبان پشتون‌تبار و غیرپشتون این گروه تندرو دارد.

بازداشت «مخدوم عالم»، یکی از فرماندهان ازبک‌تبار طالبان در شمال افغانستان، تنش طالبان پشتون‌تبار و غیرپشتون این گروه را شعله‌ور کرد و زنگ خطر برای انحصار قدرت از سوی جریان اصلی (طالبان پشتون) را به صدا درآورد. طالبان این فرمانده ازبک‌تبار خود را به اتهام آدم‌ربایی بازداشت کرده بود، اما او این اتهام را رد کرده است. پس از بازداشت مخدوم عالم، هواداران او در شمال کشور به خیابان‌ها آمده و دست به اعتراض‌های گسترده زدند. در نهایت این فرمانده طالبان با پادرمیانی برخی فرماندهان ازبک‌تبار این گروه از بند آزاد شد. اکنون گزارش‌ها از ولایت فاریاب، حاکی از آن است که تنش میان قاری صلاح‌الدین ایوبی، دیگر فرمانده غیرپشتون طالبان، با حکومت مرکزی طالبان بالا گرفته و چند روز قبل او چندین نظامی پشتون‌تبار طالبان را در ولسوالی المار مضروب کرده است. اما قاری صلاح‌الدین ایوبی بروز اختلاف با حکومت مرکزی را رد کرده است. گفته می‌شود در ماه‌های اخیر، پس از اوج‌گیری تنش‌ها میان طالبان، برخی فرماندهان محلی ازبک‌تبار این گروه در شمال کشور خلع سلاح و خانه‌نشین شده‌اند.

خطر داعش

اخیرا «مؤسسه مطالعات جنگ» در گزارشی هشدار داده بود اعضای داعش در شمال افغانستان تلاش دارند طالبان ازبک‌تبار را برای پیوستن به این گروه تشویق کنند و درگیری‌های چند ماه قبل میان طالبان پشتون‌تبار و ازبک‌تبار، سبب ایجاد خلأ میان طالبان شده که ممکن است داعش از آن استفاده کند. در اوایل هفته جاری، رسانه‌های افغانستان گزارش دادند در پی وقوع درگیری میان مولوی عبدالقدیر، یکی از فرماندهان طالبان با نیروهای استخبارات این گروه در منطقه کلفگانی از توابع شهر تالقان، مرکز ولایت تخار، هشت نفر ازجمله چهار غیرنظامی کشته شدند. از سوی دیگر، اختلاف و تنش میان مولوی مهدی مجاهد، فرمانده پیشین استخبارات (اطلاعات) طالبان در بامیان که تنها فرمانده هزاره‌تبار این گروه است، با حکومت کابل افزایش یافته و طالبان در تلاش است این فرمانده خود را از قدرت نظامی خلع کند. طالبان برای گفت‌وگو و بازگرداندن او به کابل، تاکنون سه بار هیئت فرستاده است که در آخرین مورد، انعام‌الله سمنگانی، معاون سخنگوی این گروه نیز در نشست‌های مربوطه شرکت کرد، اما این نشست نیز بی‌نتیجه پایان یافت. پس از این تحولات، طالبان تلاش کرد با استفاده از قدرت نظامی، مولوی مهدی را خلع سلاح کند و ۵۰۰ نظامی را از ولایت‌های دیگر به سرپل اعزام کرده تا به ولسوالی بلخاب که محل اقامت او است، حمله کنند. گزارش‌ها حاکی از آن است که از طالبان ازبک‌تبار در ولایت‌های فاریاب و جوزجان نیز خواسته شده ۳۰۰ نظامی برای حمله به بلخاب بفرستند، اما آنها این درخواست را رد کرده‌اند. مولوی مهدی منفعت، سرنوشت هزاره‌ها را «خط قرمز» عنوان کرده و گفته است به هیچ قیمت از آن عدول نخواهد کرد. همچنان گزارش‌هایی هم از ولایت بدخشان در شمال شرق افغانستان منتشر شده که طالبان پشتون‌تبار برای تسلط بر معادن این ولایت، صدها نیروی جدید از قندهار وارد کرده‌اند تا دست طالبان تاجک‌تبار را از معادن کوتاه کنند.

با توجه به بروز شکاف داخلی میان اعضای طالبان و افزایش حملات «جبهه مقاومت ملی» و دیگر جبهات ضد طالبان، معادله صلح و جنگ در این کشور پیچیده‌تر شده است. اقدامات اخیر طالبان برای برکناری فرماندهان غیرپشتون در شمال و انحصار قدرت در تمام سطوح حکومت، این گروه را به سوی بازی باخت-باخت حرکت می‌دهد که سود آن برای هر گروه یا کشوری باشد، به نفع طالبان نخواهد بود و داعش از این خلأ می‌تواند به سود خود استفاده کند. با درنظرگرفتن تشکیل جبهه‌های مختلف ضد طالبان و افزایش تحرک شاخه خراسان گروه داعش در این کشور، یکی از نگرانی‌ها پیوستن اعضای کنارگذاشته‌شده طالبان به دیگر گروه‌ها ازجمله داعش است که انرژی زیادی را صرف جذب نیروی جدید می‌کند.

از آنجایی که این جبهه‌های ضد طالبان و گروه داعش در ماه‌های اخیر حملات زیادی را علیه طالبان سازماندهی کرده‌اند، بعید نیست برخی از اعضای برکنارشده طالبان، برای محافظت از خود، به جبهات ضد طالبان یا داعش بپیوندند. در این میان، هرچند طالبان تلاش دارند با پنهان‌کاری بر اختلافات داخلی و انحصار قدرت در دست طالبان پشتون‌تبار سرپوش بگذارند، اما حوادث اخیر نشان می‌دهد طعم شیرین قدرت این کار را برای طالبان پشتون‌تبار به یک امر انکارناپذیر تبدیل کرده است. با توجه به عدم به‌رسمیت‌شناختن حکومت طالبان نزد جامعه جهانی، افزایش تنش‌ها میان این گروه، کار را برای حکومت مرکزی دشوارتر می‌کند؛ زیرا حکومت فاقد مشروعیت برای مهار مخالفان مسلح خود، هیچ پشتوانه رسمی و بین‌المللی‌ای نخواهد داشت.

درگیری مرگبار در «تخار»

اختلاف میان طرفداران مولوی عبدالقدیر، عضو تاجیک‌تبار طالبان و خطیب سابق مسجد تالقان، با اداره استخبارات (اطلاعات) طالبان در ولایت تخار، ۹ کشته به جا گذاشت. این درگیری هنگامی رخ داد که نیروهای اداره اطلاعات طالبان مانع سخنرانی مولوی عبدالقدیر در یک مراسم «دستاربندی» در مدرسه‌ای در کوچه کلفگانی‌ها در حوزه چهارم امنیتی تالقان شدند. به گفته منابع محلی در تخار، این درگیری میان طالبان پشتون و طالبان غیرپشتون هنگامی آغاز شد که اداره اطلاعات طالبان روز ۲۱ ژانویه، مولوی عبدالغنی، از اعضای ازبک طالبان را به‌عنوان خطیب مسجد جامع تالقان به‌جای مولوی عبدالقدیر منصوب کردند. گفته می‌شود هنگامی که مولوی عبدالغنی نخستین بار در مسجد جامع تالقان سخنرانی کرد، مولوی عبدالقدیر به سوی میز سخنرانی رفت تا او نیز سخنرانی کند، اما نیروهای اطلاعاتی طالبان به او اجازه ندادند تا در این مراسم سخنرانی کند و او را از میز سخنرانی دور کردند. پس از این اتفاق، اختلاف میان طالبان غیرپشتون و اداره اطلاعات طالبان در تخار بالا گرفت و مولوی عبدالقدیر به کابل، بغلان و پلخمری سفر کرد و با برخی افراد صاحب نفوذ دیدار داشت. مولوی عبدالقدیر پیش از تسلط طالبان بر افغانستان، خطیب مسجد «باجوری‌ها» در تالقان بود و در مدرسه‌ای نیز به آموزش دینی به جوانان مشغول بود. او هنگامی که طالبان اداره تخار را به دست گرفتند، همراه شماری از دانش‌آموزان این مدرسه، به طالبان پیوست. طالبان او را به‌طور رسمی به سمت خطیب مسجد جامع تالقان منصوب کردند و به‌طور غیررسمی نیز به‌عنوان فرمانده حوزه چهارم پلیس شهر تالقان برگزیده شد. او از عالمان دینی بانفوذ در تالقان محسوب می‌شود. به گفته منابع آگاه در تخار، مولوی عبدالقدیر در روزهای اخیر در مراسم دستاربندی در مدرسه‌ای شرکت کرده بود و می‌خواست سخنرانی کند، اما نیروهای اطلاعاتی طالبان مانع سخنرانی او شدند. حدود نیم‌ساعت پس از این مراسم، طرفداران مولوی عبدالقدیر با نیروهای اطلاعاتی طالبان درگیر شدند که این درگیری حدود سه ساعت ادامه داشت. در این درگیری مسلحانه، علاوه بر هفت نفر از نیروهای طالبان، یک راننده و یک غیرنظامی دیگر نیز کشته شدند. شاهدان عینی به ایندیپندنت می‌گویند طالبان اجساد افرادشان را با ماشین به بیمارستان تالقان منتقل کردند و به افراد حاضر در محل هشدار دادند از این اتفاق عکسی نگیرند. پس از این اتفاق، فرماندهی پلیس طالبان در تخار تصویر هفت جسد را منتشر کرد و نوشت این افراد عضو داعش را در تالقان کشته‌اند. اکنون مولوی عبدالغنی همراه شماری از افرادش به منطقه‌ای در «ختایان» تالقان رفته است. ناظران معتقدند طالبان در روزهای آتی درگیری‌های میان‌گروهی زیادی در شمال افغانستان خواهند داشت. این درگیری‌های میان‌گروهی احتمالا در نتیجه نارضایتی مولوی مهدی بلخابی در بامیان، صلاح‌الدین ایوبی، مخدوم عالم ربانی و احسان‌الله توفان در فاریاب در شمال رخ خواهند داد.

آیا آسه‌آن تنها سازمان اقتصادی قدرتمند در جنوب شرق آسیاست؟

نیلوفر صالحی- کارشناس مسائل بین‌الملل: یکی از اساسی‌ترین نیازهای کشور در شرایط کنونی تقویت «دیپلماسی اقتصادی» در ارتباط با کشورهای مختلف جهان است. از هنگام به قدرت رسیدن دولت سیزدهم بخش مهمی از ظرفیت سیاست خارجی ایران به حوزه «همسایگی» معطوف شده است. یکی از سازمان‌هایی که می‌تواند براساس این دو انگاره مورد توجه بیشتری قرار گیرد «اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای جنوب آسیا» یا «سارک» است. در این یادداشت به فرصت‌ها، چالش‌ها و ظرفیت‌های همکاری ایران با این سازمان مهم منطقه‌ای واقع در جنوب آسیا خواهیم پرداخت.

سارک از تأسیس تا توسعه

نخستین بار در سال ۱۹۸۱ در اجلاس «کلمبو»، ضیاء الرحمان، رئیس‌جمهور وقت بنگلادش، پیشنهاد تشکیل اتحادیه تجاری میان کشورهای جنوب آسیا را با همتایان خود از کشورهای هند، پاکستان و سریلانکا در میان گذاشت. فقط دو سال بعد در سال ۱۹۸۳ بیانیه همکاری منطقه‌ای میان کشورهای هند، پاکستان، سریلانکا، مالدیو، بوتان و نپال در دهلی‌نو به امضا رسید. بعدها افغانستان به عنوان عضو غیرمؤسس به عضویت دائم این اتحادیه درآمد. در نهایت این ابتکار همکاری منطقه‌ای در مورخ هشتم دسامبر ۱۹۸۵ در شهر «داکا» تأسیس شد. اعضای ناظر این اتحادیه بزرگ منطقه‌ای شامل ایران، چین، کره‌جنوبی، ژاپن، ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا می‌شود. اصول اصلی این اتحادیه عبارت است از «احترام به حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی»، «عدم مغایرت با همکاری‌های دو یا چند جانبه» و «عدم جایگزینی چنین همکاری‌هایی با همکاری‌های دو یا چندجانبه». در اساسنامه این اتحادیه به همکاری در حوزه‌های «کشاورزی و توسعه روستایی»، «ارتباطات، علوم و تکنولوژی»، «بهداشت»، «حمل‌ونقل» و «توسعه منابع انسانی» اشاره شده است. «ارتقای وضعیت رفاهی و بهبود کیفیت زندگی مردم جنوب آسیا»، «افزایش رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»، «ایجاد فرصت زندگی محترمانه برای همه مردم»، «تقویت روابط جمعی و همکاری میان مردم جنوب آسیا»، «همکاری با کشورهای توسعه‌یافته» و «همکاری با سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای مشابه» از جمله اهداف اعلامی اتحادیه «سارک» است. در سال ۲۰۰۶ این سازمان اقدام به تأسیس «منطقه تجارت آزاد آسیا» کرد که در تسهیل تجارت میان کشورهای عضو آن تأثیر چشمگیری برجا نهاده است. میزان صادرات کشورهای عضو سارک در نتیجه سیاست آزادسازی تجارت، تا سال ۲۰۱۲ به ۳۵۴ هزار میلیارد دلار بالغ شد که نسبت به سال ۲۰۰۶، جهشی ۵۸ درصدی را نشان می‌دهد. همچنین میزان واردات اعضای این سازمان از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲، از ۳۳۰ هزار میلیارد دلار به ۶۰۲ هزار میلیارد دلار بالغ شده است. این درحالی است که تجارت درونی دولت‌های عضو سارک در این مدت محدود باقی مانده و فقط یک درصد از حجم کلی تولید ناخالص داخلی سارک را تشکیل می‌دهد. این درحالی است که سازمان آسه‌آن باوجود اینکه از سارک کوچک‌تر است اما تجارت درونی آن ۱۰ درصد کل تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد. یکی از شیوه‌های فهم صحیح سازمان‌ها یا اتحادیه‌های منطقه‌ای-بین‌المللی مطالعه و شناخت ساختار سازمان موردنظر است. با شناخت و درک صحیح اتحادیه مورد نظر می‌توان راه‌های همکاری و پیشبرد اهداف کشورمان در حوزه «سیاست‌خارجی» را به نحو احسن تسهیل کرد. در رأس این اتحادیه منطقه‌ای «شورای وزرا» قرار دارد که متشکل از وزرای خارجه کشورهای عضو است. در مرتبه بعدی «کمیته دائمی» سارک قرار دارد که شامل معاونین وزرای خارجه کشورهای عضو می‌شود. دیگر قسمت‌های مهم این اتحادیه منطقه‌ای شامل «کمیته‌های تخصصی» و «کمیته اقدام» می‌شود که متشکل از نمایندگان دولت‌های عضو است. دبیرخانه «سارک» نیز شامل دبیرکل، مدیر و کارکنان خدمات عمومی این اتحادیه می‌شود. همچنین این اتحادیه کمیته‌های فرعی‌ای مانند «صندوق توسعه سارک» و «شورای داوری» دارد.

چالش‌های سارک

«سارک» نیز مانند سایر اتحادیه‌های منطقه‌ای چالش‌های متعددی دارد که سعی می‌کند با «حل‌وفصل» یا «مدیریت» آنها بر کارایی مجموعه منطقه‌ای خود بیفزاید. «اختلافات مرزی با هند»، «اختلاف میان بنگلادش و هند بر سر نحوه تقسیم آب رودخانه گنگ»، «ساختار نامتوازن قدرت میان کشورهای منطقه»، «اختلافات قومی میان هند و نپال»، «ساختار اقتصادی مبتنی بر کشاورزی و خدمات» و درنهایت «وابستگی ساختار اقتصادی کشورهای منطقه با شرکای فرامنطقه‌ای» از جمله چالش‌های این سازمان فعال در منطقه جنوب قاره کهن است. علاوه بر وجود چالش‌های فوق این اتحادیه ضعف‌های اساسی‌ای در حوزه‌هایی مانند «ضعف در حذف موانع گمرکی»، «عدم ریشه‌کنی فقر» و «عدم توسعه اقتصادی» دارد که سبب می‌شود اهداف اقتصادی این اتحادیه براساس قواعد «تجارت آزاد» تأمین نشده و دچار اخلال در فرایند تحقق اهداف اقتصادی این مجموعه شود. جمهوری‌اسلامی ایران در راستای تعمیق روابط با همسایگان و گسترش روابط اقتصادی خود با سایر کشورها و سازمان‌های منطقه‌ای-بین‌المللی، به‌صورت رسمی به‌عنوان عضو ناظر سازمان «سارک» پذیرفته شد. افزایش روابط با این اتحادیه منطقه‌ای که میزبان کشورهای مهم و تأثیرگذاری مانند «هند» و «پاکستان» است می‌تواند به تحقق اهداف راهبردی کشورمان در زمینه «اقتصاد مقاومتی» بینجامد. برای مثال تهران می‌تواند با احیای پروژه مشترک توسعه «بندر چابهار» و «سواحل مکران» با طرف هندی، زمینه همکاری و ورود سرمایه سایر کشورهای عضو «سارک» مانند سریلانکا را فراهم آورد. دیگر مزیت اقتصادی عضویت دائم یا افزایش همکاری با این اتحادیه منطقه‌ای می‌تواند احیای مجدد پروژه «خط لوله صلح» باشد که در آن گاز ایران از طریق خاک پاکستان به هند خواهد رسید. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری پیشرو در حوزه مبارزه با تروریسم سلفی-تکفیری و همچنین بزرگ‌ترین کشور جهان در زمینه کشفیات و مقابله با شبکه‌های قاچاق مواد و ناركوتروریسم می‌تواند به‌عنوان شریکی قابل اعتماد برای کشورهای عضو «اتحادیه سارک» زمینه افزایش صلح و ثبات در منطقه جنوب آسیا را فراهم آورد.

گزارش

وتوی حکم اخراج مهاجران غیرقانونی از بریتانیا

به‌دنبال مجموعه‌ای از اقدام‌های حقوقی در استراسبورگ، مقر «دیوان اروپایی حقوق بشر» در فرانسه، نخستین پروازی که قرار بود گروهی از پناه‌جویان در بریتانیا را به رواندا، در شرق آفریقا، منتقل کند، لغو شد و تمامی مسافران پرواز از پرواز پیاده شدند. گاردین بامداد روز گذشته نوشت براساس رأی «دیوان اروپایی حقوق بشر»، طرح بوریس جانسون، نخست‌وزیر محافظه‌کار بریتانیا، برای انتقال اجباری پناه‌جویان به رواندا لغو شد. این پرواز قرار بود ۱۰:۳۰ شب سه‌شنبه به وقت محلی از یک پایگاه نظامی در ویلتشر، در غرب لندن، انجام شود. براساس گزارش‌هایی که پیش‌تر منتشر شده بود، هفت پناه‌جو، از جمله سه شهروند ایرانی، قرار بود در چارچوب توافقی میان دولت‌های بریتانیا و روندا به این کشور در شرق آفریقا منتقل شوند. تصمیم اولیه «دیوان اروپایی حقوق بشر»، تنها چند ساعت پس از آن اعلام شد که بوریس جانسون، نخست‌وزیر بریتانیا، تهدید کرد ممکن است بریتانیا از «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر» خارج شود. در هفته‌های گذشته، گروه‌های حقوق بشری و سازمان‌های مدافع حقوق پناهندگان از این تصمیم دولت بریتانیا به‌شدت انتقاد کردند و آن را مغایر با تعهدات بین‌المللی دولت بریتانیا ارزیابی کردند. نخست‌وزیر بریتانیا همچنین وکلای حقوق بشری را متهم کرد که به قاچاقچیان در «کانال مانش» کمک می‌کنند. کانال مانش، میان فرانسه و بریتانیا، یکی از مسیرهای اصلی ورود پناه‌جویان از اروپای مرکزی به خاک بریتانیا محسوب می‌شود. پیش‌تر یک دادگاه تجدیدنظر در لندن، تلاش‌های قانونی کنشگران حقوق پناهندگان در بریتانیا، برای جلوگیری از این تصمیم دولت را ناکام گذاشته بود. «دیوان اروپایی حقوق بشر» قرار است ماه آینده درباره قانونی یا غیرقانونی‌بودن انتقال اجباری پناه‌جویان از بریتانیا به رواندا، به طور نهایی تصمیم‌گیری کند.

واکنش دولت جانسون

وزیر کشور بریتانیا ضمن انتقاد به حکم آخرین لحظه دادگاه حقوق بشر اعلام کرد که دولت منصرف نخواهد شد و فهرست مهاجران را برای پرواز بعدی آماده خواهد کرد. پریتی پاتل گفت: «من همیشه گفته‌ام که اجرای این سیاست آسان نخواهد بود. اینکه یک چالش قانونی و طرح ادعاهایی آن‌هم در آخرین لحظه باعث لغو پرواز امروز شده باعث ناامیدی من است و بسیار تعجب‌آور است که دادگاه اروپایی حقوق بشر، با وجود موفقیت‌های مکرر قبلی دادگاه‌های داخلی ما، در این موضوع مداخله کرده است». بریتانیا می‌گوید ممانعت از انتقال پناه‌جویان غیرقانونی به رواندا، توافق ۱۴۸ میلیون دلاری این کشور با کیگالی را به خطر می‌اندازد، باعث تقویت سفرهای مرگ‌بار این دست از مهاجران در کانال مانش می‌شود و تنها به کسب‌وکار شبکه‌های قاچاق انسان رونق می‌دهد. این احتمال وجود دارد که با ادامه پافشاری‌های این دادگاه اروپایی، بریتانیا نیز مانند روسیه و بلاروس از کنوانسیون حقوق بشر اروپا خارج شود. آمارهای رسمی حاکی از آن است که تنها در سال گذشته بیش از ۲۸ هزار و ۵۰۰ مهاجر غیرقانونی با قایق‌های کوچک خود را به بریتانیا رسانده‌اند.

دریچه‌ای برای یک نظرخواهی؛ «حفظ ایران»

ادامه از صفحه اول

با این همه صاحب‌نظران می‌توانند با انتخاب گزینه دیگری که به نظرشان مطلوب باشد، برای سیاست‌های خارجی، راه‌حل‌هایی ارائه کنند. برای آنکه آینده اقتصادی و اجتماعی ایران تعریف شود و روش‌های اقتصادی و اجتماعی برای برطرف‌کردن شرایط حاضر در کشور جواب دهد، لازم است صاحب‌نظران شجاعانه با انتخاب سیاست‌های خارجی راه‌حل‌های ممکن را ارائه کنند و مانند برنامه ششم توسعه نباشد که هرچه حرف خوب دارند بگویند و سپس اعلام کنند که مثلا دو هزار هزار میلیارد تومان و سیصد میلیارد دلار ارز برای این کار لازم است و چون نداریم نمی‌شود! و البته لازم است برای اقدامات مدنظر نیازهای ارزی و ریالی و منابع مربوطه را ذکر کنند. این امر به‌خصوص برای اعضای هیئت وزیران، نمایندگان مجلس، اعضای شورای تشخیص مصلحت نظام، کارشناسان سازمان برنامه و بودجه که برنامه هفتم توسعه را در دست تحریر دارند و از همه مهم‌تر اقتصاددانان که در کنار نشسته یا برکنار شده‌اند و از وضع فعلی ناراضی هستند و ۶۱ نفر از آنان بیانیه اخیر مندرج در روزنامه ۱۴۰۱/۳/۲۱ را انشا کرده‌اند، ضروری است. به گمان این نویسنده، سکوت و عدم طراحی وضع بهینه و ارائه‌ندادن راه‌حل‌های مختلف برای آینده کشور، چیزی جز خیانت به ایران، ملت و آرمان‌های انقلاب اسلامی نیست.

مدارک فارق‌التحصیلی اینجانب **فراز علی‌مهر** به شماره ملی ۱۲۷۰۶۹۶۸۳۱ در مقطع کارشناسی عمران و کارشناسی ارشد عمران سازه صادره از دانشگاه آزاد لنجان مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدارک را به دانشگاه آزاد واحد لنجان ارسال نماید.

مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب حجت ابراهیمی چنبلو** فرزند زکریا به شماره شناسنامه ۱۱۵۷۲ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته شیمی - کاربردی صادره از واحد دانشگاهی تهران مرکزی با شماره ۱۶۰۱۹۲ و تاریخ ۸۱/۰۹/۲۷ مفقود گردیده است. از یابنده تقاضا می گردد اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی به نشانی تهران، سوهانک، بلوار ارتش، میدان قائم، خیابان خندان، خیابان سلماس ارسال نماید.

دانشنامه فارغ التحصیلی **اینجانب صغری تاج بخش** فرزند حسین به شماره شناسنامه ۶۸۰۳ صادره از کازرون در مقطع کارشناسی پیوسته رشته مامایی صادره از واحد دانشگاهی آزاد اسلامی واحد کازرون با شماره تایید سازمان مرکزی ۱۷۸۶۱۵۲۰۱۸۶۱ و شماره الصاق روی دانشنامه ۲۲۳۹۴۹۳ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون به نشانی استان فارس، شهرستان کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون ارسال نماید.

کارت دانشجویی **اینجانب حدیثه شیرخانلو** فرزند اکبر با شماره دانشجویی ۴۰۲۱۲۰۳۰۳۸ و شماره ملی ۰۱۱۰۲۵۳۸۹۲ از دانشگاه رسام رشته ارتباط تصویری در مقطع کارشناسی پیوسته مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

بدینوسیله از اکثریت سهامداران **شرکت پیشداد صنعت آرمان (مسئولیت محدود) به شماره ثبت ۴۶۴۸۴۶ و شناسه ملی: ۱۴۰۰۴۶۰۸۲۱۰**
دعوت به عمل می آید که در جلسه مجمع عمومی فوق العاده که در تاریخ ۱۴۰۱/۰۴/۰۶ در ساعت ۸ صبح در مرکز اصلی شرکت به آدرس: استان البرز - شهرستان کرج - بخش مرکزی - شهر گرمدره - گرمدره (امیرآباد) بلوار امیرکبیر (کوهک) - کوچه ش بورقی - پلاک ۲۲ - طبقه دوم - واحد ۴ کد پستی ۳۱۶۴۹۳۹۷۷۴ تشکیل می شود حضور بهم رسانند.
دستور جلسه مجمع عمومی فوق العاده: افزایش سرمایه
هیات مدیره

کارت دانشجویی **اینجانب نیکتا الوندی** فرزند مسعود با شماره دانشجویی ۹۹۴۳۱۰۰۵ و شماره ملی ۰۰۲۰۵۶۲۸۹۶ از دانشگاه شهید بهشتی رشته ریزنیست فناوری در مقطع کارشناسی ارشد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز **موتورسیکلت‌های کیلیک** رنگ نقره‌ای مدل ۱۳۹۹ به شماره پلاک ایران ۱۴۲-۵۹۳۳۷ و شماره موتور 0150NEU*000820 و شماره شاسی NEUFKCGELLSH01635 به نام **رضا ماندنی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کارت پایان خدمت **اینجانب محسن احتشامی‌جم** فرزند حسن متولد ۱۳۵۶/۰۹/۱۳ با شماره ملی ۰۰۶۶۸۹۸۸۶۲ به تاریخ صدور ۱۳۹۲/۰۹/۰۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

عبدالرضا ناصرمقدسی
متخصص مغز و اعصاب

تحلیل اسطوره با علوم تجربی

آیا می‌توان از یک اسطوره ام‌آر‌آی به عمل آورد؟

آیا می‌توان از یک اسطوره ام‌آر‌آی به عمل آورد؟ در نگاه اول پاسخ این سؤال منفی است، زیرا برای انجام ام‌آر‌آی از یک ابژه، آن ابژه باید ماهیت مادی داشته باشد و نمی‌توان از چیزی به نام اسطوره که از جنس آگاهی و تجربه بوده و فرم مادی ندارد ام‌آر‌آی به عمل آورد. ما می‌توانیم از اشیای مختلف مادی مثل بدن انسان ام‌آر‌آی انجام داده و تصاویر آن را تفسیر کنیم، اما صحبت از انجام ام‌آر‌آی از اسطوره آفرینش در آیین مانی در نگاه اول اگر تمسخرآمیز نباشد، حداقل ناآگاهانه است. البته وقتی نتوانیم از یک اسطوره ...

برای متخصص مغز و اعصاب جهت دستیابی به ویژگی‌های مغز یک بیمار است. به این وسیله بدون آنکه جمجمه را بشکافیم می‌توانیم به درون مغز بیمار سرک کشیده و محتوای آن را دیده و به تشخیص مورد نظر برسیم. بفهمیم علائم بیمار ناشی از چیست؟ آیا سکته کرده است؟ آیا مبتلا به ام‌اس شده است؟ و هزار یافته مهم دیگر که درنهایت به ما کمک بسیاری در درمان بیمار می‌کند. اسطوره اما از جنس ابژه نیست؛ بنابراین این امکان از ما دریغ می‌شود که بتوانیم با استفاده از این وسایل بفهمیم که در لایه‌های زیرین آن چه می‌گذرد.

...

مرزهای تاریک حیات

«کارل زیمر» از بحران حل‌نشده زیست‌شناسی پرده برمی‌دارد

ترجمه: محمد کرام‌الدینی

تنوع گسترده حیات، تعریف آن را دشوار کرده است، اما زیست‌شناسان همواره در تلاش بوده‌اند تا تعریفی جامع و مانع از حیات ارائه دهند. از سوی دیگر، معمولا مردم حس می‌کنند که می‌توانند بدون نیاز به تعریف حیات، زنده یا غیرزنده بودن موجودات را تشخیص دهند، اما طبیعت پر از موجوداتی است که در مرزهای حیات‌اند و بنابراین نمی‌توان آنها را زنده یا غیرزنده شمرد. آیا ممکن است تعریف واحدی از حیات به دست نیاید؟ این چالش ممکن است با بازشدن راه سیارات و قمرهای دیگر تشدید شود. «کارل زیمر»، زیست‌شناس و نویسنده علم، در این نوشته درباره تلاش‌های نومیدانه زیست‌شناسان برای ارائه یک تعریف جهان‌پسند از حیات بحث می‌کند.

علم زیست‌شناسی پیروزمندانه به قرن بیست‌ویکم وارد شده است. زیست‌شناسان هنوز به حیات فرازمینی دست نیافته‌اند، اما در تلاش‌اند حیات زمینی را هرچه دقیق‌تر بشناسند. آنها می‌دانند که ژن‌ها در دی‌ان‌ای رمزگذاری می‌شوند و می‌توانند این ...

... که از محیط می‌گیرد، پردازش و انباشته کند و تغییر دهد.

- وجود ناحیه‌ای منظم و دینامیک از آب که باعث تراکم بوزون فوتون‌های ناپایدار در داخل و خارج سلول و ایجاد حیات می‌شود.

...

تشکیل شده‌اند و می‌توانند بر اساس سنتز قالب اجزای پلیمری خودزادآوری کنند و تکامل یابند.

- حیات سامانه‌ای شیمیایی خودنگه‌دارنده غیرتعادلی است که می‌تواند اطلاعاتی را ...

... بسازد. پزشکان می‌توانند تعریف دیگری برای روشن‌کردن مرزهای تاریکی که حیات را از مرگ متمایز می‌کند، ارائه دهند. دو فیلسوف، «لئوناردو بیچ» و «سارا گرین» معتقدند: «ارزش تعریف به اجماع بستگی ندارد، بلکه به تأثیر آنها بر پژوهش‌ها بستگی دارد».

• تلاش زیست‌شناسان برای ارائه تعریفی مناسب از حیات با وجود مواردی گیج‌کننده مانند دانه برف (سمت چپ) که برخی از ویژگی‌های حیات را دارد، سلول‌های قرمز خون (مرکز) که فاقد برخی از ویژگی‌های حیاتی هستند و جانداری مانند خرس آبی (راست) که می‌تواند مدت‌های مدید بی‌جان به نظر برسد، هنوز به نتیجه نرسیده است.

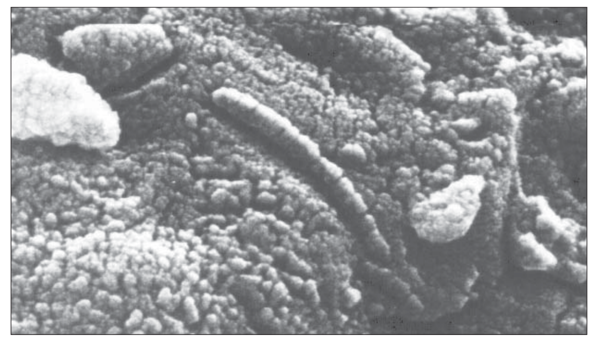

• عکسی از شهاب‌سنگ مریخی آلن‌هیلز ۸۴۰۰۱ و میکروگرافی از ساختارهایی که برای برخی از زیست‌شناسان شبیه ریزفسیل‌اند. در دهه ۱۹۹۰، برخی از پژوهشگران پیشنهاد کردند این شهاب‌سنگ که در قطب جنوب فرود آمده، حاوی فسیل‌هایی از حیات میکروبی باستانی در مریخ است. البته بسیاری از زیست‌شناسان استدلال آنها را نپذیرفتند.

...

Life's Edge: The Search for What It Means to Be Alive by Carl Zimmer, Penguin Publishing Group, Penguin Random House LLC.

یـــادداشـــت

حیات چیست؟

تعریف چندوجهی از زیست انسان و دیگر جانداران ریز و درشت

مهدی محمدی
دانشجوی دکترای فلسفه علم

بررسی مسئله حیات از جهات متنوعی مهم است. سؤالاتی مانند چیستی منشأ حیات، معنی حیات و وجود حیات در سیارات دیگر کیهان، ذهن دانشمندان را به خود مشغول کرده است. در این میان شاید پاسخ به این سؤال که حیات چیست؟ بسیار مهم است. جواب این سؤال از منظر فلسفی، فیزیک و زیست‌شناسی و علوم دینی حائز اهمیت است. البته با توجه به گسترش علم شاخه‌هایی مانند ژنتیک و نوروساینس نیز به این موضوع ...

...

چیستان حیات

بررسی یک نمونه تلاش علمی برای به‌دست‌دادن تعریفی از حیات و ارزیابی آن

محمود مژده خشکنودهانی*

هر کوششی برای پاسخ‌دهی به پرسش از چیستی و ماهیت حیات ... به‌دست‌دادن تحلیلی از مجموعه پرسش‌های زیر در قلمرو پرسش اصلی است ...

۱- آیا قصد داریم تعریفی از این مفهوم ارائه دهیم؟ یا ویژگی‌هایی برشمر... معنا و مفهوم حیات نزدیک‌تر شویم؟

۲- اساسا پرسش «حیات چیست؟» از چه رویکردی نیازمند پاسخ است؟ این پرسش معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، روش‌شناختی یا ارزش‌شناختی است ...

...

بگیریم) یا آن را مفهومی درباره سایر مفاهیم تحلیل کنیم (مثلا حیات مفهوما در ارتباط با عناصر مفهومی دیگر مانند «مرگ» تعریف شود؟ به‌عنوان مثال آیا می‌توان گفت حیات ضد مرگ است؟) یا حیات با تجزیه به اجزای سازنده آن (اگر اصلا چنین چیزی امکان‌پذیر باشد) تبیین شود (مثلا نگاه‌های تقلیل‌گرایانه به ...

...

* دانش‌آموخته دکترای فلسفه علم
پژوهشگر در فلسفه علم، معرفت‌شناسی تکاملی و معرفت‌شناسی بدننده

تحلیل اسطوره با علوم تجربی

آیا می‌توان از یک اسطوره ام‌آر‌آی به عمل آورد؟

عبدالرضا ناصرمقدسی
متخصص مغز و اعصاب

آیا می‌توان از یک اسطوره ام‌آر‌آی به عمل آورد؟ در نگاه اول پاسخ این سؤال منفی است. زیرا برای انجام ام‌آر‌آی از یک لیزر، آن لیزر باید ماهیت مادی داشته باشد و نمی‌توان از چیزی به نام اسطوره که از جنس آگاهی و تجربه بوده و فرم مادی ندارد ام‌آر‌آی بـه عمل آورد. ما می‌توانیم از اشـیای مختلف مادی مثل بدن انسـان ام‌آر‌آی انجام داده و تصاویر آن را تفسـیر کنیم، اما صحبت از انجام ام‌آر‌آی از اسطوره آفرینش در این مانی در نگاه اول کار تمسـخرآمیز نباشد. حداقل ناآگاهانه اسـت. البته وقتی نتوانیم از یک اسطوره ام‌آر‌آی به‌عمل آوریم به تبع آن بسـیاری از یافته‌های ممکن از دسـت مـی‌رود، زیرا ام‌آر‌آی صرفا یک روش تصویربـرداری نیسـت، بلکه با قرارگرفتن یک آیزه زیر دسـتگاه ام‌آر‌آی می‌توانیم بـه تصـویر مشـهود درونی آن دسـت یافته و اطلاعات ذی‌قیمتی را به دسـت آوریم. اکنون نیز از وسـیله‌های مختلف تصویربرداری همچون سی‌تی‌اسـکن در باستان‌شناسـی و بررسی اشیای مختلف باستانی استفاده می‌شود. به این وسیله بدون آنکه صدمه‌ای به بافت مربوطه وارد شود، می‌توانیم از خصوصیات و محتوای درونی آن اطلاع کسب کنیم؛ کاری که ما پزشکان در برخورد با بیماری‌های مختلف انجام می‌دهیم. به‌عنوان مثال ام‌آر‌آی وسیله‌ای بسیار مهم برای متخصص مغز و اعصاب جهت دسـتیابی به ویژگی‌های مغز یک بیمار است. به این وسیله بدون آنکه جمجمه را بشکافیم می‌توانیم به درون مغز بیمار سرک کشیده و محتوای آن را دیده و به تشخیص مورد نظر برسیم. بفهمیم علائم بیمار ناشی از چیست؟ آیا سکته کرده است؟ آیا مبتلا به اماس شده است؟ و هزار یافته مهم دیگر که درنهایت به ما کمک بسـیاری در درمان بیمار می‌کند. اسطوره اما از جنس انرژ نیست؛ بنابراین این امکان را در دایع می‌شود که بتوانیم با استفاده از این وسایل بفهمیم که در لایه‌های زیرین آن چه می‌گذرد. البته باید توجه داشت که اسطوره شباهت‌های زیادی با ابزارهای مانند بدن دارد. بدن نیز لایه‌های بسیاری دارد و بسیار فراتر از آن چیزی است که به‌ظاهر می‌بینیم و درک می‌کنیم. می‌توانیم بدن را به‌صورت آناتومیک و فیزیولوژیک تعریف کنیم؛ مثلا بگوییم بدن از چه اعضایی تشـکیل شـده اسـت، چه ارگان‌هایی دارد و این ارگان‌هـا کجا قرار گرفته‌اند. می‌توانیم از عملکرد ایـن ارگان‌ها حرف بزنیم. ببینیم قلب چگونه عمل کرده و خون را به مناطق مختلف بدن ارسـال می‌کند یا شیوه عملکرد مغز چیسـت؟ چگونه مغز فرایندی عجیب به نام آگاهی را به وجود می‌آورد؟ برای همه این سـؤال‌های بیولوژیک، باید از بدن لایه‌برداری بسـیار مهم سؤال‌های آناتومیک و فیزیولوژیک بدون پیشرفت علمی تشریح امکان‌پذیر نیست و علم تشریح تا لایه‌برداری از بدن و نشـان‌دادن حقایق مسـتتر در آن به رشد کلی تمام علوم بسـیار یاری رسـانده است؛ اما می‌توان در درک لایه‌های تشکیل‌دهنده مفهوم بدن بسـیار فراتر رفت. بدن فارغ از رمز و رموز آناتومیک و فیزیولوژیک، لایه‌های دیگری نیز دارد و آن مفهومی از بدن اسـت که ما با آن زندگی می‌کنیم؛ مفهومی که به بدن زیسـته شهرت دارد. بدن زیسـته دیگر همان بدن آناتومیک و فیزیولوژیک نیسـت، بلکه از آن بسـیار فراتر رفته و ویژگی‌های فرهنگی، سیاسـی، اجتماعی و... در ایجاد و شـکل‌دهی به آن بسـیار نقش دارند. اینجاسـت که اسـطوره نیز پیوندی ناگسـستنی با بدن برقرار می‌کند و بخش مهمی از بدن زیسـته در تاریخ انسانی اسطوره‌ای می‌شود. پس به‌نظر می‌رسد صحبت از انجام ام‌آر‌آی از یک اسطوره هم چندان حرف حرف عجیبی نباشد.

اسطوره‌شناسـی عصبی-تکاملی به‌خوبی به ما نشان داده است که یک اسطوره درست مانند بدن انسان، صرفا آن چیزی نیسـت که در ظاهر می‌بینیم، بلکه از لایه‌های مختلفی تشـکیل شده است که این لایه‌ها در کنـش با یکدیگر و حذف و اضافاتی که به واسـطه برخورد آنها با هم صـورت می‌گیرد، به وجود آمده و در نهایت به شـکل فعلی به دسـت ما رسـیده‌اند؛ ازاین‌رو اسـطوره به دلیل لایه‌لایه‌بودن خود شباهت جالب و مهمی به بدن انسـان دارد. پس اگـر بتوانیم از این مجموعه پیچیده لایه‌برداری کرده و آنها را به شـکلی عینی‌تر مشـاهده کنیم، می‌تواند ما را در امر شناخت اسـطوره‌ها بسیار یاری برساند؛ بنابراین کمی کنجکاوی برای اسـتفاده از ابزارهای علمی جهت تجزیه‌وتحلیل یک اسـطوره می‌تواند بسـیار مفید واقع شود. در اینجا هم اسطوره‌شناسـی عصبی-تکاملی به کمک ما می‌آید. از نظر اسطوره‌شناسی عصبی-تکاملی، اسطوره در سـاحت یک موجود زنده به‌ویژه انسـان تعریف می‌شود. انسان است که اسـطوره را تجربه می‌کند؛ بنابراین فرایند زیسـتن در ساحت اسطوره، در ذهن و مغز انسان اتفاق می‌افتد؛ ازاین‌رو در ساختار اسطوره ملهم از سـاختار پردازشی مغز انسان اسـت، پس می‌توان برای لایه‌برداری از یک اسطوره سراغ مغز رفت. این کار به‌مثابه ورود آزمایشـگاه به حیطه اسطوره‌شناسی تلقی می‌شـود. این‌گونه اسطوره را می‌توان در آزمایشگاه آزمود و جنبه‌های مختلف آن را مانند یک موجود زنده مورد بررسی قرار داد. برای این منظور باید به اسطوره جان بخشـید. درواقع باید اسـطوره را در فضای یگانه با انسانی که آن را تجربه می‌کند تحلیل و بررسی کرد؛ ازاین‌رو بررسی اسطوره‌های زنده یعنی اسطوره‌هایی که هنوز در اقوام و ملیت‌های مختلف تجربه می‌شوند. از اهمیت بسـیاری برخوردار اسـت، زیرا می‌توان به جای خود اسـطوره از افرادی که آن اسـطوره را تجربه می‌کنند تصویربرداری مغزی به عمل آورد یا توسـط تسـت‌های شناختی بررسی کرد. خوشبختانه روش‌های تصویربرداری می‌توانند امکانات خوبی را در اختیار ما قرار دهند. یک‌سـری از روش‌ها اصطلاحا ساختارهای مغزی را به ما نشان می‌دهد. ام‌آر‌آی یا سی‌تی‌اسـکن که به شکلی مرسوم در تشـخیص بیماری‌ها به کار می‌روند از این موارد به‌شـمار می‌آیند. اما برخـی دیگر، مانند زمین‌شناسـان، نمی‌توانند به میلیون‌ها سـال پیش برگردند و آزمایش را تکرار کنند. او درحالی‌که درباره این تفاوت‌ها فکر می‌کرد، از وجود شهاب‌سـنگی مریخی که در قطب جنوب فرود آمده بود و معمایی فلسـفی ایجاد کرده بود، آگاه شـد. این سنگ مریخی در واقع شهاب‌سنگی بود با نام آلن‌هیلز ۸۴۰۰۱ که در سال ۱۹۹۶ از سوی تیمی در ناسا به سرپرسـتی «دیوید مک‌کی» مورد بررسی قرار گرفته بود. این تیم گزارش داد که شـواهدی از حیات باسـتانی ازجمله فسـیل‌های میکروبی را در آن مشاهده کرده است. اما اکثر زیسـت‌شناسان این شـواهد را بسیار مبهم و غیرقابل اعتماد دانسـتند. بسـیاری از اختلاف‌نظرها بر سر سـنگ آلن‌هیلز ۸۴۰۰۱ کمتر به خود سنگ مربوط می‌شـد، بلکه بیشـتر به روش علمی مرتبط بود. اگرچه برخی پژوهشـگران تصور می‌کردند که تیم ناسـا کار تحسـین‌برانگیزی در بررسی این سنگ انجام داده است، برخی دیگر نتیجه گرفتند که ادعای وجود فسیل در این شهاب‌سنگ مضحک است. «بروس چاوکسی» اخترشـناسی که یکی از همکاران «کلند» در دانشگاه کلرادو بود، تصمیم گیـرد بخشـی دیگـر از تحقیقات را به چـالش بکشـد. او که در آن دو طرف بتوانند نظرهای خود را بیان کنند. اما متوجه شـد که قضاوت درباره آلن‌هیلز ۸۴۰۰۱ به چیزی بیش از انجام برخی آزمایش‌ها برای اندازه‌گیری مواد معدنی مغناطیسـی آن نیاز دارد و مسـئلهٔ تفکر در مورد چگونگی کاربرد روش علمی است. او از «کلند» خواست به این رویداد بپیوندد و به عنوان یک فیلسـوف درسـاره آلن‌هیلز ۸۴۰۰۱ صحبت کند.

مرزهای تاریک حیات

«کارل زیمر» از بحران حل‌نشده زیست‌شناسی پرده برمی‌دارد

ترجمه: محمدکرام‌الدینی

تنوع گسـترده حیات، تعریف آن را دشوار کرده اسـت. اما زیست‌شناسان همواره در تلاش بوده‌اند تا تعریفی جامع و مانع از حیات ارائه دهند. از سوی دیگر، معمولا مردم حس می‌کنند که می‌توانند بدون نیاز به تعریف حیات، زنده را بغیرزنده بودن موجودات را تشـخیص دهند. اما طبیعت پر از موجوداتی اسـت که در مرزهای حیات‌اند و بنابراین نمی‌توان آنها را زنده یا غیرزنده شـمرد. آیا ممکن اسـت تعریف واحدی از حیات به دست نیاید؟ این چالش ممکن است با بازشـدن راه سـیارات و قمرهای دیگر تشدید شـود. «کارل زیمر»، زیست‌شناس و نویسنده علم، در این نوشته درباره تلاش‌های نومیدانه زیست‌شناسان برای ارائه یک تعریف جهان‌پسند از حیات بحث می‌کند.

علم زیست‌شناسی پیروزمندانه به قرن بیست‌ویکم وارد شده است. زیست‌شناسان هنوز به حیات فرازمینی دست نیافته‌اند. اما در تلاش‌اند حیات زمینی را هرچه دقیق‌تر بشناسـند. آنها می‌دانند که ژن‌هـا در دی‌ان‌ای رمزگذاری می‌شـوند و می‌توانند این رمزها را سریع و ارزان بخوانند؛ می‌توانند ژنوم انسان‌های ناندرتال را که صدهزار سال پیش منقرض شـده‌اند، بازسازی کنند؛ فهرسـت ژن‌های فعال یک سلول را که از یک قطره خون جدا کنند؛ مغز را بشناسـند. پیوندهای عنکبوتی بین نورون را در شبکه‌ای سه‌بعدی مغزی شـبیه‌سـازی و با کمک رادیواکتیویته تحت‌نظر قرار در اعماق زمین ردیابی کنند. با وجود این همه داده جدید، آنان هنوز به تعریفی از حیات که مورد توافق همه باشـد دسـت نیافته‌اند. موجوداتی مانند ویروس‌ها و میتوکندری‌ها مانع دسـتیابی به تعریف‌اند. تعریف ناسـا از حیات نیز اگرچه خاطره‌انگیز اسـت، اما به دانشـمندان خود ناسا نیز کمک نکرده اسـت؛ چون تنها هنوز در تلاش‌اند بدانند که آیا درون شهاب‌سـنگ آلن‌هیلـز ۸۴۰۰۱ آثار حیاتی وجـود دارد یا نه. برخی منتقدان تعریف ناسـا را نه‌تنها غیرعملی، بلکه گمراه‌کننده می‌دانند. مثلا این تعریف می‌گوید حیات می‌تواند مراحل تکامل داروینی را طی کند، یعنی تغییر سـازگار خاص در طول زمان و وقتی اتفاق می‌افتد که ژن‌ها دقیقا، اما نه کاملا، از نسلی به نسل دیگر کپی شوند. انتخاب طبیعی ژن‌هایی را که بـه موجود کمک می‌کند تا نسـبت به دیگران بهتر تولیدمثل کنند، گسـترش می‌دهد. با گذشت زمان، انتخاب طبیعی جهش‌ها را انتخاب و متراکم می‌کند. اما آیا می‌توان این قدر مطمئن بود که تکامل در جاهای دیگر به راههای دیگر رخ نمی‌دهد؟ مثلا هیچ احتمالـی وجود ندارد که ویژگی صفات اکتسـابی از طریق تکامل لامارکی انجام شود؟ اگر وراثت نه‌تنها بین نسل‌ها، بلکه بین افراد یک نسل انجام شـود. چطور؟ این نارضایتی‌ها منجر به انتخاب تعریف‌ها و پیدایش ضدتعاریف جدید شده است:

- حیات از ویژگی‌های قابل پیش‌بینی و کروهی بامیرهای کاتالیزوری است.
- حیات شبکه‌ای متباولیک درون یک مرز است.
- حیات کیفیت جدیدی است که بر اساس یک ماده شیمیایی آلی به وجود می‌آید.
- حیات کیفیت جدیدی اسـت که تغییر دیالکتیک حاصل از افزایش کمیت پیچیدگی در سـامانه‌های شـیمیایی آلی به وجـود مـی‌آورد. ویژگی این کیفیت جدیـد توانایی خودنگه‌داری و خودآزاری‌اند.
- حیات فرایند وجود سـامانه‌های کامل غیرتعادلی باز اسـت که از پلیمرهای کربنی تشکیل شده‌اند و می‌توانند بر اساس سـنتز قالب اجزای پلیمری خودآزاری کنند و تکثار یابند.
- حیات سامانه‌های شیمیایی خودنگه‌دارنده غیرتعادلی است که می‌تواند اطلاعاتی را بکیریم) یا آن را مفهومی درباره سـایر مفاهیـم تحلیل کنیم (مثلا حیات مفهوما در ارتبـاط با عناصر مفهومی دیگر مانند «مرگ» تعریف شـود؟ به‌عنوان مثال آیا می‌تـوان گفت حیات جیت ضد مرگ اسـت؟) یا حیات با تجزیه به اجزای سـازنده آن (اگر اصلا چنین چیزی امکان‌پذیر باشد) تبیین شود (مثلا نکاه‌های تقلیل‌گرایانه به حیات را در نظر بگیریم).

◆ تلاش زیست‌شناسان برای ارائه تعریفی مناسب از حیات با وجود مواردی کج‌کننده مانند دانه برف (سمت چپ) که برخی ازویژگی‌های حیات را دارد. سلول‌های قرمز خون (مرکز) که فاقد برخی ازویژگی‌های حیاتی هستند و جانداری مانند خرس آبی (راست) که می‌تواند مدت‌های مدید بی‌جان به نظر برسد. هنوز به نتیجه نرسیده است.

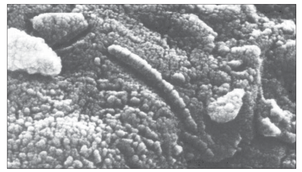

◆ عکسی ازشهاب‌سنگ مریخی آلن‌هیلز ۸۴۰۰۱ و میکروگرافی از ساختارهایی که برای برخی اززیست‌شناسان شبیه ریزفسیل‌اند. در دهه ۱۹۹۰، برخی ازپژوهشگران پیشنهاد کرده‌اند این شهاب‌سنگ که در قطب جنوب فرود آمده، حاوی فسیل‌هایی ازحیات میکروبی باستانی در مریخ است. البته بسیاری اززیست‌شناسان استدلال آنها را نپذیرفتند.

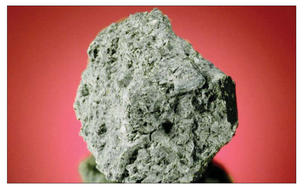

برخی دیگر از فیلسوفان این طرز تفکر، یعنی عملی‌گرایی را شانه خالی کردن می‌دانند. تعریف حیات دشوار است، اما این نباید بهانه‌ای برای دست‌کشیدن از تلاش باشد. «کلی اسمیت» فیلسـوف می‌گوید: «تعاریف عملی‌گرا که ممکن است مفید و اجتناب ناپذیر باشـند، اما نمی‌توان آنها را جانشین تعریفی مناسب از حیات کرد». «اسمیت» و دیگر مخالفان تعاریف عملی‌گرا شکایت دارند که اسـاس چنان تعاریفی تواطؤ گروهی افراد است. اما مهم‌ترین دشواری وجود موجوداتی در مرزهای آن است و به سختی می‌توان درباره آنها به توافق رسید. او می‌گوید: «هر آزمایشی بدون اندیشه روشن درباره موضوع مورد آزمایش، عقیم است و دستاوردی ندارد». «اسمیت» استدلال می‌کند بهترین کار آن است که به جسـتوجوی تعاریف از حیات بپردازیم که همه بتوانند با آن کار کنند؛ تعریفی که شکست‌های دیگران را جبران کند. اما برای «داورت تریفونوف»، متخصص زنتیک متولد روسیه نیز این پرسش پیش آمده که آیا در حال حاضر تعریف مناسبی برای حیات وجود دارد؟ «تریفونوف» در سال ۲۰۱۱، تعداد ۱۲۳ تعریف از حیات را مورد کرد و هریک از آنها را با دیگری متفاوت یافت. اما واژه‌های یکسـانی را بارها در بسـیاری از آنها پیدا کرد. او ساختار زبانی تعاریف را تجزیه و تحلیل و تعاریف را دسته‌بندی کرد؛ در این تعاریف یک هسته اسـاسی پیدا کرد و به این نتیجه رسید که همه تعاریف در یک مورد توافق دارند: حیات «خودآزاری یا تنوع» است؛ یعنی آنچه زیست‌شناسان نامـا در ۱۱ واژه گنجانده‌اند: «حیات نظام شـیمیایی خودپایدارکننده‌ای است که می‌تواند تحت تکامل داروینی قرارگیرد». «تریفونوف» در سـه واژه خلاصه کرده است. اما تلاش‌های او که برای اگر نگشود. مهم‌ها از جمله زیست‌شناسان، فهرسـتی شخصی از چیزهایی که به نظر ما زنده یا غیرزنده‌اند، داریم. اگر کسـی تعریفی از حیات ارائه دهد، آن را با فهرست خود مطابقت می‌دهیم تا ببینیم که آیا تعریف او در محدوده فهرسـت ما قرار دارد یا نه. برخی از زیست‌شـناسان به تعریف خلاصه‌شـده «تریفونوف» نگاه می‌کنند و محدودیت آن را دوسـت ندارند. «اوه مایرهیرنک» زیست‌شـیمیدان جوان می‌گوید: «ویروس رایانه‌ای خودآزاری می‌کند، ولی زنده نیسـت».

فیلسوفان درصدد نجات زیست‌شناسان از افراطیون تعاریف

برخی از فیلسـوفان پیشـنهاد کرده‌اند ما باید درباره حیات بیشـتر دقت کنیم. علم زیست‌شناسی پیروزمندانه به قرن بیست‌ویکم وارد شده است. زیست‌شناسان هنوز به حیات فرازمینی دست نیافته‌اند. اما در تلاش‌اند حیات زمینی را هرچه دقیق‌تر بشناسـند. آنها می‌دانند که ژن‌هـا در دی‌ان‌ای رمزگذاری می‌شـوند و می‌توانند این رمزها را سریع و ارزان بخوانند؛ می‌توانند ژنوم انسان‌های ناندرتال را که صدهزار سال پیش منقرض شـده‌اند، بازسازی کنند؛ فهرسـت ژن‌های فعال یک سلول را که از یک قطره خون جدا کنند؛ مغز را بشناسـند. پیوندهای عنکبوتی بین نورون را در شبکه‌ای سه‌بعدی مغزی شـبیه‌سـازی و با کمک رادیواکتیویته تحت‌نظر قرار در اعماق زمین ردیابی کنند. با وجود این همه داده جدید، آنان هنوز به تعریفی از حیات که مورد توافق همه باشـد دسـت نیافته‌اند. موجوداتی مانند ویروس‌ها و میتوکندری‌ها مانع دسـتیابی به تعریف‌اند. تعریف ناسـا از حیات نیز اگرچه خاطره‌انگیز اسـت، اما به دانشـمندان خود ناسا نیز کمک نکرده اسـت؛ چون تنها هنوز در تلاش‌اند بدانند که آیا درون شهاب‌سـنگ آلن‌هیلـز ۸۴۰۰۱ آثار حیاتی وجـود دارد یا نه. برخی منتقدان تعریف ناسـا را نه‌تنها غیرعملی، بلکه گمراه‌کننده می‌دانند. مثلا این تعریف می‌گوید حیات می‌تواند مراحل تکامل داروینی را طی کند، یعنی تغییر سـازگار خاص در طول زمان و وقتی اتفاق می‌افتد که ژن‌ها دقیقا، اما نه کاملا، از نسلی به نسل دیگر کپی شوند. انتخاب طبیعی ژن‌هایی را که بـه موجود کمک می‌کند تا نسـبت به دیگران بهتر تولیدمثل کنند، گسـترش می‌دهد. با گذشت زمان، انتخاب طبیعی جهش‌ها را انتخاب و متراکم می‌کند. اما آیا می‌توان این قدر مطمئن بود که تکامل در جاهای دیگر به راههای دیگر رخ نمی‌دهد؟ مثلا هیچ احتمالـی وجود ندارد که وراثت صفات اکتسـابی از طریق تکامل لامارکی انجام شود؟ اگر وراثت نه‌تنها بین نسل‌ها، بلکه بین افراد یک نسل انجام شـود. چطور؟ این نارضایتی‌ها منجر به انتخاب تعریف‌ها و پیدایش ضدتعاریف جدید شده است:

- حیات از ویژگی‌های قابل پیش‌بینی و کروهی بامیرهای کاتالیزوری است.
- حیات شبکه‌ای متباولیک درون یک مرز است.
- حیات کیفیت جدیدی اسـت که تغییر دیالکتیک حاصل از افزایش کمیت پیچیدگی در سـامانه‌های شـیمیایی آلی به وجـود مـی‌آورد. ویژگی این کیفیت جدیـد توانایی خودنگه‌داری و خودآزاری‌اند.
- حیات فرایند وجود سـامانه‌های کامل غیرتعادلی باز اسـت که از پلیمرهای کربنی تشکیل شده‌اند و می‌توانند بر اساس سـنتز قالب اجزای پلیمری خودآزاری کنند و تکثار یابند.
- حیات سامانه‌های شیمیایی خودنگه‌دارنده غیرتعادلی است که می‌تواند اطلاعاتی را

چیستان حیات

بررسی یک نمونه تلاش علمی برای به‌دست‌دادن تعریفی از حیات و ارزیابی آن

محمودرضا خشکنودهانی*

هر کوشـشی برای یافـ‌ـدهی به پرسـش از چیسـتی و ماهیت حیات مستلزم به‌دست‌دادن تحلیلی از مجموعه پرسش‌های زیر در قلمرو پرسش اصلی است:

۱- آیا قصد داریم تعریفی از این مفهوم ارائه دهیم؟ یا ویژگی‌هایی برشـمریم تا معنا و مفهوم حیات نزدیک‌تر شویم؟

۲- اسـاسا برسش «حیات چیسـت؟» از چه رویکردی نیازمند پاسخ است؟ جنس این پرسش معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، روش‌شناختی یا ارزش‌شناختی است؟

۳- مسـئله تفاهم‌برانگیز دیگر آنکه فایده و سودمندی پاسخ به این پرسش چیسـت؟ چنین سـؤالی آیا پرسـشی فلسـفی، علمی، روان‌شناسـی، جامعه‌شناسـی، حقوقی یا دینی است؟ درکدام حیطه از شاخه‌های معرفت پاسخ به این سؤالی به ما کمک می‌کند؟

۴- آیا در تلاش هستیم این مفهوم را در قلمروی از سطح بالا پاسخ دهیم (مثلا حیات را به‌مثابه کنشـی از وجود موجود زنده و ویژگی‌های آن از ویژگی‌های آن در نظر بگیریم) یا آن را مفهومی درباره سـایر مفاهیـم تحلیل کنیم (مثلا حیات مفهوما در ارتبـاط با عناصر مفهومی دیگر مانند «مرگ» تعریف شـود؟ به‌عنوان مثال آیا می‌تـوان گفت حیات جیت ضد مرگ اسـت؟) یا حیات با تجزیه به اجزای سـازنده آن (اگر اصلا چنین چیزی امکان‌پذیر باشد) تبیین شود (مثلا نکاه‌های تقلیل‌گرایانه به حیات را در نظر بگیریم).

۵- تفاوت‌ها به هرکدام از پرسش‌های مطرح‌شده درک ما را از مسئله حیات عمیق‌تر و دقیق‌تر می‌کند. بخواستی آیا پاسخ به چنین پرسشی تا این حد به مطالعه و پژوهش نیاز دارد؟ برای پرسش نخست بعید به نظر می‌رسد که پاسخ جامع و مانعی در تعریف حیات بتوان یافت. البته بدحه حیتی در سـطحی مقدماتی‌تر به این پرسش بپردازیم؛ بیان ویژگی‌های حیات مثلا دسـته‌ای از ویژگی‌ها را برای موجود زنده در نظر بگیریم و قرارداد کنیم که هر موجودی شامل آن ویژگی‌ها باشد، حیاتمند است؛ ویژگی‌هایی نظیر رشدکردن، تکثیرشدن، فعال یا متحرک‌بودن و مواردی از این قبیل. با مراجعه به دنیای شکفت‌برانگیز زیست‌شناسی متوجه می‌شویم هرکدام از ویژگی‌ها با مشکلاتی روبه‌رو اسـت. برخی کنه‌های کاوی وجود دارند که تا ۱۸ سـال بدون رشد باقی می‌مانند؛ به کونه‌ای که اگر بستانداری از کنار آنها رد شود، بر اثر بوی اسید بوتریک جویان می‌بیند. برخی قورباغه‌ها در آفریقا شـناسایی شـده‌اند که بچه‌های به وجود می‌آورند حتی فعال‌بودن یـک موجود زنده برای ویروس‌هایی که یـک دی‌ان‌ای دارند، صدق نمی‌کند؛ چراکه می‌توانند هزاران سال بدون فعال‌بودن زنده بمانند. بنابراین به همین سیاق می‌توان به هر تعریف یا بیان هر ویژگی نقدهایی یا مثال نقض‌هایی وارد دانسـت. حدود ۷۵ سـال پیش فیلسـوف‌دانی بسـیار مهم به نام «اروین شرودینگر» کتابی تحت عنوان «حیات چیست؟» نوشت و سعی کرد که پاسخی ارائه دهد. سوای اینکه پاسخ او چه بوده، نکته تأمل‌برانگیز اینجاسـت که اگر پژوهش در مورد چیستی حیات، تأملی فلسـفی یا زیسـت‌شناختی اسـت، پس چرا یک فیزیک‌دان به آن پرداخته اسـت؟ جالب اینکه در سـال ۲۰۱۲ دوباره یکی از دانشـمندان طراز اول فیزیک و شـیمی آلی به نام «دی پرس» کتابی تحت عنوان «چیستی حیات چیسـت؟ چگونه زنده‌شـناسی می‌شود شـیمی؟» نوشـت و در آن سـعی کرد با نگاهی تقلیل‌گرایانه به این پرسش پاسخ دهد. بررسی تـلاش او به‌عنوان یک مطالعه موردی حاوی نکات آموزنده‌ای اسـت. حیات (به غیر از معنای اسـتعاری آن) در قلمرو زیست‌شناختی معنا و مفهوم پیدا می‌کند. «پرس» با ابداع لفظی به نام «فیزیکوشـیمیایی» سـعی در تداخل حیطه‌های علمی دارد که بتواند در بسـتر چنین پوشد خصیتهای از تنوع یابداری و جنبه‌های سخن گوید که آن را «یابداری دینامیکی سینتیکی» (Dynamical Kinetic Stability) به اختصار (DKS) می‌نامد. به بیان خود «پرس»: «او از کشـف این یابداری کمک می‌کرد تا بین شـیمی و زیسـت‌شناسـی پل بزند و دره بین دو علم مذکور را پر کند». «پرس» علاوه‌براین به پژوهشـگر ارشد در زمینه مبحث «شیمی سیستم‌ها» است که «کوئتر کیدروکسی» آن را بنا نهاده است؛ بنابراین طرح «ادی پرس» در تبیین چیستی حیات مبتنی بر مراحل تبیینی زیر است:

۱- شـیمی سیسـتم‌ها می‌تواند کمک کند تا توصیفی فیزیکوشیمیایی از نیروهای طبیعی ارائه شود.

۲- ماحصل این بینش فیزیکوشیمیایی به طبیعت کشف نوعی یابداری در طبیعت است که «پرس» آن را یابداری دینامیکی سینتیکی می‌نامد.

۳- این نوع از یابداری عامل اصلی تولید حیات در عالم است.

در اینجا «پرس» هنوز حیات تازه‌ای از ماده در نظر گرفت؛ حالت تکرارکری ماده که ویژگی‌هایش از نوع خاصی یابداری مشتق می‌شود که موجودیت‌های تکرارشونده را تکرار می‌کند؛ بنابراین حیات از دیدگاه «پرس»، عبارت اسـت از: شـبکه برانیدی از واکنش‌های شیمیایی که از چرخه بی‌پرتی تکرارشدن، جهش، پیچیدگی‌یافتن و انتخاب (گزینش) پدید می‌آیند و البته این واکنش‌های شیمیایی روی مولکول‌های زنجیرمانند (نوکلئیک اسیدها) عمل می‌کنند. این تعریفی است از یک دانشمند برجسته شـیمی‌دان که ضمنا عالم به فیزیک و زیسـت‌شناسـی و تکامل نیز هسـت. به دنبال چنین تعریف پیچیده‌ای، او ویژگی‌هایی برای حیات مانند پیچیدگی، نایابداری، پویایی، گونه‌کونی و... ذکر می‌کند و سعی می‌کند با آن تعریف این ویژگی‌ها را نیز توضیح دهد؛ اما دستاورد علمی «پرس» مثل هر نظریه در علم با مشکلاتی روبه‌روست. ازجمله:

۱- تعریف «پرس» بسـیار فنی، پیچیده و خیلی علمی اسـت. درک مفاهیمی مانند یابداری دینامیکی سینتیکی، تکرارکری ماده، موجودیت‌های تکرارشونده بسیار سنگین است و خود این مفاهیم اگر پیچیده‌تر از مفهوم حیات نباشند، آسان‌تر از آن هم نیستند. رعایت‌نکردن سـادگی و سـهولت در فهم این اصطلاحات یکی از انتقاداتی اسـت که به «پرس» می‌توان وارد دانسـت. توضیح آکه اگر اصل کتاب نیز مورد مطالعه قرار گیرد، بعید به نظر می‌رسد یک خواننده ناآشنا با سطوح عالی فیزیک، شـیمی، تکامل و زیست‌شناسـی بتواند از این مفاهیم چیزی سر دربیاورد. به نظر می‌رسد این تعریف از حیات تا حافظانت آن در فهم و درک مردم عـادی بسـیار زیادی پیوند دارد.

۲- تعریف او از حیات مسـتلزم پذیرش این بینش‌فرض اسـت که می‌توان زیسـت‌شناسی به مفاهیم مقدماتی‌تر یا مقدم‌تری مانند شـیمی و فیزیک تقلیل داد. همین ادعا مورد انتقاد بسیاری از دانشمندان طراز اول زیسـت‌شناسی مانند «ارنست میر» و «جان دوپره» قرار گرفته اسـت. «مایر» که او را «داروین قرن بیسـتم» می‌نامند، در کتابی به نام «چه چیزی زیست‌شناسی را یکتا می‌سازد؟» شدیدا علیه تز تقلیل‌گرایی استدلال می‌کند.

۳- «پرس» در تلاش اسـت ریشه‌های شـیمیایی نظریه تکاملی «داروین» را بیان کنـد. این تـلاش گرچه در نوع خـود بدیع و مبتکرانه اسـت، اما مشـکلاتی دارد. او مفاهیم تکاملی ازجمله سـازگاری یابداری را به‌کار گرفته و معادل‌های زیـر را ارائه می‌دهد: شایسـتگی= یابداری دینامیکی سینتیکی یا انتخاب طبیعی= انتخاب سینتیکی. چنین معادل‌سـازی‌هایی به لحاظ منطقی و تحلیل فلسـفی می‌توانند محل شـک و سـؤال قرار گیرند. مثلا اینکه آیا از همارزی نوع می‌توان طبیعی‌بودن را مسـاوی با ساوق یا سینتیکی‌بودن در نظر گفت؟

۴- «پرس» از یک معادله دو فازی سخن می‌گوید: در فاز نخست او چگونگی تبدیل بی‌حیات را به حیات مسـاوه توضیح می‌دهد و این فاز را فاز شـیمیایی مغرض می‌کند و در فـاز دوم او تبدیـل حیـات سـاده به حیات پیچیده را توضیح می‌دهـد که آن را فاز زیسـت‌شـناختی معرفی می‌کند. «پرس» برای فاز زیسـت‌شناختی نظریه تکاملی داروین را به‌مثابه نظریه توجیه‌کننده چگونگی تبدیل حیات ساده به پیچیده در نظر گرفته اسـت. حال آنکه برای فاز شـیمیایی نظریه توجیهی تبدیلی و از شـیمی سـیستم‌ها= حیات. حال اینکـه معنی دقیق این تعبیر چیسـت بماند؛ اما نکته مهم آن اسـت که با به‌کارگیری مفاهیم تکاملی در این نمودار او دچار یک دور منطقی شده است. «پرس» در تلاش بود مشاهده نخواهیم کرد، اما همه در مواردی با هم شباهت دارند». گروهی از فیلسـوفان و زیسـت‌شناسـان دانشـگاه لوند واقع در سوئد به این فکر افتادند که بهتر است تلاش کنیم سؤال «حیات چیست» را به شیوه‌ای پاسخ دهیم که «ویتگنشتاین» درباره «بازی چیسـت؟» ارائه داده است؛ یعنی سـعی کنیم به جای ارائه فهرسـتی دقیق از ویژگی‌ها، شباهت‌های گروهی موجودات زنده را پیدا کنیم. آنها در سال ۲۰۱۹ با انجام نظرسنجی از زیسـت‌شناسـان و دانشمندان به دنبال یافتن شـباهت‌های گروهی موجودات زنده بودند و برای این کار، فهرسـتی از موجودات شامل انسان، مرغ، ماهی مولی آمازون، باکتری، ویروس، دانه برف و مانند آنها را تهیه کردند و درکنار هر مدخل، مجموعه‌ای از اصطلاحـات مانند نظم، دی‌ان‌ای و متابولیسـم را که معمولا برای صحبت درباره موجـودات زنده اسـتفاده می‌شـوند، قرار دادنـد. شـرکت‌کنندگان در این پژوهش اصطلاحاتـی را که فکر می‌کردند در مورد هر یک از ایـن موجودات صدق می‌کنند، مشخص کردند؛ مثلا دانه‌های برف نظم دارند، اما متابولیسم ندارند و سلول‌های قرمز خون متابولیسـم دارند. اما دی‌ان‌ای ندارند. این پژوهشـگران برای بررسـی نتایج و گروه‌بندی مدخل‌ها بر اساس شباهت‌های گروهی، از یکی از فنون آماری به نام آنالیز خوشه‌بندی استفاده کردند. در این خوشه‌بندی انسان با مرغ، موش و قورباغه، یعنی جانورانی که مغز دارند، در یک گروه قرار گرفتند. ماهی مولی آمازون هم مغز دارد، اما آنالیز خوشـه‌بندی باعث شد که در گروه جداگانه‌ای نزدیک به گروه انسان قرار گیرد؛ چـون از طریق ماده‌زایـی زاد‌آوری می‌کند. ایـن پژوهشـگران در فاصله‌ای دورتر خوشـه‌ای بیـا کردند که از موجودات بدون مغز مانند گیاهان و باکتری‌های آزادری تشکیل شده‌اند و در گروه سوم، خوشه‌ای از سلول‌های قرمز خون و دیگر سلول‌هایی کـه نمی‌توانند به تنهایی زندگی کنند، قرار داشـت. دورترین موجودات نسـبت به انسـان موجوداتی هسـتند که معمولا زنده تلقی نمی‌شـوند مانـند وی

در همایش کنکاش‌های مفهومی و نظری درباره جامعه مطرح شد

ارتباط‌های سیاسی و اجتماعی گریزناپذیر شده است

شرق: پنجمین همایش کنکاش‌های مفهومی و نظری درباره جامعه ایران روز چهارشنبه، ۲۵ خرداد، لغایت پنجشنبه، ۲۶ خرداد، توسط انجمن جامعه‌شناسی ایران و تحت حمایت سیویلیکا در شهر تهران برگزار می‌شود که برخی از صاحب‌نظران و متفکران مربوطه در این همایش حضور دارند. اسماعیل خلیلی، سخنران علمی همایش کنکاش‌های مفهومی و نظری درباره جامعه ایران در بخش اول این برنامه می‌گوید: اینکه علم اجتماعی بدون تاریخ مؤثر است یا نه موضوع مهمی بوده و دکتر قانعی‌راد در همین مورد کار اصلی خودشان را در یک پژوهش تاریخی دنبال کردند که آن‌هم مسئله علم در ایران بوده، موضوع دیگری که بسیار با اینها پیوند خورده، مسئله مفهوم و دیگری روش شناخت بوده. به‌طورکلی آنچه برای این همایش مهم بوده، روش بوده و نه آنکه بخواهیم وارد مجادله شویم؛ یعنی به سراغ هر آن‌کس که گمان می‌کردیم به ما یاری دهد رفتیم و از آن‌هم برخوردار شدیم.

عکس: فروغ ظاهرخانی، باشگاه خبرنگاران جوان

آیا مطالعه تاریخ محتاج یک هدف است؟

نغمه سهرابی در بخش دیگر اشاره می‌کند: می‌خواهم صحبتم را با یک داستان شخصی شروع کنم، من از اولین ورودی‌های مدرسه فرزانگان بعد از انقلاب اسلامی هستم، با هدف آموزش رشته‌های علوم طبیعی ادامه تحصیل دادم و خانواده همان زمان ایران را ترک کردند و من هم با تلاش وارد دانشگاه شدم اما در یک سال خیلی سریع همه‌چیز تغییر کرد و آنجا به این نتیجه رسیدم که آینده من در علوم طبیعی نیست و در مطالعه تاریخ است که این تغییر خلاف زندگی من در ایران بود. وقتی دانشجوی تاریخ شدم، درک متفاوتی از آنچه تاریخ می‌تواند داشته باشد، پیدا کردم و به‌عنوان یک معما شروع به نگاه‌کردن کردم. همچنین افکار من از تاریخ برخاسته از یک زمینه دانشگاهی در محیط آمریکای شمالی است، از جایی که امروز در آن هستیم، به دغدغه‌ها، مفاهیم و مشغله‌های گذشته نگاه می‌کنیم تا توضیحی برای آن بیابیم، همچنین بدیهی است که به نظر برسد مگر می‌شود از جایی جز زمان حال به گذشته نگریست که فقط گزینه ما برای مطالعه گذشته حضور در زمان حال است اما باید نگاه تاریخی بر پایه دو پیش‌فرض باشد؛ اینکه تاریخ زمان خطی است و با هدف غایت حرکت می‌کند و این هدف توسط مورخ، محقق، روشنفکر و سیاست‌مدار تعریف می‌شود و دنبال پاسخی هستند، وقتی برای اولین بار در سفرنامه‌های زمان قاچار با این موضوع مواجه شدم، متوجه شدم مشغله ایرانی‌ها در آن زمان موضوعاتی مثل مدرنیته و بعد هم غرب‌زدگی بوده اما اتفاقی که می‌افتد در زمان پهلوی سفرنامه‌های قرن ۱۹ به اروپا که وجود دارد و به دست برخی از بهترین‌ها نوشته شده، با خواندنش جا خوردم. چون برخی سفرنامه‌نویسان کاملا کارشان نادیده گرفته می‌شده و برخی مورد تمجید قرار می‌گرفتند.

تحولات نوین ارتباطی؛ فروبستگی و گشودگی جامعه ایرانی

هادی خانیکی در بخشی از صحبت‌های خود می‌گوید: مرحله دوم تغییر و تحولاتی که به زمان ما نزدیک است به اواخر دهه ۸۰ می‌رسد که ارتباطات سیاسی ترجیح داده شده و ارتباط‌ها گوینده‌مدار شده و ارتباطات فراتر از رسانه‌ها رفته، درواقع تکیه بر توانمندی فرهنگی شده است. خلاصه اینکه ارتباط‌های سیاسی و اجتماعی گریزناپذیر شده است. همچنین هرچه قدرت سیاسی نامحدود باشد، جامعه مدنی محدود و مطبوعات ناتوان‌تر خواهند بود که این موضوع یک تهدید است؛ نتیجه‌ای که از این کار گرفته می‌شود، ضعف جامعه مدنی و مطبوعات است که جایگزین دیگر مثل فضای مجازی کارکرد سیاسی پیدا می‌کند که این به نفع رسانه نیست؛ چون کار را پیچیده‌تر می‌کند. در کنار این جامعه ایران در بطن فردگرا شده و دچار ارزش‌های مادی، شکاف میان سیاست و جامعه شده است که از دل تغییرات پردامنه به اینجا رسیده. اما جامعه ایران باوجود ضعف‌های مجازی به سمت گشودگی بیشتر می‌رود که امکان گفت‌وگو هم بیشتر می‌شود. درواقع سخن‌گفتن امروز در واقعیت و مجازی یک اعتبار دارد و بنابراین می‌توانیم امیدوار باشیم که از این قابلیت می‌توان استفاده کرد، اگرچه این موارد در جمع‌های کوچک بیشتر از جمع‌های بزرگ دنبال می‌شود.

پایان «عقب‌ماندگی»؛ جامعه‌شناسی و پارادایم توسعه

بهروز قمری‌تبریزی یکی دیگر از حاضران برنامه در بخشی از صحبت‌هایش در مورد پروژه‌های مضر آب در کشور می‌گوید: انتقال آب از منطقه‌ای به منطقه دیگر، تخلیه آب زیرزمینی، استفاده از آب منطقه‌ای برای صنایع فولاد، زهرآلودکردن آب و... شرایط زیست را تنگ‌تر می‌کند. چون صاحبان جهان در یک چرخه معیوب گرفتار شدند و راه گریزی از آن نیست، ما باید در مفهوم پیشرفت تجدیدنظر کنیم. اینکه هدف از توسعه چیست یک سؤال جدی است که با وجود بحران‌های اقلیمی که در تاروپود زندگی مردم اثر گذاشته دیگر یک سؤال آکادمیک و فلسفی نیست بلکه سؤال هر شهروند است. حال طبق بخشی از صحبت‌های مارکس کشوری که از لحاظ صنعتی توسعه یافته به کشورهای توسعه‌نیافته تصویر آینده‌شان را نشان می‌دهد؛ هرچند استعمار غرب را ظالمانه می‌داند اما در این شکی نیست که انگلستان باعث تغییراتی در هند شد، جنایات انگلیس هرچه باشد، واقعیت است که به‌عنوان ابزار ناآگاه تاریخ عمل کرده و هرچه سیستم سرمایه‌داری صنعتی را سیستم استثماری قلمداد کنیم ولی بر اساس نظرات متفکری متمدن‌بودن جوامع را می‌توان تقسیم‌بندی کرد که قرابتی با رشد کودک دارد. همان‌طورکه کودک بدون نظارت بزرگسال از لحاظ فکری بالغ نخواهد شد، جوامع هم جز با دخالت امپراتوری بالغ نخواهند شد، همچنین یکی از متفکرین بر این باور است که جوامع هند مشابه دوران کودکی بوده است و جز با دخالت تمدنی برتر برنخواهد آمد.

در کنار این موضوع ما هم تجربه انقلاب را داریم که از هیچ تلاطمی دور نمی‌ماند؛ بنابراین دیگر تاریخ‌سازی مدنظر نیست بلکه پیوستن به تاریخ‌سازی مدنظر است. همچنین زبان استعماری جهان به دنیای متمدن و بربریت و وحشی‌گری تقسیم می‌شد اما جنگ‌های خونین قرن بیستم، جنگ جهانی اول و دوم و آثار جهان متمدن عرصه را بر این زبان اخلاقی در مورد تاریخ تعیین کرد، به‌خصوص در جنگ جهانی دوم این گفتمان اخلاقی جای خود را به گفتمان سیاسی داد و دنیای غیرمتمدن به جهان توسعه‌نیافته یا درحال‌توسعه تبدیل شد که در اینجا مفهومی جز صنعتی‌شدن نداشت. حال ما باید به علوم نو دست پیدا کنیم تا در اختیار مناطق توسعه‌یافته قرار دهیم.

مطالعات اجتماعی و مسئله اعتبار داده‌های تاریخی

محمدعلی اکبری یکی از حاضران برنامه، در بخشی از صحبت‌های خود می‌گوید: آنچه می‌خواهم به آن بپردازم، چالشی است که به نظر بین حوزه اجتماعی و داده‌های تاریخی است. اگر نیم‌قرن اخیر را در حوزه مطالعات علوم اجتماعی مدنظر قرار دهیم، می‌توان یک نوع عطف توجه جدی و نوعی دوره چرخشی تاریخی قلمداد کرد. این چرخش تاریخی توجه به حوزه‌های تاریخ و تحولات تاریخ را مورد توجه قرار می‌دهد و به‌طور خاص ظهور مطالعات تاریخی و تاریخ اجتماعی را در نتیجه این چرخش تاریخی می‌توان دید و آنچه من می‌خواهم به آن بپردازم، عبارت از این است که چرخش تاریخی به نظر من محصول ناکارآمدی تئوری‌های بزرگی است که می‌خواست تمام تحولات جهانی و اجتماعی دوره‌های مختلف را در یک قاب بزرگ امکان‌پذیر بکند. تئوری‌های کلان، تبیین تحولات جوامع مختلف را بر عهده گرفته است؛ اگرچه این اتفاق مربوط به دوره‌های اخیر نیست و همان‌طور که گفتم از مدت زمانی پیش آغاز شده. موضوع دیگری که ما با ورود تاریخ و مطالعات جامعه‌شناسانه و مباحث جامعه‌شناختی با آن روبه‌رو شدیم، مباحثی است که ذیل بحث نسبت فاعل تاریخی و کارگزاران تاریخ پیش آمده‌اند. اگر به لحاظ تاریخی به این موضوع نگاه کنیم، ظاهرا این‌طور است که عمر تاریخی و تاریخ‌مندی را به حاشیه رانده. در سه، چهار دهه اخیر توجه به کارگزار تاریخ دوباره مطرح شده و این موضوع یک معنا و توجه به تاریخ و بازگشت به تاریخ را امکان‌پذیر کرده است؛ تأکید روی آن از این جهت اهمیت دارد و مطالعات جامعه‌شناسی فقط از این جهت سراغ تاریخی نمی‌رود که موضوع تاریخی را مورد مطالعه جامعه‌شناسی قرار دهد، بلکه حوزه تاریخی به‌مثابه یک حوزه شناختی از اهمیت خاص خود برخوردار است و جایگاهی در روند شناخت پیدا می‌کند و نسبت تاریخ و جامعه را تبیین می‌کند.

مقایسه ایران و سایر جوامع: دام‌ها و اسطوره‌ها در جامعه‌شناسی تاریخ

محمد فاضلی در بخشی از صحبت‌هایش می‌گوید: ما شاهد غربی هستیم که بدون فراز و نشیب‌هایی که می‌بینیم، است. به نظر نوعی بازخوانی نادرست از ایران هم وجود دارد که محل بی‌ثبات و دارای فقدان عقلانیت در برابر غرب بوده که همه اینها یک اسطوره است. در تاریخ اروما دائما مرزها جابه‌جا شده، مصادره اموال و به‌هم‌ریختگی و بی‌ثباتی آشکار بوده، همچنین اسطوره دوم که به گمان من جامعه‌شناسی تاریخی در ایران را می‌تواند به اعتراف بکشاند، وجود یک دولت بلامنازع در ایران است. این تصور که هیچ چیزی بیرون از دولت به‌عنوان یک قدرت قابل رقابت در ایران وجود خارجی نداشته و ایران تحت سیطره یک قدرت است، به گمان من اسطوره‌ای در تاریخ ایران است. همچنین آن‌قدر دولت در ایران پراکنده بوده که نمی‌توان از یک دولت بلامنازع صحبت کرد. نکته سوم هم به تحلیل برای جامعه‌شناسی تاریخی مربوط است که کاملا نتیجه کم‌بودن ارتباط بین‌رشته‌ای است که من با نبود علم جغرافیا در این موضوع مشکل داشتم که به نوعی این مسائل به جغرافیای سیاسی هم مربوط است.

رویکرد تحلیل شبکه در مطالعات تاریخی

سوسن باستانی در بخشی از صحبت‌هایش می‌گوید: قبل از ورود به بحث باید مقدماتی را بگویم. در واقع مسئله مهم نگاهی است که ما در تحلیل شبکه داریم و تفاوت رویکردهای قبلی سنتی در جامعه‌شناسی و تأکید بر رابطه است. تمام تحلیل‌ها بر اساس رابطه صورت می‌گیرد. در مقابل رویکردهایی که بر ویژگی پدیده متمرکز می‌شود، مسئله دیگر این است که وقتی وارد بحث تحلیل شبکه می‌شویم، امکانی برای طرح مباحث خرد و کلان به ما داده می‌شود و این امکان را داریم که تحلیل‌های فردی، سازمانی و سیستم جهانی را مورد توجه قرار دهیم و دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی هستیم که احتمال وجود دو کنشگر یا سازمان یا کشور بر چه مبنایی شکل می‌گیرد؟

تأملی در امکان و امتناع ملی‌گرایی مدنی

عباس نعیمی‌جورشری در بخشی از صحبت‌های خود می‌گوید: در گفت‌وگو مشخصات دانش، معلومات مبتنی بر آیین‌ها و آداب و رسوم، بخش‌های زبانی و فرهنگی یک جامعه است که از طریق شیوه‌های ارتباطی مبتنی بر حق قدرت و معلومات عمومی و دانش به هم متصل می‌شود. این‌گونه می‌توان گفت مجموعه‌ای از غفلت‌های سنتی و جاری، نسبت‌های آداب و رسومی که با استفاده از آنها و ذخایر فرهنگی زمان و مکان که مردم دارند، می‌آموزند چگونه به شیوه‌های مؤثر و مفید با همدیگر گفت‌وگو کنند و مکالمه مؤثری را رقم بزنند. همچنین در زمان گذشته، مثلا زمان رنسانس، منشأ قدرت را برای خدایان می‌دانستند، اما الان منشأ قدرت در ساختارهای گفتمانی تجلی می‌کند. با این توضیح می‌توان اشاره کرد که گفتمان محل تلاقی دانش و قدرت است. اما آنچه به ما مربوط است و ما می‌توانیم از آن توشه نظری داشته باشیم، این نکته است که گفتمان هم با قدرت است و هم بر قدرت است؛ با این توصیفات گفتمان بناست که حالت اقناعی داشته باشد تا بتوان از گفتمان هم بهره‌مند شد.

مبانی جامعه‌شناختی تفکر سیدحسن تقی‌زاده در مواجهه با جهان جدید

آیدین ابراهیمی در بخشی از صحبت‌هایش می‌گوید: تفکر سیدحسن تقی‌زاده شاید به ما کمک کند که بهتر مواجهه با جهان را متوجه شویم؛ چون در هر حال ایشان نسل اول روشنفکران معاصر هستند و به‌طور جدی به این موضوع ورود کردند. اول باید بگویم در این بحث باید بین تقی‌زاده روشنفکر و سیاست‌مدار تفاوت قائل شد و ما الان از بخش سیاست‌مدار آن فاصله می‌گیریم. آشنایی او با غرب از سفرها و ارتباطاتی که داشت شروع شد که فضای فکری خاصی را در او ایجاد کرد. ایشان از اولین کسانی بود که با منشأ و علل دگرگونی در ایران روبه‌رو شد و این دگرگونی را ابتدا برای خودش تحلیل کرد و بعد از سال‌ها پژوهش و مکاتبه به الگویی رسید تا بتوان از آن استفاده کرد. تقی‌زاده در خطابه‌های خود آداب و رسوم در غرب را اساس تغییر جهان ایرانی و پیوستن به جهان جدید می‌داند و به دنبال این است که چگونه مکانیسم‌ها در ذیل تفکر غرب به جهان کنونی تبدیل شده است. ایشان بر این باور است که تمدن‌ها دو شکل دارد؛ یا حکمی است و یا جهان‌گیری که در حکمی علم، استقلال، انسانیت و حکمت وجود دارد. همچنین طبق برداشت‌هایی از تفکراتشان، تأکید داشتند تغییرات فرهنگی و اجتماعی زمان‌بر است. حتما مشروطه مشکلاتی داشته، اما بزرگ‌ترین تکانی بود که در تاریخ معاصر ایران در شکستن تعصب و جهالت در جامعه ایجاد شد.

خبر برگزیده

درخواست برگزاری دادگاه علنی برای مسببان فاجعه متروپل آبادان

شرق: عده‌ای از مردم با راه‌اندازی کارزاری از رئیس دولت، رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه خواسته‌اند دادگاه مسببان فاجعه متروپل آبادان را به صورت علنی برگزار کند.

در متن این کارزار که نزدیک به هشت هزار نفر آن را امضا کرده‌اند، آمده است: «درخواست برگزاری دادگاه علنی برای فاجعه متروپل آبادان، کمترین خواسته‌ای است که برای آرام‌کردن دل‌های داغ‌دیده مردم آبادان می‌توان داشت. با توجه به فاجعه رخ‌داده در تاریخ دوم خردادماه جاری در شهر آبادان، درخواست بررسی کامل ایرادات اجرای ساختمان، مجوزهای نظارتی، نحوه ساخت، متریال مقاوم‌سازی، مجوز اطفای حریق و... را درخصوص این پرونده داریم.

پروژه متروپل آبادان که باعث کشته و مصدوم‌شدن هم‌وطنان آبادانی شد، حتی به مرحله افتتاح هم نرسیده بود. مردم آبادان بایستی در جریان مراحل دادگاه مسببان این فاجعه باشند». این کارزار تا تاریخ پنجم مرداد ۱۴۰۱ در آدرس اینترنتی (https://www.karzar.net/۴۳۲۲۳) در حال جمع‌آوری امضاست.

حقوق حیوانات

کوسه‌ها قربانیان بی‌دفاع سوپ باله و طب چینی

سپهر سلیمی: کشف چند محموله باله کوسه در جنوب کشور بار دیگر توجه حامیان حیوانات و محیط زیست را نسبت به شکار و تجارت غیرقانونی کوسه‌ها جلب کرده است. باله کوسه سودآورترین بخش بدن این حیوان است و به همین دلیل قاچاقچیان حیات وحش برای به دست آوردن مقدار بیشتری از این بخش و سهولت در حمل‌ونقل، پس از جداکردن باله‌ها، حیوان را در آب رها می‌کنند. در این شرایط کوسه‌ها امکان شنا و زنده‌ماندن ندارند و مرگ دردآوری را تجربه می‌کنند.

باله کوسه عموما برای تهیه سوپ باله کوسه استفاده می‌شود، ضمن اینکه در طب سنتی و به‌ویژه طب چینی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. تقاضا برای باله کوسه از اواخر قرن گذشته میلادی و به دنبال افزایش مشتریان سوپ کوسه افزایش داشته است. افزایش سطح درآمد چینی‌های سراسر جهان در بالارفتن تقاضا برای این خوراکی لوکس مؤثر بوده است. باله‌های کوسه به صورت تازه، خشک‌شده، پخته و منجمد در شرق آسیا به فروش می‌رسد. علیرغم آنکه در طب چینی خواص درمانی بسیاری برای باله کوسه نسبت داده شده است، اما شواهد علمی نشان می‌دهد نه‌تنها چنین خواصی وجود ندارد که مصرف گوشت این حیوان به دلیل وجود فلزات سنگین و عناصر شیمیایی خطرناک می‌تواند عوارض جدی برای سلامت انسان داشته باشد.

مقصد بخش عظیمی از باله‌ها کشورهای چین و هنگ‌کنگ هستند. گفته می‌شود تجارت باله کوسه در هر سال منجر به کشتار حدود ۷۳ میلیون کوسه در سراسر جهان می‌شود. ارزش این تجارت سیاه رقمی بین ۵۴۰ میلیون تا ۲/۱ میلیارد دلار است. قیمت خرده‌فروشی باله کوسه در کشورهای حوزه خلیج فارس به حدود ۴۰۰ دلار در هر کیلو می‌رسد که همین مسئله باعث تشویق متخلفان می‌شود.

کوسه‌های صیدشده از همه نژادهای آن و از جمله نژاد در حال انقراض سرچکشی را شامل می‌شود.

یافته‌های پژوهشی که نشنال‌جئوگرافیک منتشر کرده نشان می‌دهد باور عموم بر این است که کوسه‌های صیدشده عموما متعلق به مناطق آبی دورافتاده که نظارت درستی بر صید و شکار وجود ندارد هستند اما با مطالعه دی‌ان‌ای پنج هزار نمونه کوسه در بازارهای برزیل، هنگ‌کنگ، ونکوور و سانفرانسیسکو مشخص شده این کوسه‌ها عموما در مناطق آبی کشورها صید شده‌اند و به آب‌های بین‌المللی تعلق ندارند. این مسئله می‌تواند امیدواری برای نجات کوسه‌ها را افزایش دهد زیرا ثابت می‌کند در صورت اراده سیاسی، نظارت و وجود قوانین سختگیرانه امکان نجات این حیوان افزایش خواهد یافت. بر اساس این نتایج می‌توان گفت احتمالا قایق‌های کوچک ماهی‌گیری که تعدادشان زیاد و نظارت بر آنها کم است نقش بیشتری نسبت به کشتی‌های صنعتی در شکار این حیوان ایفا می‌کنند.

با آنکه شکار، حمل، نگهداری و تجارت و فروش گوشت و باله انواع کوسه ماهیان بدون داشتن مجوز قانونی ممنوع اعلام شده و بر اساس مصوبه شماره ۳۸۰ شورای عالی حفاظت محیط زیست (۲۹ دی ماه ۱۳۹۳) و به استناد بند ج ماده ۳ قانون شکار و صید، جریمه صید غیرمجاز انواع کوسه‌ماهیان ۳۰۰ میلیون ریال تعیین شده است اما عدم نظارت کافی در کنار مشکلات اقتصادی مانع از توقف شکار این حیوان نشده است. در کنار افزایش نظارت و سختگیری نسبت به متخلفان، ایجاد رونق اقتصادی و مشاغل پایدار از عوامل مهم نجات این گونه ارزشمند است.

پیشخوان
Pishkhan.com

مرگ کودک ۲ ساله در پی پاره کردن لاستیک‌های آمبولانس

رئیس مرکز اورژانس تهران از جان‌باختن کودک دوساله پس از آسیب‌رساندن برخی افراد به آمبولانس اورژانس خبر داد. دکتر یحیی صالح طبری در گفت‌وگو با ایسنا دراین‌باره اظهار کرد: حدود ساعت ۱۴:۴۲ سه‌شنبه ۲۴ خرداد در تماسی با مرکز ۱۱۵ اورژانس تهران گزارش ایست قلبی-تنفسی دختربچه‌ای دوساله به این مرکز اعلام شد. پس از اعلام این مورد، بلافاصله تکنیسین‌های اورژانس در کمترین زمان ممکن خود را به محل حادثه در خیابان شهید بهشتی رساندند. رئیس مرکز اورژانس تهران اظهار کرد: به دلیل شرایط ترافیکی این خیابان و نبود جای پارک مناسب و حال وخیم دختربچه، نیروهای اورژانس تهران به ناچار برای نجات جان بیمار، آمبولانس را در خط ویژه با رعایت اصول ایمنی و تردد خودروهای دیگر پارک کردند. تکنیسین‌های اورژانس خود را به‌سرعت به آدرس کودک بدحال رسانند و بلافاصله وظیفه ذاتی خود را که نجات جان یک انسان است، آغاز و اقدامات احیای قلبی-ریوی را شروع می‌کنند. صالح طبری گفت: عملیات احیای کودک با موفقیت انجام می‌شود و شرایط حال کودک رو به بهبودی پیش می‌رود، اما وقتی نیروهای اورژانس پس از عملیات احیا قصد انتقال بیمار به آمبولانس را داشتند، متوجه می‌شوند به دو عدد از چرخ‌های آمبولانس توسط فردی ناشناس آسیب رسیده و بادهای لاستیک آن خالی شده است. نیروهای اورژانس با مشاهده این وضعیت برای انتقال بیمار درخواست حضور آمبولانس دیگری را می‌کنند که آمبولانس دوم در محل حاضر شده اما متأسفانه طولانی‌شدن روند انتقال به دلیل اتفاق به‌وجودآمده باعث وخامت مجدد حال کودک شده و جان خود را از دست می‌دهد. به گفته وی اداره حقوقی مرکز اورژانس تهران پیگیر پرونده این کودک در مراجع قضائی است.

۶ نفر در رابطه با حادثه قطار مشهد- یزد بازداشت شدند

فرماندار ویژه شهرستان طبس گفت: در رابطه با حادثه خروج قطار مسافری مشهد- یزد در هفته گذشته شش نفر بازداشت شدند که درست است اکنون با ضمانت آزاد شدند، اما پیگیری قضائی پرونده این افراد ادامه دارد. علی‌اکبر رحیمی اظهار کرد: در حادثه خروج قطار مسافری مشهد- یزد نزدیک ایستگاه عباس‌آباد طبس که هفته گذشته اتفاق افتاد، چندین نفر بازداشت شدند. در این حادثه ۸۶ نفر در بیمارستان طبس بستری شده که طی دو روز مرخص شده و فوت ۱۴ نفر نیز تأیید شد.

فرماندار ویژه شهرستان طبس بیان کرد: در همان روز حادثه و طی جلسه با وزیر کشور و وزیر راه در طبس قرار بازداشت شش نفر که مقصر شناخته شدند، صادر شد. این افراد عوامل دخیل در حادثه در حوزه قطار و بیل‌مکانیکی بودند که اکنون با ضمانت‌های میلیاردی آزاد شدند.

وی افزود: رسالت فرمانداری شهرستان طبس این بود که نیروهای متخصص را در محل حادثه جمع‌آوری و در چند ساعت تکلیف مصدومان و فوت‌شدگان مشخص شد.

فرماندار ویژه شهرستان طبس بیان کرد: ساعت هشت صبح روز بعد حادثه، قطار روی همان ریل در حال حرکت بوده و زیرساخت‌ها آماده عبور و مرور مسافران در این مسیر بود.

گفتنی است ساعت ۵:۳۰ روز چهارشنبه ۱۸ خرداد، هنگام عبور قطار مسافری مشهد به مقصد یزد، در بلوک عباس‌آباد در منطقه طبس به دلیل برخورد قطار با بیل‌مکانیکی که در کنار خط بود، پنج واگن از خط خارج شد.

پشت پرده اختصاص حواله خودرو به بازیکنان تیم ملی

عکس: پیام پارسایی، باشگاه خبرنگاران جوان

تیم ملی ایران در حالی باید قریب به ۱۶۰ روز دیگر در جام جهانی حاضر شود که اوضاع و احوال مساعدی ندارد. این تیم برخلاف ۳۱ تیم دیگری که در جام جهانی حاضر خواهند بود بازی‌های تدارکاتی مناسبی نداشته و از فیفادی بلندمدت خرداد، فقط یک بازی دوستانه با تیم دوم الجزایر داشته‌اند. دیداری که باعث شده انتقادها از آنها از یک سو و از دراگان اسکوچیچ، سرمربی تیم ملی، از سوی دیگر، زیاد و زیادتر شود. هم‌زمان با این اتفاقات عجیب و غریب که برگرفته از روزهای آشفته فدراسیون فوتبال ایران است، چندی پیش اخباری از سوی معاون وزیر ورزش اعلام و در قالب خواسته‌های بازیکنان تیم ملی در پنج محور مطرح شد که یکی از آنها درخواست برای پیگیری حواله خودرو برای بازیکنان تیم ملی است. سینا کلهر، معاون وزیر ورزش در دیداری که با ملی‌پوشان در قطر داشت، خواسته‌های آنها را این‌چنین بیان کرد: «بازیکنان تیم ملی پنج درخواست داشته‌اند که در محورهای مختلف ارائه شده است. محور نخست به پرداخت پاداش بازی‌های تیم ملی در مرحله گروهی جام جهانی برمی‌گردد. پاداش سه دیدار تیم ملی معوق است. البته در همین محور برخی مربیان تیم ملی هم بخشی از حقوق و پاداش‌های خود را دریافت نکرده‌اند. محور دوم خواسته‌ها، مربوط به حواله خودرو است که به‌عنوان پاداش صعود به جام جهانی به بازیکنان تقدیم شد، ولی ظاهرا کار اجرائی آن انجام نشده است. مسئله سوم موضوع خدمت سربازی برخی بازیکنان تیم ملی بود. درحال‌حاضر ۱۲ نفر از بازیکنان تیم ملی فوتبال مشمول هستند. بهره‌مندی از معافیت سربازی در صورت کسب پیروزی در رقابت‌های جام جهانی یکی از درخواست‌های بازیکنان بود. محور چهارم اختصاص یک ایرلاین به‌عنوان هواپیمایی چارتر تیم ملی برای سفر به قطر بود. پیشنهاد ملی‌پوشان اختصاص ایرلاین ایران‌ایر بود. محور پنجم دیدارهای تدارکاتی برای فیفادی دوم (اواخر شهریور- اوایل مهر) و کمک وزارت ورزش و جوانان برای تسهیل دیدار تدارکاتی با تیم‌های باکیفیت‌تر و بدون مشکلات قبلی بود». پیش از این درباره درخواست معافیت سربازی بازیکنان تیم ملی مطلبی عنوان شد ولی اینجا نیاز است تا درباره دو موضوع مبهم دیگر یعنی پاداش بازیکنان تیم ملی و از آن مهم‌تر داستان حواله خودرویی که بازیکنان از آن نام برده‌اند صحبت شود. ملی‌پوشان ایرانی درخواست پرداخت پاداش سه بازی آخر را داشته‌اند و عنوان شد که وزیر ورزش هم پیش از بازی دوستانه با الجزایر آن پاداش را پرداخت کرده که طبق قرارداد به‌ازای هر برد، به‌صورت یورویی از فدراسیون فوتبال ایران و در سطحی بالاتر از وزارت ورزش پاداش می‌گیرند. قرارداد آنها با فدراسیون فوتبال است ولی طبیعی است در روزهایی که فدراسیون چیزی به اسم توان مالی ندارد، دست یاری به سوی وزارت ورزش دراز کند. مطابق با قراری که با بازیکنان تیم ملی گذاشته شده است، آنها برای هر برد داخل و خارج از خانه پاداش‌های یورویی دریافت می‌کنند. به ازای هر برد خانگی، یعنی دیداری که در ایران برگزار شود، ملی‌پوشان سه‌هزارو ۵۰۰ یورو پاداش می‌گیرند. این رقم با توجه به نوسان ارز در ایران، رقم درخوری است، ولی هرگز به جذابیت برد در بازی‌های خارج از خانه نمی‌شود. پاداش بردن بازی‌های خارج از خانه تقریبا سه هزار یورو بیشتر یعنی معادل شش‌هزارو ۵۰۰ یورو برآورد شده است. در این میان دو موضوع اهمیت دارد؛ اول اینکه چنین پاداشی برای بالابردن انگیزه این بازیکنان گذاشته شده و دیگر موضوع قابل بحث این است که بازیکنان تیم ملی نه به ریال، بلکه به یورو پاداش بردهایی را که به همراه تیم ملی به دست آورده‌اند، دریافت می‌کنند. موضوع دیگری که در این بین در حد یک جمله گذرا به آن اشاره شده درخواست بازیکنان ملی‌پوش برای پیگیری حواله خودرو است. اینکه چنین حواله‌ای از کجا آمده در نوع خود جالب است. فیلمی از رختکن تیم ملی وجود دارد که در آنجا محمد مخبر، معاون اول رئیس‌جمهور حاضر شده است. او در جمع بازیکنان، پای صحبت‌های شهاب عزیزی‌خادم، رئیس وقت فدراسیون فوتبال ایران می‌نشیند. عزیزی‌خادم خودش را در صف بازیکنان جا می‌کند و می‌گوید اینجا که دیگر پای منافع بازیکنان تیم ملی در میان است، باید کنار بازیکنان بایستد. در این جلسه که حمید سجادی، وزیر ورزش هم حضور دارد، عزیزی‌خادم از مخبر می‌خواهد مطابق با دوره‌های گذشته، به بازیکنان تیم ملی هم مجوز واردات خودرو داده شود. او می‌گوید پاداش این بازیکنان که تیم ملی را به جام جهانی برده‌اند، باید مجوز واردات خودرو باشد. پس برخلاف چیزی که این روزها از سوی معاون وزارت ورزش به عنوان حواله خودرو یاد می‌شود، این موضوع ارتباطی به حواله خودرو ندارد، بلکه مربوط به مجوزی است که به بازیکنان تیم ملی اجازه می‌دهد بدون پرداخت هزینه گمرکی، یک اتومبیل خارجی به شرط آنکه زیر دوهزارو ۵۰۰ سی‌سی باشد وارد کنند. عزیزی‌خادم چنین مجوزی را به صورت کلی برای همه بازیکنان تیم ملی می‌گیرد. با توجه به اختلاف قیمت خودروهای داخلی و خارجی و مشکلات واردات خودروی خارجی، این موضوع پاداش بسیار ویژه‌ای برای بازیکنان تیم ملی محسوب می‌شود. ظاهرا بعد از مشکلاتی که برای عزیزی‌خادم در فدراسیون فوتبال ایران پیش آمده، به‌طور دقیق کارهای اجرائی این داستان انجام نشده و به همین دلیل است که بازیکنان تیم ملی به تازگی در دیداری که با معاون وزارت ورزش داشته‌اند، از او خواسته‌اند تا وضعیت این مجوزها بررسی شود، به این امید که ملی‌پوشان ایرانی بتوانند اتومبیل‌های موردنظرشان را وارد کنند.

داستان ناقص اهدای یک واحد خانه

از گوشه و کنار شنیده می‌شود که داستان مجوز واردات خودرو یکی از موضوعاتی بوده که فدراسیون وقت توانسته مجوزش را از دولت بگیرد؛ اما در این بین یک موضوع دیگر مطرح شده که دولت چندان راغب به عملی‌کردن آن نشده است. مسئولان فدراسیون فوتبال در جلسه‌ای که با رستم قاسمی، وزیر راه و شهرسازی، داشته‌اند، از او خواسته‌اند به پاس صعود تیم ملی ایران به جام جهانی، به بازیکنانی که در این زمینه نقش داشته‌اند، یک واحد آپارتمان هم تعلق بگیرد. این درخواست چندان مورد توجه قرار نگرفته و نهایتا هم عملیاتی نشده است. اگر این بخش هم مورد موافقت قرار می‌گرفت، وضعیت بازیکنان از کنار یک صعود به‌مراتب بهتر و بهتر می‌شد: پاداش‌های یورویی، خودروهای خارجی و یک واحد آپارتمان رایگان!

اخبار برگزیده

یک رسانه پرتغالی مطرح کرد:

جنجال در تیم ملی فوتبال ایران!

یک رسانه پرتغالی از تنش بالا در تیم ملی فوتبال ایران خبر داد که به نوشته این رسانه می‌تواند منجر به برکناری اسکوچیچ و حضور دوباره کی‌روش، مربی پرتغالی، در تیم ملی ایران شود. به گزارش آبولا، پس از شکست تیم ملی فوتبال ایران مقابل الجزایر در دیداری دوستانه در قطر، اوضاع تیم ملی ایران بسیار ملتهب شده و بین بازیکنان و کادر فنی شکاف زیادی ایجاد و برنامه‌ریزی فدراسیون نیز مختل شده است. مهدی طارمی اکنون درگیر این وضعیت ملتهب در فوتبال ایران شده است. فدراسیون فوتبال ایران در انتخاب حریف دچار مشکل شد و در نهایت فقط در بازی دوستانه با الجزایر در دمای بسیار بالا و در زمینی با شرایط وحشتناک بازی کرد. طارمی حتی از یک گزارشگر تلویزیونی در ایران خواست از زمین فیلم‌برداری کند. به نظر این شرایط باعث ناراحتی او شده بود. به نوشته آبولا، بر اساس اطلاعاتی که از ایران می‌رسد، این مهاجم و سایر بازیکنان تاثیرگذار در تیم ملی ایران در تلاش هستند تا دراگان اسکوچیچ را از سمت خود برکنار کنند تا زمینه بازگرداندن کارلوس کی‌روش فراهم شود.

Pishkhan.com

محمد بنا به تیم ملی بازگشت

سرمربی تیم ملی کشتی فرنگی پس از چند روز غیبت در تمرینات، به اردوی تیم ملی بازگشت. علی محمدی، مدیر تیم‌های ملی کشتی فرنگی، در گفت‌وگو با ایسنا، با اعلام این خبر، گفت: محمد بنا دیروز (چهارشنبه) در اردوی تیم ملی حاضر شد و فعالیت خود را از سر گرفت. او در پاسخ به این سؤال که با این اوصاف، محمد بنا به فعالیت خود در تیم ملی کشتی فرنگی ادامه می‌دهد، گفت: بله. مشکلی دراین‌باره وجود ندارد و ایشان مثل همیشه به فعالیت خود ادامه می‌دهد و تمرینات تیم ملی با حضور او ادامه خواهد داشت. به گزارش ایسنا، محمد بنا در روزهای اخیر غایب تمرینات تیم ملی کشتی فرنگی بود و سرانجام پس از مذاکرات مدیر تیم‌های ملی و برخی دیگر از مسئولان فدراسیون کشتی، به تمرینات تیم ملی بازگشت.

سرعت عجیب پرسپولیس برای ساختن یک تیم کهکشانی

ناکامی پرسپولیس در فصل اخیر لیگ برتر باعث تغییرات سریع در روند جذب بازیکن در این باشگاه شده است. پرسپولیسی‌ها که فصل گذشته ابتدا به دلیل بسته‌بودن پنجره و سپس محدودیت‌های مالی، خریدهای بسیار بد و ضعیفی داشتند، فصل را بدون اینکه جامی به دست بیاورند، به پایان بردند. حذف از جام حذفی در یک‌چهارم نهایی و سپردن قهرمانی به استقلال، رقیب دیرینه، باعث شد تا هواداران این تیم رفته‌رفته به توانایی‌های یحیی گل‌محمدی به‌عنوان سرمربی شک و تردید داشته باشند.

یکی از مهم‌ترین دلایلی که برای ناکامی پرسپولیس در فصل اخیر برای کسب عنوان قهرمانی اعلام شد، عدم جذب بازیکنان باکیفیت از سوی سرمربی این تیم بود. با اتمام فصل اما پرسپولیس برخلاف ادوار دیگر، خیلی سریع استارت زده و حالا یکی پس از دیگری، ستاره‌های موجود در بازار را جذب می‌کند. این تیم به‌عنوان اولین خرید سراغ علیرضا بیرانوند رفت تا ضعف موجود در خط دروازه را برطرف کند. جذب مرتضی پورعلی‌گنجی، بازیکنی که سال‌ها سابقه حضور در تیم ملی را داشته و تجربه بازی‌کردن در جام جهانی را هم به دست آورده، دیگر خرید موفق پرسپولیسی‌ها در روزهای اخیر بوده است. البته که تلاش پرسپولیس برای جذب ستاره‌ها به همین‌جا ختم نشده است. این باشگاه به‌تازگی دو ستاره تیم فوتبال سپاهان را جذب کرده است. اولی دانیال اسماعیلی‌فر است که در اردوی یکی مانده به آخر ملی، به تیم ملی هم فراخوانده شد. او مدافع راست سپاهان بود و سه فصلی بود که پرسپولیسی‌ها سعی در جذب این بازیکن داشتند. دانیال هم زمانی که هنوز دیگر تیم‌های لیگ برتری حتی استارت خرید بازیکن را نزده بودند، توسط پرسپولیس جذب شد تا یحیی گل‌محمدی خیلی سریع، سومین بازیکن موردعلاقه‌اش را هم برای فصل آینده در اختیار داشته باشد. تازه‌ترین خرید پرسروصدای پرسپولیس هم مربوط به اتفاقی است که روز گذشته رخ داده و سروش رفیعی، دیگر بازیکن سپاهان، قراردادی دوساله با سرخ‌های تهرانی بسته است.

نکته قابل‌توجه درباره سروش این است که او برای سومین بار در طول دوران حرفه‌ای پیراهن پرسپولیس را به تن می‌کند. او که در آخرین اردوی تیم ملی ایران حضور داشت، پس از دو فصل و نیم بازی با پیراهن سپاهان اصفهان تصمیم به جدایی از این تیم گرفت تا بار دیگر شاگرد یحیی گل‌محمدی شود.

رفیعی در فصل ۹۶-۱۳۹۵ و ۹۸-۱۳۹۷ پیراهن پرسپولیس را بر تن داشت و توانست دو بار با این تیم جشن قهرمانی بگیرد. دیگر اتفاق خوبی که روز گذشته برای پرسپولیسی‌ها رخ داد، این است که میلاد سرلک، هافبک ملی‌پوش این تیم هم قراردادش را تمدید کرد. درباره او شایعه شده بود قرار است به قطر برود و از پرسپولیس جدا شود. نکته جذاب دیگری که این روزها در باشگاه پرسپولیس رقم می‌خورد، این است که توجه به جذب ستاره‌های جوان هم در اولویت قرار گرفته است. به غیر از چهار بازیکنی که پرسپولیس برای ساختن تیم کهکشانی‌اش جذب کرده، دو بازیکن هم به‌عنوان سهمیه زیر ۲۱ سال تا به الان به‌صورت رسمی جذب شده‌اند؛ اولی مهدی هاشمی‌نژاد است و دیگری محمدمهدی احمدی.

با وجود شتاب جالبی که پرسپولیس در بازار دارد و هنوز چندین ستاره دیگر را قرار است به تهران کشانده و پیراهن قرمز به تن آنها کند، این باشگاه با پنجره بسته روبه‌روست و نمی‌تواند قرارداد بازیکنانی را که اخیرا جذب کرده، نهایی کند! پنجره نقل‌وانتقالاتی این باشگاه چندین ماه است با شکایت آنتونی استوکس بسته شده و تا زمانی که طلب او پرداخت نشود، پنجره پرسپولیس باز نمی‌شود. به غیر از استوکس، پرسپولیس با یک پرونده عجیب دیگر هم روبه‌روست که مربوط به داستان شکایت شهرخودرو می‌شود. باشگاه تهرانی هنوز نتوانسته طلب شهرخودرو را که مربوط به قرارداد یحیی گل‌محمدی است، بپردازد و از سوی فدراسیون فوتبال ایران محروم شده است. در حکمی که اخیرا به دست باشگاه پرسپولیس رسیده، عنوان شده است که تا زمانی که این بدهی پرداخت نشده یا رضایت شاکی جلب نشود، پرسپولیس نمی‌تواند بازیکن جدیدی بخرد. پرسپولیس ولی وعده داده که پول طلب آنتونی استوکس را فراهم کرده و از طرفی بخشی از بدهی‌اش به شهرخودرو را هم پرداخته کرده و هواداران این باشگاه نباید نگران باشند.

حضور آلکس نوری در استقلال منتفی شد

باشگاه استقلال با گزینه ایرانی-آلمانی خود به توافق نرسید. به گزارش «ورزش سه»، در پی مذاکرات فشرده مدیران استقلال با الکساندر نوری در دوبی این مربی حاضر به کار با مبلغ مدنظر استقلال نشد تا پرونده انتقال او به جمع آبی‌ها بسته شود. درحالی‌که از گوشه‌وکنار باشگاه استقلال خبر می‌رسید کار حضور الکس نوری در این تیم به‌عنوان سرمربی به پایان رسیده، حالا اخبار موثق حکایت از منتفی‌شدن حضور این سرمربی آلمانی-ایرانی در استقلال دارد. مبلغ درخواستی الکساندر نوری که بنابر شنیده‌ها ۶۵۰ هزار یورو برای یک فصل بوده است، عامل اصلی عقب‌نشینی مدیران استقلال درخصوص انتخاب او بوده که آخرین تجربه مربیگری‌اش حضور در دسته دوم یونان بود. با این حساب انتخاب مربی استقلال وارد پروسه تازه‌ای خواهد شد. اکنون به نظر می‌رسد با منتفی‌شدن حضور این مربی، مدیران استقلال درنهایت به مذاکرات برای استخدام یک سرمربی خارجی روی بیاورند؛ اتفاقی که تا امروز به هردلیلی نسبت به آن نظر مثبتی نداشتند. بعد از پاسخ منفی نکونام، الکساندر نوری دومین مربی‌ای است که بعد از پیشرفت بالای مذاکرات در آخرین گام حضورش در استقلال به سرانجام نرسیده است.

فرهاد مجیدی ممنوع الکار نشده است

عضو هیئت‌مدیره باشگاه استقلال تاکید کرد که فرهاد مجیدی ممنوعیتی برای کار در فوتبال ایران ندارد.

به گزارش نورنیوز در روزهای اخیر شایعاتی درباره ممنوع‌الکاربودن فرهاد مجیدی، سرمربی تیم فوتبال استقلال منتشر شده است که برخی از صفحات فضای مجازی از قول محمد مؤمنی دلیل آن را نامه‌ای از سوی برخی نهادها اعلام کرده‌اند. حال مؤمنی با تکذیب صریح این موضوع متنی را در اختیار رسانه‌ها قرار داده که در آن دلایل جدایی مجیدی از استقلال را صرفا نظر شخصی او عنوان کرده است. مؤمنی نوشته است: شخصی مجهول‌الهویه با انتشار فایلی صوتی نسبتی دروغ به بنده داده است.

آقای مجیدی نه در گذشته و نه در حال منعی برای کار در فوتبال ایران ندارند و با اصرار خودشان درحالی‌که دو سال دیگر با باشگاه استقلال قرارداد داشتند، از تیم جدا شدند. باشگاه به‌دلیل فراهم‌شدن شرایط مالی بهتر، این گذشت را برای او انجام داده است و دیگر موارد مطرح‌شده در این خصوص کذب و در جهت انحراف افکار عمومی است.

گزارش آیین ارج‌گذاری ۲ دهه نقش‌آفرینی انجمن علوم سیاسی ایران در سپهر دانش سیاست

نهادی اثرگذار در سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی

عصر یکشنبه ۲۲ خرداد ۱۴۰۱ جمع کثیری از استادان و دانشجویان رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در خانه اندیشمندان علوم انسانی گرد هم آمدند تا دو دهه نقش‌آفرینی انجمن علوم سیاسی ایران در سپهر دانش سیاست را ارج بنهند. به گزارش روابط‌عمومی خانه اندیشمندان علوم انسانی، در این مراسم باشکوه که با استقبال بسیار خوبی مواجه شد، ۲۰ استاد برجسته علوم سیاسی ازجمله قاسم افتخاری، محمدرضا تاجیک، احمد نقیب‌زاده، حسینعلی نوذری، محمدکاظم سجادپور، نسرین مصفا، ابوالفضل دلاوری، ابراهیم متقی، حسین سلیمی، کیومرث اشتریان و علی ربیعی سخنرانی کردند و از دو کتاب «نقشه راه دانش سیاست در ایران» و «انجمن علوم سیاسی، سیاست‌ورزی؛ از اندیشه آرمان‌شهری تا واقع‌گرایی» رونمایی شد.

دکتر قاسم افتخاری، استاد پیش‌کسوت رشته روابط بین‌الملل، به‌عنوان سخنرانی افتتاحیه همایش، سخن خود را با ذکر این نکته آغاز کرد که در حالی بعد از حدود دو سال انزوای اجباری، برای ارج‌گذاری انجمن علوم سیاسی ایران گرد هم آمده‌ایم که در سطح اجتماعی همچنان درگیر انزوا هستیم. تاکنون کار ما مطالعه در حوزه واقعیات اجتماعی بوده است، اما از این به بعد انجمن باید حوزه تمرکز خود را به جای توصیف واقعیات اجتماعی به نقد واقعیات اجتماعی تغییر دهد.

سخنران بعدی دکتر محمدکاظم سجادپور، عضو هیئت علمی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه بود که گفت: نهادها به‌راحتی ساخته نمی‌شوند و به‌راحتی نیز حفظ نخواهند شد. انجمن علوم سیاسی ایران در این دو دهه نه‌تنها توانسته خود را حفظ کند، بلکه گسترش نیز یافته که شایسته تقدیر و تشکر است. دکتر حسینعلی نوذری، استاد اندیشه سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، دیگر سخنران همایش، با بیان اینکه استقلال باید جوهر اساسی انجمن علوم سیاسی ایران باشد، گفت: اگر قرار است انجمن کاری مؤثر و مانا انجام دهد، باید از وابستگی به نهادهای قدرت، به هر شکلی خودداری کند. در ارتباط با مسائل اجتماعی و مسائل مهمی که گریبان کشور را گرفته است، انجمن باید اعلان موضع کرده و راه‌حل ارائه کند. انجمن نباید وابستگی به نهاد قدرت داشته باشد. در ادامه دکتر محمدرضا تاجیک با اشاره به مشکلات مفهوم در جامعه ایران گفت: ما در یک شرایط تعلیق یا آستانه‌ای قرار داریم و به تبع آن نیازمند دانش سیاسی جدیدی هستیم که بتواند جزئی از راه‌حل مشکلات جامعه ما باشد. باید بتواند به تعبیر مارکس ضمن تلاش برای رسیدن به یک وضعیت تعدیلی از شرایط و واقعیات جامعه، امکان تحول را فراهم کند و انجمن علوم سیاسی ایران نیز باید عهده‌دار این تحول ژرف باشد. باید با توجه به نیاز جامعه، دانشجویانی را تربیت کرد که به نظریه‌پردازی بپردازند و بتوانند تولید مفاهیم کنند. امیدوارم در این شرایط نگران‌کننده و حساس بتوانیم در انجمن علوم سیاسی ایران جزئی از تاریخ خودمان باشیم. دکتر ابراهیم متقی، رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران نیز گفت: دانش سیاست باید به حل مسئله کمک کند و حل مسئله به معنی طرح حرف‌های روشنفکرانه و ایدئالیستی نیست. اندیشمند سیاسی نباید در برابر ساحت تئوری، حرف‌های انتزاعی بزند. رشته علوم سیاسی نه با خودش می‌تواند رابطه برقرار کند، نه می‌تواند با دولت رابطه برقرار کند و نه با فضای ژورنالیستی. باید ایدئولوژی، قدرت و دولت را با هم پیوند داد و به یک رویکرد فراگیر رسید. به این منظور نیاز به استادان حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، همبستگی و خلق تئوری‌های کارکردگرایی است. دانشوران علوم سیاسی نباید خودشان را از جامعه، فضای دانشگاه و دولت بیگانه بدانند. دکتر کیومرث اشتریان، رئیس هیئت‌مدیره انجمن علوم سیاسی ایران نیز در سخنانی گفت: نباید از یاد ببریم که انجمن علوم سیاسی ایران و کارگزاران آن فعال و کنشگر سیاسی نیستند. فضای انجمن فضایی علمی است و کنشگران آن نیز فعالانی علمی هستند. فعالیت‌ها در انجمن در لب مرز مسائل و معضلات حساس روز و مبتلابه جامعه شکل می‌گیرد.

در ادامه دکتر ابوالفضل دلاوری، استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی با بیان اینکه بحث اصلی برنامه بازشناسی نهاد نوپای انجمن است، گفت: با الهام از تئوری توسعه بحران‌ها و توالی‌ها می‌توان به بررسی تطبیقی روند فعالیت انجمن علوم سیاسی پرداخت و نقش انجمن را در حل چهار بحران تبیین کرد: بحران هویت، بحران مشروعیت، بحران مشارکت و بحران توزیع. در حوزه مشروعیت دانش سیاست، انجمن علوم سیاسی با تلاش در تولید محتوای علمی، جایگاه ویژه‌ای در فضای علمی ایجاد کرده است. این نهاد در عرصه تصمیم‌سازی عملکرد موفقی نداشته، اما در عرصه عمومی خوب عمل کرده؛ ازجمله در حوزه تولید محتوا در رسانه‌های تخصصی و عمومی اثرگذار بوده است. در نهایت در حوزه بحران توزیع توفیق نداشته. برخی گرایش‌های علمی نحیف مانده و برخی دیگر گسترش زیادی یافته است. دکتر حسین سلیمی، استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه هم گفت: مشکلات بسیاری در جامعه ایران ازجمله زنجیره ارزش جهانی، بحران هویت و... همه نیازمند دانش سیاست است. ما با رویکرد افراط و تفریط و سطحی‌نگری مواجه شده‌ایم که برخی آن را محصول فضای مجازی می‌دانند. برخی از اهالی دانش سیاست، کنشگران فضای مجازی شده‌اند و به زبان علم سخن نمی‌گویند. عده‌ای هم شارحان اصحاب قدرت شده‌اند. در میان این دو طیف، یک خلأ بزرگ وجود دارد. امیدواریم جامعه علوم سیاسی به نیازهای جامعه پاسخ دهد. در ادامه ارسلان قربانی، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی با بیان اینکه عصر جدید درهم‌تنیدگی عوامل اثربخش و مبتنی بر مدل مکانیک کوانتومی است، گفت: یکی از کنشگران اصلی اثرگذاری دانش، انجمن‌های علمی هستند. انجمن‌ها می‌توانند در بخش نرم‌افزاری کمک فاحشی به تصمیم‌سازی در سیاست خارجی و حوزه سیاسی بکنند. انجمن علوم سیاسی در نهادینه‌کردن مطالعات علم سیاست موفق بوده، اما باید در نهادهای سیاست‌گذار و تصمیم‌ساز نیز اثر بگذارد.

در ادامه دکتر محمدرضا مجیدی، استاد دانشگاه تهران، با تأکید بر کاربرد دانش در زندگی شهروندان گفت: باید در عرصه عمومی به زبان علم سخن گفت. اتاق فکرهایی لازم است که پل ارتباطی بین دانش و حوزه اجرا باشد و بار برزمین‌مانده گروه‌های علمی را به دوش بکشند. ما در خلأ سیر نمی‌کنیم. کشور ما مشکل حکمرانی دارد. اینکه انجمن علوم سیاسی اخیرا به بحث آب و برق ورود کرده، کار ارزشمندی است. انجمن علوم سیاسی، جمع مدنی بزرگی است. پیشگامی و پیشرانی انجمن را در امور علمی و مدنی نمی‌توان نادیده گرفت.

دکتر مجتبی مقصودی، رئیس پیشین انجمن علوم سیاسی نیز با ارائه گزارشی مفصل از فعالیت انجمن علم سیاسی گفت: باید به این پرسش جواب بدهیم که انجمن و رشته علوم سیاسی در کجای قدرت قرار دارد و چه نسبتی با جهان واقع دارد؟ تاکنون انجمن علوم سیاسی در این حوزه‌ها، ملاحظات خود را به زبان علمی بیان کرده و در شرایط سیاسی که هیچ نشانی از احزاب نیست، انجمن علوم سیاسی خوش درخشیده است. انجمن یک سرمایه عظیم علمی در هویت‌سازی، مرجعیت‌یابی و ایجاد ظرفیت گفت‌وگویی است. دولتی‌شدن و اپوزیسیون‌شدن دو افت بزرگ است. افراط و تفریط انجمن را به بیراهه می‌برد. در ادامه دکتر حشمت‌الله فلاحت‌پیشه در سخنانی با بیان اینکه علوم سیاسی نمی‌تواند به امر سیاسی و مسائل حکمرانی بی‌اعتنا باشد، گفت: انجمن علوم سیاسی و علمای سیاست در سه صحنه باید حضور مؤثر داشته باشند: یک، در حوزه اجرای قانون: متأسفانه قوانین گزینشی اجرا می‌شوند. دو، تلاش برای اجرائی‌کردن تکالیف دولت: دولت‌ها زیر بار تکالیف خود نمی‌روند. سه، دفاع از حوزه عمومی: حوزه عمومی بیش از همه در ایران مورد دخالت دولت‌ها قرار می‌گیرد. در ادامه دکتر ماندانا تیشه‌یار، استاد دانشگاه علامه طباطبایی در سخنان کوتاهی گفت: امیدوارم انجمن علوم سیاسی طی یک برنامه پژوهشی ویژه، فرصتی فراهم کند تا استادان و دانشجویان، اندیشه‌ورزی در حوزه علوم سیاسی را از دوران باستان تاکنون بررسی کنند تا بتوانیم یک مکتب فکری در علم سیاست در ایران داشته باشیم.

در ادامه برنامه دکتر علی اسماعیلی‌اردکانی، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی گفت: انجمن علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی نقش ویژه‌ای ایفا کرده و در برزنگاه‌ها حضور داشته است؛ ازجمله برگزاری چندین نشست درباره برنامه هسته‌ای ایران که تأثیر بی‌بدیلی در پیشرفت مذاکرات داشته. همچنین در تغییر سرفصل‌های رشته علوم سیاسی بدون هرگونه سیاست‌زدگی نقش مؤثری ایفا کرده است. برنامه ۱۰ساله آینده انجمن علوم سیاسی باید بر دو موضوع متمرکز باشد: اول کمک به حکمرانی برای شادکامی و نیک‌زیستی و دوم تفکر نقادانه برای عمق‌بخشی و کمک به مرجعیت علم سیاست.

دکتر علی ربیعی نیز به‌عنوان سخنران پایانی، در سخنانی ضمن تجلیل از انجمن علوم سیاسی و دانشوران علم سیاست گفت: این روزها پرسش اصلی من این است که وضعیت ما اکنون چرا چنین شده است؟ یکی از دلایل ایجاد وضعیت فعلی، فقدان دانش برای درک درست از جهان و داخل است. ما در دعوای عاملیت و ساختار، در سیاست‌گذاری و سیاست‌رانی در ساخت قدرت با فقدان دانش مواجه هستیم. ساخت قدرت مایل نیست از روشنفکری استفاده کند و روشنفکری هم مایل نیست با ساخت قدرت کار کند. ما باید نهاد مدنی را پاس بداریم. ما متأسفانه حرف از جامعه مدنی زیاد زدیم، اما نهادهای مدنی را استوار نکردیم. ربیعی در پایان گفت: انجمن علوم سیاسی باید حداقل سه کارکرد داشته باشد: ۱. تولید علم و دانش: این‌قدر باید نوشت که نادانی زیر خروارها نوشته خفه بشود. ۲. گفت‌وگوی اجتماعی: انجمن به دانشوران فرصت هم‌افزایی می‌دهد. ۳. میانجیگری اجتماعی: جامعه ما بدون میانجی شده است.

از سقوط نمادها تا ارزش‌های زیستی

ادامه از صفحه اول

گناه این خیریه غیردولتی با بیش از ۱۰ هزار عضو که نیمی دانشجو و از فرزندان پاک ما مردم برای کمک به کودکان و خانواده‌های فقیر بود، چیست؟ همین فرزندانی که شما به عنوان «مردم» در کنار «مسئولان» آنها را به خطاب عتاب و به ایمان دعوت کردید. آیا مهم‌ترین نشانه ایمان جز کمک به هم‌نوع است؟ آیا از شعار این جمعیت که به نام امام علی: «گرسنگی سهم کودکان نیست» قشنگ‌تر و خداپسندانه‌تر پیامی سراغ دارید؟ این جوانان و دانشجویان جمعیت امام علی نسل همان جوانانی هستند که با دست خالی در برابر تجاوز عراق ایستادند و اکنون با عشق و برای رضای حق در دستگیری نیازمندان می‌کوشند... آیا واضح‌تر از این نشانه ایمان در مردم نمی‌بینید در مردمی که نه بنای سست می‌سازند و نه در سودای مال و جان کسی هستند و شب و روز زحمت می‌کشند تا بناهای کوچک و استوار زندگی‌های متعارفی را که خراب شده در حد یک شکم سیر مرهم شوند.

اما بخشی دیگر را که شما بنیان فکری‌شان را چنین لرزان توصیف کرده و در کنار مسئولان نشاندید، با وجود همه سختی‌ها، کارشکنی‌ها و محدودیت‌ها در این سال‌ها به عنوان متخصص و شهروند دلسوز، به‌وسیله کتاب، روزنامه و هر تریبونی که به دست آورده، گفته‌اند و نوشته‌اند و می‌نویسند. مردم به جز قلم یا تظاهر مدنی و مسالمت‌آمیز چه ابزار دیگری برای رساندن صدای خود و مشارکت در ساخت «بنا»های خوب داشتند و دارند؟ این فجایع زیست‌محیطی مگر چه تفاوتی با سقوط متروپل، تصادف زنجیره‌ای بهبهان، سر بریده مونا، غرق‌شدن قایق دختران محصل در حوض پارک شهر و... دارد؟ جز اینکه صدای یک فاجعه زیست‌محیطی، سست‌شدن خانواده، سقوط اخلاق و دیگر سقوط‌های معنوی و مدنی را چند نسل بعد، بلندتر خواهیم شنید.

حضرت آیت‌الله! در کمال احترام باید اذعان کرد که نقش‌ها قبلا تقسیم شده و ما مردم فقط قادریم در صف انتظار حوادث عمدی و سهوی، نوبت محتوم خود را با دیگری از این ستون به آن ستون کنیم! مردم در جایگاه مردم مطلقا کوتاهی نداشته‌اند که مستحق این باشند تا در کنار مسئولان مورد عتاب شما قرار گیرند. مسئولان مدت‌هاست که سفره و سهم خود را از مردم جدا کرده‌اند. امروز در خبرها بود طبق آمار رسمی بر اثر مشکلات اقتصادی و تحمیل مصائب فوق طاقت بشری به مردم، ۱۵ میلیون نفر در ایران از بیماری‌های روانی رنج می‌برند. توجه فرمایید که این آمار رسمی است! چه کسی مسئول این پریشان‌احوالی است؟ خود مردم؟ با این استدلال، لابد دولت باید برای اعتراض علیه مردم به خیابان‌ها بریزد و تظاهرات کند!

این از باب احسان و تذکره شما به ایمان بود؛ اما بیایید از زاویه دیگری به موضوع نگاه کنیم: اساسا چه دلیلی در دست هست که بگوییم سازنده برج متروپل بی‌ایمان بود؟ وی که نمازش را می‌خواند، روزه‌اش را می‌گرفت و در همه مراسم‌های مذهبی شرکت می‌کرد. مگر عمدتا همین‌ها نشانه‌های روشن ایمان برای اینکه موفق به کسب امتیازات شویم و تا مراحل بالای یک مسئولیت کلیدی یا یک نورچشمی صعود کنیم، کافی نبوده و نیست؟ از این ظواهر هم که بگذریم چون شما به ایمان بدون ریا و تظاهر تأکید فرمودید، آیا برای مدیریت یک شهر و استان، ایمان و بی‌ایمانی ملاک است یا دانش و تخصص؟ اگر در جست‌وجوی پزشک خوب و حاذق برای درمان خود باشید، از ایمانش پرسش می‌کنید یا از دانش و توان تخصصی‌اش؟ کدام‌یک مهم است؟ -یعنی مدیریت یک کشور پهناور با جمعیت ۹۰میلیونی در این دنیای پیچیده روابط بین‌الملل آسان‌تر از حرفه پزشکی است!- البته چه بهتر که پزشک خوب و متخصص، ایمان هم داشته باشد اما آن بین خود و خدایش است و احدی جز آن دو در سنجش عیار «ایمان» وی قاضی نیست. به جز ذات خداوند، احدی قادر نیست از سمبل‌ها به «محتوا» و برعکس از محتوا به «سمبل»ها برسد. انسان هیچ ابزاری ندارد و در آینده نخواهد داشت تا به انطباق حقیقی سمبل و محتوا حکم کند. ایمان تنها در وادی نفس انسان و وجدان موجود است و به چنگ هیچ ثالث خارجی جز رابطه بین خالق و مخلوق درنخواهد آمد. از این نظر، برخلاف پدیده مرگ که تجربه‌ای است برای دیگری، ایمان تجربه‌ای است تنها برای خود. پس پرسش اساسی را تکرار می‌کنیم: «آن صفتی که به چنگ دانش احدی جز خداوند درنمی‌آید چرا باید مبنای واگذاری مناصب برای مدیریت در این دنیای پیچیده قرار گیرد؟». چنانچه سخت‌گیر نباشیم، بعید هم نیست که این شخص به واقع و در محضر خدای خویش مؤمن باشد اما به میزان توانایی خود در برخورداری از دانش کافی ساخت و تولید یا شایستگی مدیریت انجام کار جاهل باشد که در این صورت، جامعه قطعا متضرر خواهد شد و تحقیقا به همین دلیل است که مدیریت کشور باید در کمترین استانداردهای حکمرانی سیستمی طراحی کرده باشد تا چنین افرادی مجال تباهی و جولان در جامعه نیابند. ازاین‌رو این گفته برخی مسئولان را نمی‌توان پذیرفت که: «در همه جای دنیا حادثه هست، پس در ایران هم هست». باید این را از بنیان باطل دانست چون ایران مثل همه جای دنیا نیست. کدام کشور در این جهان است که علم و تجربه دولت‌شهر دنیای مدرن را بی‌اعتبار بداند؟ نه به اروپا و آمریکا بلکه به این کشورهای همسایه و کمی دورتر که اغلب مسلمان‌اند با هواپیما یک ساعت بعد بر فرازشان پرواز کنید، چه بناهای قشنگ و معماری زیبا که نساخته‌اند و در برابر قوی‌ترین زلزله‌ها و بلایای طبیعی مقاوم است. چه اشکالی داشت که ما نیز مانند این کشورها از آخرین‌های دستاوردهای بشری در ساخت‌وساز و زیباسازی شهر بهره ببریم که در این صورت ایران را جای بهتری برای زندگی خواهیم کرد و هنگامی که ایرانی حس کند جای خوبی برای زندگی است، مطمئن باشید به مقصود کانادا اختلاس نخواهد کرد... آیا اسلام این همسایه‌ها لطمه دید؟

آیا این ساخته‌های زیبا با رعایت همه استانداردها و امکانات فراوان به استحکام ایمان دینی مردمشان منجر نشد؟ بعضی از این کشورها حتی نفت هم ندارند و آنها که مثل ما نفت دارند، مثل ما معادن متنوع، آب‌وهوای چهار فصل، دریای زیبای مازندران، بناهای تاریخی و... ندارند... البته وزیر کشور گفتند که حادثه متروپل یک جنایت بود! اما جانی کیست و مقصر اصلی کجاست؟

حضرت آیت‌الله! محاکمه و مجازات این اشخاص نه عزیزان مردم را به ایشان بازمی‌گرداند، نه تأثیری در پیشگیری از وقوع حوادث مشابهی دارد که روال و ماهیت امور در کشور شده است. پس آیا بهتر نیست به جای محاکمه و مجازات هرروزه سازنده/تولیدکننده داخلی بابت صدمات گسترده مالی و جانی، روش مدیریت خود را تصحیح کنید و قواعد مدرن و پیشگیرانه برای تضمین ساخت بناهای محکم در نظر بگیرید؟ قواعد و ساختارهای متعارفی که ده‌ها سال پیش نویسندگان و متخصصان همه عرصه‌ها به‌روشنی و سادگی تمام نوشته و منتشر کرده‌اند. این فقط کار شماست که مسئولان را نصیحت بفرمایید که به‌عنوان مسئول و ناظر چرا چنین می‌کنند و چرا اجازه تصدی به افراد کاربلد نمی‌دهند؟ چرا به حرف حساب گوش نمی‌کنند و دروازه‌های کشور را به روی دانش جهانی عمران بسته نگه می‌دارند؟ چرا در جهت تعبیه دکترین‌های جدید مسئولیت در تصویب قوانین منفی و بازدارنده اهتمام نمی‌کنند و صدها چرای دیگر. البته از زاویه‌ای دیگر هم می‌توان به پیام شما نگریست: باور صحیح و اعتقاد صائب و ایمان سالم را چگونه باید در افراد جامعه ایجاد کرد؟ مردم که به جان دل قبلا پیام شما را مصداق بخشیده‌اند؛ اما اگر مسئولان کوچک‌ترین توجهی به پیام شما می‌کردند، کمترین نشانه‌اش این بود که حداقل بعضی از مسئولیت خود استعفا دهند؛ مثل بعضی کشورها، البته انتظار نیست مسئول از شدت تأثر خودکشی کند! هرچند به قول آقای هاشمی‌طبا در سرمقاله ۱۲ خرداد «نگران نباشید، خبری نمی‌شود!». «اراده»ای برای تغییر وجود ندارد. این‌طور به نظر می‌رسد که اندک تغییر در سیاست حکمرانی مسئولان، خیلی سخت‌تر از جراحی کل جامعه باشد، مادامی که یک سر سوزن تغییر در سیاست کلان، دریایی از فرصت‌ها و امیدهای بزرگ زندگی را به ارمغان خواهد آورد.

پس به نظر شما آیا ۴۰ سال زمان کافی نیست تا بپذیریم اخلاق جدلی را باید از علم مدیریت جامعه و سیاست عملی جدا کرد؟ تا هریک در جای خود معنا و مفهوم یابد. آیا بهتر نیست در احوالی که ثالث را به آن راهی نیست، دخالت نکنیم و اجازه دهیم همان خداوند قاضی باشد و تنها آن رفتاری را که به چنگ ریاضیات، آمار و ارقام و خط‌کش درمی‌آید، در برابر مردم/بیمار/مشتری/کارگر/کاربر و... با استفاده از علوم انسانی عرفی مسئول بدانیم؟ آیا بهتر نیست مثل همه جای دنیا یک جهان‌بینی عینی (objective) به جای ذهنی (subjective) در مدیریت ایران‌شهر حاکم کنیم؟ در غیراین‌صورت، چه تضمینی هست که این واقعه در آینده تکرار نشود که اصلا این حجم از اتفاق دقیقا به این دلیل بوده و هست که مردم هیچ پایانی بر تکرار این «حوادث شبه‌عمد نزدیک به قصد مجرمانه و تحقیقا و یقینا قابل اجتناب»، متصور نیستند. حوادثی که سرمنشأ غیرعلمی، بی‌مبالاتی سنگین و فساد گسترده است. بله! اتفاق در همه جای دنیا می‌افتد؛ اما در هیچ کجای دنیا نظیر متروپل که علی‌الاصول با علم ۷۰ سال قبل باید در برابر زلزله هفت ریشتری مقاوم می‌بود! بازنشدن ایربگ‌ها در حادثه بهبهان، سر بریده مونا حیدری و... اتفاق نمی‌افتد؛ چون در یک جامعه عینی‌گرا متکی به عقل، همه امکانات و سازوکارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری برای پیشگیری از وقوع این نوع اتفاقات قبلا «اندیشه» شده؛ آنها وقوع حادثه را مدیریت بحران می‌کنند، نه آنکه خودشان دچار بحران شوند! والا مثلا در شهری مانند استانبول که هفت برابر تهران وسعت و ۱۵ میلیون جمعیت (شش میلیون بیشتر از تهران) و چند برابر خودرو دارد، شهرداری باید هر روز به جای جمع‌کردن زباله، اجساد آدم، خودرو و سرهای بریده از سطح خیابان‌ها و اتوبان‌ها جمع‌آوری کند و آمبولانس‌ها در اطراف بیمارستان‌ها برای بردن اجساد ناشی از آلودگی دود خودرو و ریزگردها به صف بایستند... .

ما در قسمت‌های بعدی وارد اصل مطلب شده و علت این وضع را موشکافی و تبیین و راهکارهای برون‌رفت از این مصیبت‌ها را بدون جراحی سخت برای چندین بار به زبانی بسیار ساده‌تر و منسجم‌تر از آن موارد قبلی توضیح خواهیم داد.

***وکیل دادگستری و پژوهشگر در حقوق توسعه**

Pishkhan.com

جدول ۴۲۴۷ • طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- نوعی خرمای شیرین که در خوزستان کشت می‌شود- از کاراکترهای اصلی کارتون فوتبالیست‌ها ۲- ممنوعیت ورود به جایی- ماده‌ای که از سوزاندن شکر به دست می‌آید- نوعی کف‌پوش ۳- بی‌حیا- مجروح- فراموشی ۴- موی پشت لب مرد- طراح- راه و روش عبادت ۵- الکل سفید- خاکستر- نشانه جمع فارسی ۶- پهلوان- سست و بی‌رمق- فرماندهان ۷- پروتئین سلول‌های زنده- آتشدان- برقرارکردن ارتباط تلفنی ۸- درخت کنار- کاخ تاریخی دوره صفوی در اصفهان- کلمه استثنا ۹- نام امام زمان(عج)- موجودیت- دوستان ۱۰- مثل و مانند- از طایفه‌های بلوچ ایران- چله کمان ۱۱- جدید- فلانی- رهاشده از تعلقات دنیوی ۱۲- خرگوش عرب- صفحات داخلی روزنامه- مدال دوم ۱۳- چند رأی- واحد سنجش فرکانس- آخرین حد چیزی ۱۴- رختکن حمام قدیمی- سقف شیشه‌ای متحرک خودرو- آسانی ۱۵- خواهش و درخواست- نخستین ساکنان اروپایی این کشور محکومان و تبهکاران بودند.

عمودی:

۱- پاک‌تر- گلی زیبا- پدران ۲- از القاب اروپایی- در حال رشد- بیماری گشادشدن سیاهرگ ۳- نیرومندکردن- از اجزای تخم‌مرغ- درآمد نامشروع با امکانات دولتی ۴- جعلی و ساختگی- سمت راست- ضربه سر در فوتبال ۵- نازل‌شده در مکه- نصف آجر- از ظروف آشپزخانه ۶- از الحان باربدی- نخجیر- واضح و قابل شنیدن ۷- مخفف اگر- تندرستی- مخترع پیل الکتریکی ۸- عقیم- یک‌دنده- شهری در لرستان ۹- قارچ ذره‌بینی در خمیر ترش- از درجات نیروی دریایی- خاک سفالگری ۱۰- از پسران فریدون پیشدادی- موزیک نظامی- تحریم ۱۱- کبوتر صحرایی- از ماشین‌آلات کشاورزی- گریزگاه ۱۲- صدای کلفت- کمیابی- خبرگزاری دانشجویان ۱۳- واحدی برای اندازه‌گیری وزن فلزات گران‌بها- سرشماری- کاهش‌دادن ۱۴- حالت انقباض غیرارادی عضله دیافراگم- دانشگاه مشهور قاهره- بله ایتالیایی ۱۵- آینده- منظومه‌ای سروده نیما یوشیج- فریاد شادی

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱									■						
۲				■							■				
۳		■					■					■			
۴					■					■					■
۵	■							■					■		
۶			■						■					■	
۷						■					■				
۸				■								■			
۹					■					■					
۱۰		■					■						■		
۱۱			■					■							■
۱۲	■					■					■				
۱۳				■					■					■	
۱۴					■							■			
۱۵							■								

حل سودوکو سخت

۴	۳	۹	۸	۷	۶	۱	۵	۲
۶	۲	۸	۵	۳	۱	۹	۴	۷
۱	۵	۷	۴	۲	۹	۳	۸	۶
۹	۶	۱	۷	۴	۸	۲	۳	۵
۸	۷	۲	۶	۵	۳	۴	۹	۱
۵	۴	۳	۹	۱	۲	۶	۷	۸
۷	۹	۴	۲	۶	۵	۸	۱	۳
۳	۸	۶	۱	۹	۷	۵	۲	۴
۲	۱	۵	۳	۸	۴	۷	۶	۹

حل سودوکو ۳۲۴۲

۹	۴	۶	۱	۲	۵	۸	۷	۳
۳	۵	۲	۴	۷	۸	۶	۹	۱
۷	۸	۱	۳	۶	۹	۵	۴	۲
۶	۷	۸	۲	۱	۳	۴	۵	۹
۵	۱	۴	۷	۹	۶	۲	۳	۸
۲	۳	۹	۸	۵	۴	۷	۱	۶
۱	۹	۷	۶	۴	۲	۳	۸	۵
۸	۶	۵	۹	۳	۷	۱	۲	۴
۴	۲	۳	۵	۸	۱	۹	۶	۷

حل جدول ۴۲۴۶

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ا	ت	■	ک	ی	ا	■	چ	ا	ن	ب	■	ر	ی	ا
۲	د	ن	ا	ر	ا	م	■	ش	ا	ع	ر	ک	و	ل	ی
۳	م	■	ک	و	د	ک	ا	ن	■	ل	ه	ب	■	ت	ت
۴	ک	ل	ا	چ	■	ا	ن	ت	ن	■	ه	ر	ا	س	■
۵	ش	ه	د	■	پ	ن	گ	و	ی	ن	■	ا	ی	ی	ن
۶	■	ی	م	ی	ن	■	م	ل	ا	ی	م	■	م	ن	گ
۷	پ	د	ی	د	ا	ر	■	د	ب	س	ت	ا	ن	■	ر
۸	س	ه	■	ک	ل	و	خ	■	ت	ا	د	ب	■	ف	ا
۹	و	■	ن	ی	ت	ر	ا	ت	■	ن	ا	و	گ	ا	ن
۱۰	ن	ن	گ	■	ی	و	م	ی	ه	■	و	ی	ا	ر	■
۱۱	د	ک	و	ر	■	ک	و	ر	م	ا	ل	■	و	س	ع
۱۲	■	و	ن	و	س	■	ش	و	ل	ی	■	د	ا	ی	ر
۱۳	خ	ن	■	د	م	غ	■	ی	ت	ی	م	چ	ه	■	ف
۱۴	ن	ا	پ	ل	ی	و	ن	ی	■	ن	ه	ا	ن	ز	ا
۱۵	ک	م	ک	■	ر	ک	و	د	■	ه	د	ر	■	م	ن

سودوکو سخت ۳۲۴۳

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

			۸	۴			۹	
			۲		۵	۳		۴
							۷	
	۸					۹	۲	۶
۹	۵			۲			۴	۷
۲	۱	۶					۵	
	۷							
۶		۱	۵		۹			
	۹			۱	۲			

سودوکو ساده ۳۲۴۳

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

		۷		۶	۵	۱		
	۹		۲				۶	۷
	۶		۸	۱				۹
۵					۶	۲	۹	
	۱	۹				۷	۴	
	۲	۴	۱					۶
۴				۹	۲		۱	
۱	۷				۸		۲	
		۲	۳	۴		۶		

مدیریت شهری در ابهام

طراحی سیمای خیابان به‌جای مدیریت منظر خیابان

محمد آتشین‌بار
معمار منظر شهری

ادراک ما از شـهر که آن را منظر شـهری می‌نامیم، برآمده از مؤلفه‌های متعددی است. ازآنجاکه اقسـام فضاهای شـهر، بخش‌های متنوع خیابان را شکل می‌دهند، می‌توان ادعا کرد اساسـا جوهر درک ما از شـهر، براساس فهم خیابان استوار شـده و به تبع آن، خیابان از مهم‌ترین مؤلفه‌های سـازنده منظر شهری اسـت. میراث باقی‌مانده از نهضت مدرنیسم (برگرفته از الگوی دکارتی) که شـهر را موجودیتی مسـتقل از انسان می‌بیند و ردپای آن در طرح‌های جامع شـهری ایران نیز به‌وضوح مشاهده می‌شود، خیابان را مجموعه‌ای از توده و فضا می‌داند که به‌صورت مسـتقل از هم وجود دارند. در مقابل، دیسـیپلین‌های جدید از جمله منظر که برگرفته از نگاه پدیدارشناسانه است، شهر را یک کل می‌پندارد که نحوه ارتباط نمادهای تولیدشده در آن، عامل ادراک شهروندان از شهر است. این در حالی است که اغلب تصمیم‌گیران، درک درسـتی از شهر به‌مثابه یک کل پدیدارشناسانه ندارند و آن را با استفاده از الگـوی دکارتی طراحی اجزا، طراحی می‌کنند. بخش بزرگی از احسـاس عدم‌مطلوبیت فضاهای شـهر تهران پس از انقلاب اسـلامی، نتیجه تنزل وجه کیفی خیابان‌هاست که در افکار عمومی از آن، به «اغتشـاش بصری» یاد می‌شود. مشـکل اصلی خیابان‌ها در طول چهار دهه مدیریت، توجه صرف به توده آن، یعنی نمای سـاختمان‌ها، هم‌جواری و سبک معماری اسـت و خود خیابان به‌مثابه یک کل مغفول مانده است؛ امری که برآمده از نگاه مدرنیسـتی طرح جامع به شهر اسـت. ساده‌ترین مثال این گفته، تقسـیم خیابان به‌عنوان مرز فیزیکی مناطق اسـت که دستخوش تصمیمات متفاوت مدیریت مناطق شده و کلیت خیابان نیز از این تنوع تصمیم متأثر می‌شـود. مدیریت شـهری که درصدد یکپارچه‌سازی و هویت‌بخشی به توده‌های منقطع یک خیابان است، قوانین یا راهکارهایی را به مالکان ارائه کرده که «کمیته نما» از متأخرترین آنهاست. البته اقدامات این کمیته با توجه به هزینه‌های مسـتقیم و غیرمستقیم منابع مالی و انسانی نتوانسـته نتیجه رضایت‌بخشی داشته باشد. شهر سفید عشق‌آباد را می‌شود اوج هماهنگی سلیقه مدیریت شهری، قوانین و کمیته‌های محدودکننده دانست: مونومانتالیسم، تکرار و تک‌رنگی، مهم‌ترین ویژگی‌های منظر این شهر است که با وجود دنبال‌کردن هدف ارائه تصویر نوین از عشق‌آباد به‌عنوان نماینده ترکمنستان، به نماسـازی وارداتی تنزل یافته اسـت. خیابـان نواب مثالی دیگر از این نگرش اسـت که به‌لحاظ رعایت مقررات همسان‌سـازی نما، نمونه‌ای کامل محسوب می‌شود اما مخاطب در آن، نه‌تنها حس مطلوبیت ندارد بلکه ارزش‌های بصری آن را نیز زیر سؤال می‌برد. وجه مشترک هر دو نمونه، دسـتوری‌بودن نماسازی است؛ امری که در دوره هوسمان در پاریس نیز اتفاق افتاد و امروزه، با وجود تولید یک ارزش زیبایی‌شناسـی در منظر شهر، مورد انتقاد صاحب‌نظران است. نهضت فاسادیسم (نماگرایی) هوسمان در پاریس اگرچه از جاذبه‌های شهر محسوب می‌شـود، اما متهم به برخورد موزه‌ای و ابژکتیو با خیابان است؛ ازاین‌رو باید توجه داشـت که نما، به‌خودی‌خود، نمی‌تواند در شـهر، نقش ادراکی ایفا کند و نهایتا، در بهترین حالت، مانند یک اثر هنری تلقی شـده و حائز ارزش‌های بصری خواهد شد. آنچه از مقوله نما، برای شهر و ادراک مخاطب اهمیت دارد، نحوه ارتباط و تعامل آن با سایر عناصر خیابان اسـت؛ نه جسمِ آن. در نگاه کل‌نگر، شهر، یک سیستم و خیابان، زیرسیستم آن است که خود، متشـکل از زیرسیستم‌های جزءتر است. نمای خیابان، از جمله این زیرسیستم‌های جزء است. چنانچه هریک از این زیرسیستم‌های جزء مثل کف‌سازی، نورپردازی، طرح کاشت، مبلمان و...، نتواند با نما و سـایر آنها ارتباط معنادار پیدا کند، مجموعه، دچار اشکال شده و به‌تناسب آن، سیستم کلی شهر، مختل می‌شود. اتفاقی که امروزه شاهد آن هستیم، طراحی نماهای شهر به‌صورت مستقل و بدون درنظرداشتن نقش سیستمی آنهاست که از دو بعد قابل بررسی است: اول، فقدان سیاست‌گذاری مدیریت خیابان‌های تهران در برنامه مدیریت شـهری باعث شـده نقش این مؤلفه که مجموعه کلان‌تر در راهبری نماست، مبهم باشد. گویی اصالت خیابان‌های شهر، تنها معطوف به نقش دسترسی آنهاست و ابعاد معنایی آن در اولویت‌های چندم قرار دارد. به عبارت دیگر سیاست مشخصی برای مدیریت خیابان‌های سـاختاری تهران و خیابان‌های فرعی‌تـر آن وجود ندارد؛ برای مثـال، نمایی که در خیابان انقلاب طراحی می‌شـود، با نمای یک خیابان تجاری فرعی در محله‌ای مسـکونی تفاوت ندارد. تنها، ضوابط و مقررات شهرسـازی و نظام مهندسـی تعیین‌کننده است. دوم، ارتباط نمای طراحی‌شده با مجموعه پیرامونی خود، کم‌رنگ و حتی غایب است و هر پلاک، نتیجه سلیقه مستقل و فردی است. اگرچه تنوع ناشی از سلایق، اصالتا مطلوب به نظر می‌رسد، اما محدودنکردن آن نیز منشأ اغتشاش بصری است که امروز با آن مواجهیم. به‌همین‌دلیل تأکید فزاینده مالکان و مدیریت شهری بر کیفیت طراحی و اجرای نما، همچنان نتوانسته مطلوبیت لازم را برای شهر به‌همراه داشته باشد.

یادداشتی درباره هویت تاریخی سبزه‌میدان و تحولات آن

سبزه‌میدان؛ از سیاست تا تجارت

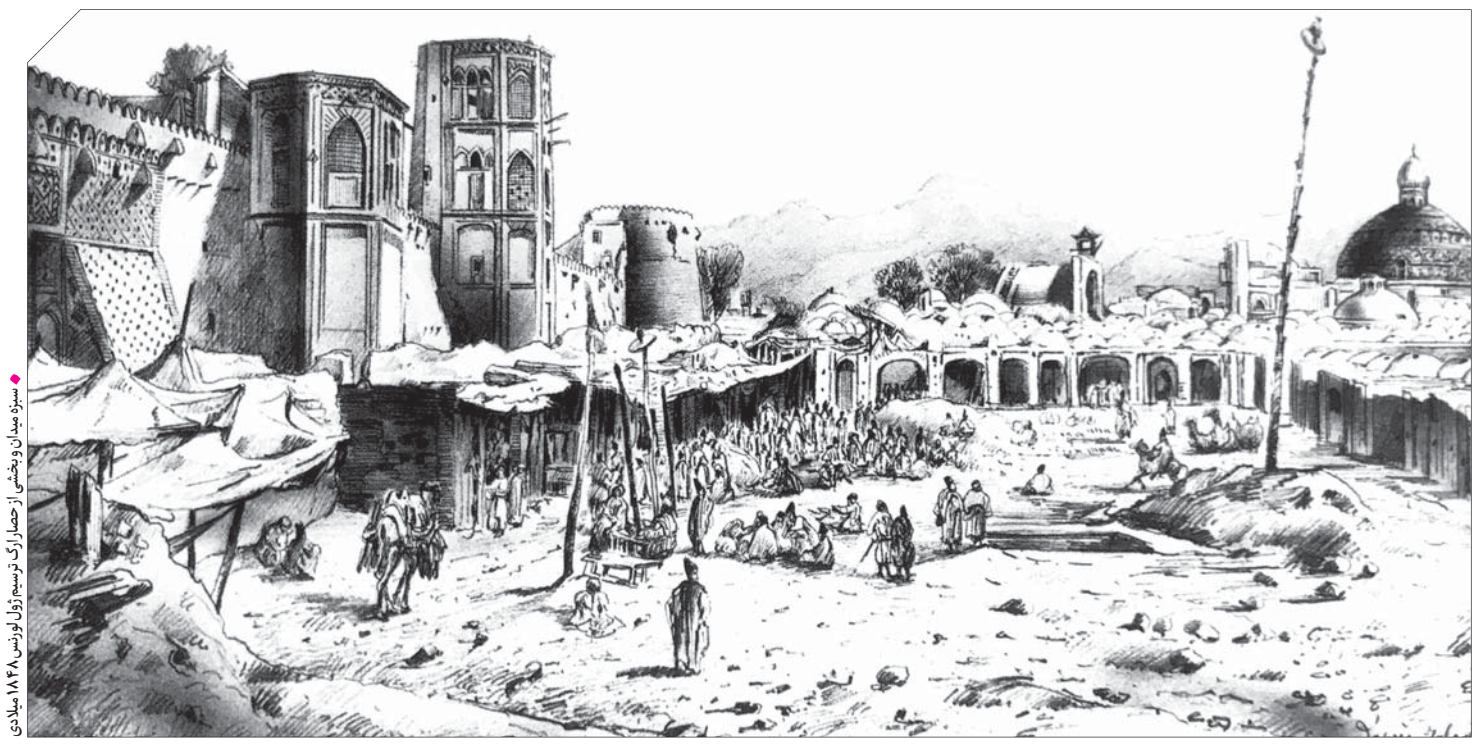

• سبزه‌میدان و بخشی از حصار ارگ ترسیم ژول لورنس ۱۸۴۸ میلادی

فرزاد رستمی‌فر
شهرساز

سـبزه‌میدان یکی از قدیمی‌ترین میدان‌های تهران، در مرکز تاریخی شـهر، در خیابان ۱۵ خرداد فعلی (جباخانه یـا جبه‌خانه و در حد فاصل خیابان ناصرخسرو و خیام قرار دارد. این میدان در جنوب ارگ سلطنتی (مجموعه کاخ گلستان) و در ابتدای بازار بزرگ تهران واقع شده است. این نوشته نگاهی تحلیلی دارد به این میدان، هویت و سیر تحولات تاریخی آن به مثابه نخستین فضای شهری در تهران پس از پایتخت‌شدن آن.

به جرئت می‌توان سبزه‌میدان را نخستین فضای شهری در تهران پس از پایتختی برشـمرد که براساس یک طرح شهری، بازآفرینی و سـاماندهی شده اسـت. اهمیت این موضوع بدان حد است که به تنهایی تاریخ کاربسـت این دانش مـدرن را در تهران تا یک قرن به عقب می‌کشاند. طرحی که امیرکبیر به حاجب‌الدوله دستور انجام آن را می‌دهد و بر اساس آن کارکرد این فضای شهری از نماد اعدام و سیاسـت به تجارت تغییر اساسی می‌یابد. شـاید گزافه نباشد اگر بتوان ادعا کرد بن‌مایه تمامی تغییرات در دوران‌های بعد تا پیروزی انقلاب اسـلامی همین تغییرات پیش‌گفته بوده اسـت. اما پس از انقلاب و خصوصا پس از جنگ سـاخت بـازار زیرزمینی در مدخل یکی از اصلی‌ترین راسته‌های بازار بزرگ تهران یعنی راسته کفاش‌ها تیر خلاصی شـد بر حیات و زندگی شـهری در این فضای تاریخی. فضای شهری تاریخی‌ای که کمتر مستشرقی که به تهران آمده بود در توصیف آن قلم نزده بود یا نقشـی ترسـیم نکرده بود. وخامت مداخله به حدی بود که حتی بازپیرایی‌های انجام‌شده پس از آن و در دهه اخیر نیز نتوانست توفیقی در بهبود شرایط و احیای ساختاری درخور این فضای شـهری ایجاد کند. در حال حاضر گویی نقاشـی معوجی اسـت بیرون‌افتاده از آب در بی‌اعتنایی و دهن‌کجی به آن همه آرزومندی که امیرکبیر برای ایران آن روز و امروز داشت. سؤال اساسی درست همین‌جا مطرح است که پس از این همه مداخلات نامنطبـق و سـعی و خطا و دلایـل متعدد درخصـوص ضرورت بازسـازی و احیای این فضای شـهری تاریخی رویکرد مناسب کدام است و دامنه مداخلات براساس آن رویکرد مناسب تا کجا را شامل خواهد شد؟

نام دیگر سـبزه‌میدان، میدان تخته‌پل بوده اسـت. همان‌طورکه اشـاره شـد، سـبزه‌میدان یا میدان تخته‌پل در خیابان جباخانه قرار داشـته و این خیابان کـه از پرکردن خندق جنوبـی ارگ و افزودن کوچه لب خندق بر آن در زمان ناصرالدین شـاه پدید آمده بود، قبلا با پلی چوبی به نام تخته‌پل که روی خندق بسـته شده بود و سپس به‌وسیله دروازه سـردر نقاره‌خانه با ارگ مربوط می‌شد و به همین علت هم خیابان و هم میـدان جنب آن را خیابان تخته‌پل و میدان تخته‌پل می‌نامیدند. از وضع نخستین میدان تخته‌پل یا سبزه‌میدان، ژول لورنس فرانسوی در سال ۱۳۶۵ ه.ق. طرحی ترسیم کرده است که دکان‌های اطراف میدان و سایه‌بان‌های کرباسی و برج‌ها و حصار ارگ و... به‌خوبی در آن نمایان است و دیرک بلند قاپوق نیز در وسط میدان دیده می‌شود.

در سـال ۱۲۶۸ه.ق. یعنی در چهارمین سال سلطنت ناصرالدین شـاه، حاج‌علی مقدم مراغه‌ای (حاجب‌الدوله) به دستور امیرکبیر، تغییـرات عمـده‌ای در وضع میـدان می‌دهد و آنجـا را به کلی از وضع نامطبـوع و آلوده قبلی بیرون مـی‌آورد. در این زمان بناهای اطراف سـبزه‌میدان در دو طبقه ساخته شد و در اختیار بلورفروشان قرار گرفت. حوض آب بزرگی نیز در وسـط میدان سـاخته شد. آب قنات‌هایـی که به ارگ می‌رسـیدند، به این مکان می‌آمد سـپس از همیـن محل آب دو قنات پرآب مهرگرد و شـاه به محلات مختلف شهر تهران فرستاده می‌شد.

روند تغییرات سبزه‌میدان تا انقلاب اسلامی

با توجه به نقشـه تهران که در زمان سـلطنت ناصرالدین شـاه تهیه شده است، می‌بینیم که سبزه‌میدان فضایی محصور بوده که از شمال توسـط دروازه‌ای مجلل به ارگ سلطنتی راه داشته، در ضلع جنوبی آن دهانه اصلی بازار واقع بوده و دو دهانه دیگر در شـرق و غرب داشته است که دهانه شرقی به بازار کنار خندق و دهانه غربی به بازارچه صندوقدار مربوط می‌شده است و همچنین این میدان بر سر راه دروازه قزوین در غرب و دروازه حضرت عبدالعظیم در جنوب تهران واقع بوده است.

در سـال ۱۲۹۳ه. ق. در سـبزه‌میدان تعمیراتـی انجام گرفت و حجره‌هایی بر بالای مغازه‌ها افزودند. سبزه‌میدان در زمان ناصرالدین شاه، علاوه بر مرکزیت تجاری که یافته بود، هنوز مرکز تجمع اهالی تهران در مراسم‌های مختلف بود. از جمله ماه محرم و به‌خصوص روز عاشورا که دسته‌های محلات شـهر در کوچه و بازار به حرکت درمی‌آمدند، همگی در سـبزه‌میدان جمع می‌شـدند و به عزاداری و سـینه‌زنی می‌پرداختند. میدان، گنجایـش جمعیـت عظیمی را داشت و محل برگزاری تعزیه‌های بزرگ بود. حتـی زمانی که تکیه دولت در محوطه ارگ سـلطنتی برپـا شـد، خللـی در اجـرای برنامه‌هـای سـوگواری مردم در سـبزه‌میدان پدید نیامد. همچنین سبزه‌میدان در طول تاریخ پیدایی خـود، همـواره به‌عنوان سـنگر و مرکـز مردمـی نقش بسـزایی داشته اسـت. در جریان مشروطیت و حوادث اولیه آن با سرکردگی عین‌الدولـه صدراعظم مظفرالدین شـاه، انقلابیـون در این میدان سرکوب شـدند و خون‌های زیادی در این مکان ریخته شد. با صدور فرمان مشـروطیت توسـط مظفرالدین شاه، شـهر چراغانی شد و جشن و سرور در همه جا برپا شـد. سبزه‌میدان مرکز ثقل این سرور و شادمانی بود.

> سـبزه‌میدان در زمان ناصرالدین شـاه، علاوه بر مرکزیت تجاری، هنوز مرکز تجمع اهالی تهران در مراسم‌های مختلف بود. از جمله ماه محرم و به‌خصوص روز عاشورا همگی در سبزه‌میدان جمع می‌شدند و به عزاداری و سینه‌زنی می‌پرداختند. میدان، گنجایش جمعیت عظیمی را داشت و محل برگزاری تعزیه‌های بزرگ بود. حتی زمانی که تکیه دولت در محوطه ارگ سـلطنتی برپا شـد، خللی در اجرای برنامه‌های سوگواری مردم در سبزه‌میدان پدید نیامد.

در دوره پهلوی اول همگام با رشد سریع شهر، حصار قاجاری شهر همراه با دروازه‌های آن منهدم شد و خیابان‌های جدید احداث شد. در همیـن زمان خیابان جبه‌خانه تعریض و به خیابان بوذرجمهری تغییر نام داد. راسـته بازارهایی که منشعب از دهانه شرقی و غربی سـبزه‌میدان می‌شـدند (بازار صندوقدار و بازار کنار خندق) تخریب شدند. در این دوره تغییرات زیادی در فضای سبزه‌میدان پدید آمد که مهم‌ترین تغییرات عبارت‌اند از: ضلع شمالی سبزه‌میدان تخریب شد و بزرگ‌ترین ضربه به کالبد این میدان تاریخی وارد آمد و باعث شـد که سبزه‌میدان، شکل محصور اولیه خود را از دست بدهد.

سـقف دهانه بازار و بناهـای اطراف آن به شـیروانی و فضای رواق‌های اطراف میدان به مغازه تبدیل شد و در نتیجه فضای میدان کوچک‌تر از سـابق شـد. علاوه بر اینها، حوض وسـط میدان پر شد و به جای آن باغچه‌ای سـاخته شد. در نقشـه‌ای که از سبزه‌میدان توسط محمدحسـین‌خان زنگنه فرزند محمدحسـن‌خان زنگنه در سال ۱۲۷۷ه.ق. ترسیم شده، وضعیت میدان و دکان‌ها و مغازه‌ها و محل ورود و خروج و دهانه بازار و... به‌خوبی نمایان اسـت. فضای سبزه‌میدان کاملا متقارن بوده و دهانه‌های بازار در سه سوی جنوب، شرق و غرب روی محورهای تقارن طولی و عرضی میدان، در قالب ایوان‌هایی با ابعاد وسیع‌تر از دهانه‌های اطراف، شاخص است. این سـه ایوان به عنوان پیش‌فضایی برای ورود به بازار اصلی، بازار کنار خنـدق و بازار صندوقدار به خوبی تعریف شـده بود. وجود آبنمای وسـط میدان عامل دیگری برای تأکید تقـارن در میدان بود. دروازه تخته‌پل که در گوشه غربی ضلع شمالی میدان قرار داشته به دلیل شـکوه و عظمتی که داشـت و به صورت منفـرد در میدان ظاهر می‌شـد، خبر از اتفاق مهمی می‌داد که در ورای میدان قرار داشت، یعنی وجود کاخ‌های سـلطنتی. سبزه‌میدان با بار اجتماعی فراوانی که دارد فضایی است که جدا از ساختمان‌های اطرافش وجود دارد. در وهلـه اول، فضای میدان اسـت که مطرح می‌شـود بعد کالبد آن. این فضای به‌یادماندنی باید حفظ شـود، زیرا تهران با از دسـت دادن این نقطه مهم تاریخی جایگاه مهمی را از دسـت می‌دهد، که نتیجـه‌اش بی‌هویتی فرهنگی خواهد بود. نـه محض اینکه در مورد اعتنا به بازار کهن و تاریخی تهران، بنایی در میانه میدان ساخته شد این فضا منهدم شد و مدخل بازار بزرگ تهران و مرکز تاریخی، سنتی، سیاسـی و فرهنگی شهر به مرگ تدریجی دچار گردید.

در اینجاسـت کـه نیـاز بـه دستورالعمل‌های جامع پیرامون طراحـی این‌گونه سـاختارهای جدید که ضمن حفظ ارزش‌های موجـود و ارتبـاط بـا گذشـته بیان‌کننده روح زمان خود باشـند، نمود می‌یابد. در این راسـتا بیش و پیش از هر چیز، در نظر گرفتن اصول پذیرفته‌شـده جهانی، در این مورد ضرورت خواهد داشـت. مرمت یک بنا، نگهـداری، تعمیر یا دوباره‌سازی آن نیست، بلکه دوباره برقرارکردن آن در یک وضعیت کامل اسـت که هرگز در چنین زمانی نمی‌تواند وجود داشته باشد. اینجاسـت که مسـئله اصالت و صحت تصمیم‌های مرمت‌کننده مطرح می‌شود. در ادامه و تداوم این اقدامات واژه پراهمیت حفاظت است که اساس و شـاکله این گفتار است. همان استخوان‌بندی‌ای که به بخش قابـل توجهی از توقعات اصول مصوب منشـورهای بین‌المللی درمورد مرمت شـهری پاسـخ داده و زیرسـاخت اقدام نهایی یعنی احیا و اسـتقرار کارکرد مناسـب را موجب خواهد شد. به‌طور خلاصه پیشنهاد بازسازی برای این فضای تاریخی را می‌توان چنین عنوان کرد: مرمت براسـاس تقدم فرمی آخرین دوره تاریخی معتبر و دوخت و دوز مناسـب این فضای شهری به شکلی پاسخ‌گو بـه محیط و زمینه اطراف آن و حذف همه الحاقات نامعتبر اخیر از چهره اصلی این میدان منحصر به فرد در تهران معاصر، تهرانی که باید زیست‌پذیر، الگووار و انسان‌محور باشد برای همه.

Pishkhan.com

تمدن، مدنیت و فضاهای همگانی مدنی

بابک شکوفی
معمار

تاریخ‌نگاران معتقدند تمدن انسانی براساس همکاری هماهنگ میان انسـان‌ها پدید آمده و هرچقدر این نظام همکاری پیشـرفته‌تر و تعداد افراد هماهنگ با هم بیشـتر می‌شـد، آن تمـدن قدرت و شـکوفایی بیشـتری پیدا می‌کرد؛ مثلا همکاری هماهنگ ۵۰۰ نفر یک روسـتای آباد و همکاری هماهنگ ۵۰ هزار نفر یک دولتشهر را تشـکیل می‌داد. این هماهنگی‌های کارکردی، رفتاری و اخلاقی که بنیان تمدن‌های کهن را تشکیل می‌داد، مستلزم تعاملات اجتماعی موفـق میان اعضای آن جامعه بود و ایـن تعامل اجتماعی هم در فضاهای همگانـی اتفاق می‌افتـاد، پس پربیـراه نخواهد بود که فضاهای همگانی را گهواره مدنیت بدانیم.

بررسی نحوه توسعه اولین سکونتگاه‌های انسانی نشان می‌دهد که حتی در روند شـکل‌گیری دهکده‌ها، فضاهای باز نسبتا وسیعی میان کلبه‌ها شـکل می‌گرفت که مالکیت همگانی داشت و نقش میـدان عمومی دهکـده را بازی می‌کـرد. در ایـن میدان‌ها انواع تعاملات مختلـف اجتماعـی و اقتصـادی از بازارچه‌های محلی هفتگی تا مراسم‌های آیینی و جشن‌ها برگزار می‌شد.

در روند شکل‌گیری شهرها نیز فضاهای همگانی در مقیاس‌های مختلـف محله‌ای یا شـهری پدیـد آمدند و نقش‌هـای مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی متنوعی را در چارچوب زیست مدنی بر عهده گرفتند. میدان‌های همگانی شـکل‌گرفته در شهرها علاوه بر نقش خدماتی، یک نقش هویتی بسـیار مهم نیز برای شهروندان ایفا می‌کردند، زیرا بستری بودند برای ایجاد حافظه بصری و تاریخی مشـترک برای اهالی یک شـهر کـه در تقویت حس همبسـتگی اجتماعی و مدنی بسیار مؤثر بود. همچنین مهم‌ترین بناهای عمومی شـهر در کنار این میدان‌ها شـکل می‌گرفت و در اهمیتشان همین بس که یادآور شـویم اکثر افراد پس از شنیدن کلمات «اصفهان» یا «یـزد» بلافاصله با تصویر میدان نقش جهان یا میدان امیرچخماق در ذهنشـان مواجه می‌شـوند. فضاهای همگانی شهری که به دو گـروه اصلی میدان‌های پیاده (فضاهای مکث و اسـتقرار) و معابر پیاده (فضاهای گذر) تقسیم می‌شوند، با وجود اهمیتشان در جریان توسعه شهرهای ما در یک قرن گذشته شدیدا مورد غفلت قرار گرفته و نادیده گرفته شده‌اند، زیرا این توسعه شهری بیشتر خودرومحور و ساختمان‌محور شکل گرفت تا انسان‌محور.

در ایـن دوران خیابان‌ها و معابر شـهری تنها بـا توجه به عبور خودرو ساخته شـدند و پیاده‌روها مورد بی‌توجهی قرار گرفته یا کلا حذف شدند. همچنین میدان‌های ساخته‌شده در شهرهای ما در واقع گره‌های ترافیکی‌ای بوده‌اند که به‌اشتباه نام میدان به آنها داده شد. با توجه به اینکه هم‌اکنون بخش اعظم جمعیت جهان در شـهرها زندگی می‌کنند و فضاهای عمومی شـهری نیز مهم‌ترین زیسـتگاه مشترک انسان‌ها محسوب می‌شوند، نمی‌توان حقوق اولیه انسانی در این زیسـتگاه را نادیده گرفت. برای رسیدن به معیارهای مطلوب زیسـتی مطابق با حقوق بنیانی انسانی، اجتماعی و رفاه شهروندان باید در نگاه به توسـعه شـهری تجدید نظر اساسـی صورت گیرد. مسـئله حقوق عمومی شهروندان به فضاهای شهری در دهه‌های گذشته به‌وسیله جنبش‌های اجتماعی و متفکران حقوق اجتماعی جهت تأمین حقوق بنیادین بشـر مورد بررسـی و صورت‌بندی‌های جدید قرار گرفته اسـت. این حق یکی از انواع حقوق بشـری است که در اسـناد بین‌المللی و داخلی کشورها نیز شناسایی شده است. اگرچه در سال‌های اخیر بخشی از جامعه تخصصی در حوزه توسعه شـهری مطالعات خود را به حق شـهروندان بر فضاهای شهری و اهمیـت آن معطوف کرده‌اند اما ایـن موضوعی منحصر به دانش شهرسـازی نیست و از منظر حقوقی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. پایداری اجتماعـی (social sustainability) یکی از مفاهیم مرتبط با توسعه پایدار اسـت که در نیم‌قرن گذشته در برنامه‌های توسعه کشورهای مختلف وارد شـد. پایداری اجتماعی به توانایی جامعه بـرای حفظ و نگهـداری ابزارهای ضـروری ایجاد ثـروت و رفاه و مشارکت اجتماعی برای گسترش یکپارچگی و انسجام اجتماعی و انسجام مدنی اشـاره می‌کند و به عنوان یک مفهوم، به‌دنبال حفظ و ثبات مؤلفه‌هـای اجتماعی و فرهنگی جامعـه در پیوند با ابعاد زیسـت‌محیطی و اقتصادی اسـت. در فرایند توسـعه پایدار، نقش پایداری اجتماعی در تحقق اهداف بسیار حائز اهمیت است. در سال ۲۰۱۴ تحقیقات دامنه‌داری در دانشـگاه بین‌المللی مالزی انجام و نتایج آن به‌صورت مقاله‌ای آکادمیک منتشر شد، این تحقیق به‌طور مستند نشان می‌داد که ارتباط مستقیمی میان توسعه میدانگاه‌های پیاده شهری و ارتقای مؤلفه‌های پایداری اجتماعی وجود دارد.

به این ترتیب ملاحظه می‌شـود که ما در زمینه توسعه فضاهای همگانی شـهری هم در سطح مدیران شـهری و کشوری و هم در سـطح متخصصان به نگاهی تـازه به این مقوله بسـیار مهم نیاز داریم. این امر را نه‌تنها در طرح‌های توسـعه شهرهای جدید بلکه باید حتی مهم‌تر از آن در ساماندهی مجدد فضاهای شهری موجود جست‌وجو کرد. ساماندهی فضاهای شهری موجود براساس ایجاد و توسـعه فضاهای همگانی پیاده ممکن است در نگاه اول مشکل به نظر برسـد زیرا ما با بافت‌های شهری شکل‌گرفته و تا حد زیادی تثبیت‌شده مواجه هستیم که دستکاری و دخل و تصرف در آن ساده نیسـت، بااین‌حال تجربیات متعدد جهانی و داخلی نشان می‌دهد این امر امکان‌پذیر اسـت و در صورت داشتن یک برنامه مطالعاتی و طرح اجرائی همه‌جانبه‌نگر می‌توان حتی فضاهای میانی توده‌ها و احجام شهری شکل‌گرفته فعلی را به نحوی مورد بازنگری و اصلاح قرار داد که تا حد زیادی به استانداردهای یک فضای همگانی موفق و پویا تبدیل شـود. این تحـول قدم مهمی در بازگرداندن شـهر به شهروندان محسوب می‌شود.

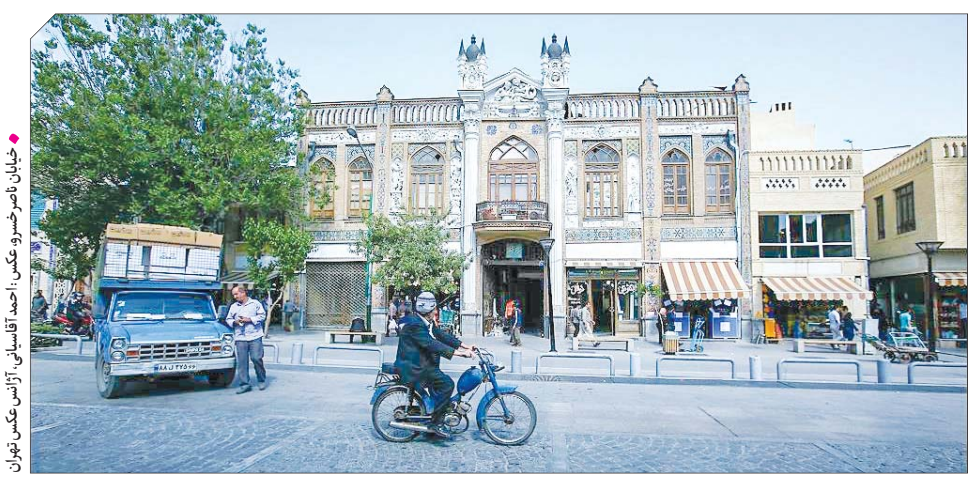

• خیابان ناصرخسرو، عکس: احمد آقابیانی، آژانس عکس تهران

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
پنجشنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۱ • ۱۶ ذی‌القعده ۱۴۴۳ • ۱۶ ژوئن ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۳۰۴ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۵ • اذان مغرب ۲۰:۴۳
اذان صبح فردا ۴:۰۱ • طلوع آفتاب ۵:۴۸

روزنامه شرق

دیالوگ روز

گاوخونی - بهروز افخمی - ۱۳۸۱

راوی (بهرام رادان): بابا... راسته میگن مادر من از دست تو دق کرد و مرد؟ پدر (عزت‌الله انتظامی): نه من از دست مادرت دق کردم.
- ولی وقتی تو مردی مادرم زنده نبود. - بله زنده نبود ولی هر شب خوابشو می‌دیدم.
- منم هر شب خواب تو رو می‌بینم.
- ههه... پس بپا دق نکنی.

متروپل زاییده جوامع کوتاه‌مدت

کامران امامی*

ساخت پل کبک کانادا در سال ۱۹۰۰ شروع شد و چهار سال بعد این سازه در حال شکل‌گیری بود. همه‌چیز خوب پیش می‌رفت تا اینکه در تابستان سال ۱۹۰۷، زمانی که ساخت پل رو به اتمام بود، مهندسی جوان به نام نورمن مک‌کلور متوجه اعوجاج رو به رشدی در اعضای اصلی سازه پل شد. او به‌شدت نگران شد و طی نامه‌هایی پی‌درپی موضوع را به مهندس ناظر تئودور کوپر اطلاع داد و کوپر در پاسخ گفت که این مسئله مهمی نیست. ولی در ۲۷ آگوست آقای مک‌کلور به روشنی فهمید که سازه ایرادی جدی دارد. او بلافاصله این موضوع را به کوپر اطلاع داد. این‌بار کوپر قبول کرد که خطر جدی است و بی‌معطلی طی تلگرافی از شرکت پل فونیکس، که ساخت پل کبک را بر عهده داشتند، خواست که تا وقتی پل بررسی نشده هیچ بار دیگری به پل اضافه نشود. متأسفانه این پیام زمانی به کبک مخابره شد که خیلی دیر شده بود. همان روز بعدازظهر، درحالی‌که زمان زیادی از شروع ساخت پل می‌گذشت، بازوی جنوبی و قسمتی از بخش مرکزی پل در عرض ۱۵ ثانیه به درون رودخانه سنت لورنس فروریخت. کشته‌شدن ۷۵ نفراز ۸۶ کارگری که آن روز در حال کار بودند این اتفاق را به فاجعه‌بارترین سانحه پل‌سازی در جهان تبدیل کرد. پل کبک قرار بود به یکی از عجایب مهندسی در جهان تبدیل شود. طراحی این پل که می‌رفت تا بزرگ‌ترین سازه از نوع خود و طولانی‌ترین پل جهان شده و پل مشهور فرث آف فورث اسکاتلند را نیز پشت سر بگذارد، به مهندسی آمریکایی به نام تئودور کوپر سپرده شده بود. او مردی مغرور و متکبر بود که پروژه‌های معتبر بی‌شماری ازجمله پل سکند اونیو در نیویورک را به نام خود کرده بود. کوپر سازه «طره» را به‌عنوان بهترین و ارزان‌ترین طرح برای پوشش دهانه پهن سنت لورنس انتخاب کرد. او حتی برای کمترکردن هزینه و حذف ساخت ستون‌هایی در آب دهانه پل را از ۴۹۰ متر به ۵۵۰ متر افزایش داد. وقتی مهندسی از دولت کانادا به نام رابرت داگلاس طرح کوپر را بازبینی کرد انتقادی درباره اینکه در این طرح دهانه پل تحمل نیروهای زیادی که به آن وارد می‌شوند را ندارد مطرح کرد که با واکنش شدید کوپر مواجه و رد شد. او همچنین با ادعای مریضی و بدحالی از پذیرش وظیفه نظارت بر ساخت پل در محل شانه خالی کرد و آن را به آقای پتر مهندسی کم‌تجربه‌تر واگذار کرد. در تابستان ۱۹۰۷ عواقب طراحی غلط کوپر و همچنین ضعف در نظارت و مدیریت در محل، در سازه به‌خصوص در اعضای فشاری نمایان شد.

بعد از سقوط پل، جمع‌آوری بقایای پل از رودخانه دو سال به طول انجامید. منطقه به نمایشگاهی برای مهندسین برای دیدن وسعت نیروهای مخرب ناشی از خطاهای انسانی تبدیل شد. دولت کانادا پروژه را به دست گرفت و این بار با طره‌های بسیار قوی‌تر (و همین‌طور زشت‌تر) آن را بازسازی کرد. پل دوباره در ۱۱ سپتامبر ۱۹۱۶ هنگامی که دهانه مرکزی جدید در جای خود قرار گرفت فروریخت و ۱۳ نفر جان باختند.

فاجعه پل کبک شالوده‌ای برای اهدای حلقه آهنی به فارغ‌التحصیلان مهندسی شد. ایده اولیه ساخت حلقه آهنی بعد از همایش معرفی فارغ‌التحصیلان رشته‌های مهندسی به جامعه مهندسی به سال ۱۹۲۲ بازمی‌گردد که هفتمین رئیس سازمان مهندسی کانادا جلسه‌ای را با سایر مهندسان برگزار کرد. در این جلسه پروفسور هولتین از دانشگاه تورنتو به عنوان یکی از سخنرانان از نیاز به همبستگی بیشتر مهندسان با یکدیگر و معرفی دانش‌آموختگان مهندسی به جامعه مهندسان صحبت کرد و نظرات ایشان با واکنش مثبت رئیس سازمان مهندسی کانادا همراه شد. پس از آن آقای هولتین با همکاری آقای رودبارد کیپلینگ که از شاعران و نویسندگان سرشناس کانادا بود درخواست همکاری در این خصوص را کرد و آقای کیپلینگ از این درخواست با اشتیاق استقبال و برپایی جشنی با عنوان جشن دعوت از مهندسان را برگزار کرد. در سال ۱۹۲۵ در اولین جشن دانش‌آموختگان مهندسی به نظارت آقای هولتین برای اولین‌بار ایده حلقه آهنی به عنوان نمادی از التزام به اخلاق حرفه‌ای مطرح شد که از آن زمان تاکنون این ایده چهره عملی به خود گرفته است و در مراسمی به فارغ‌التحصیلان رشته‌های مهندسی حلقه‌های آهنی داده می‌شود.

به منظور حداقل‌کردن فجایع بعدی عمرانی لازم است نهادهای نظارتی ضمن برخورداری از تخصص لازم، از فشارهای سیاسی مصون باشند و نظارت هم بسته به ابعاد پروژه چندلایه و موشکافانه طراحی شود و مهندسان بتوانند با استقلال کامل و رعایت تمامی اصول تعارض منافع، طراحی، اجرا و نظارت را به انجام رسانند و پیش‌نیاز اصلی این موارد مهندسان متخصص و ملزم به اخلاق حرفه‌ای است. این در حالی است که در نتیجه بحران‌های اقتصادی کشور، هم رشته‌های مهندسی در دانشگاه‌های تضعیف شده‌اند و هم حرفه مهندسی. در یک جامعه کوتاه‌مدت مانند جامعه ما اهمیت لازم به شاخص‌های درازمدت مانند ایمنی داده نمی‌شود و نتیجه کار هم فجایعی مانند متروپل آبادان و پلاسکو در تهران است.

*** رئیس کارگروه بین‌المللی مدیریت تطبیقی سیلاب**

شهر

شهرداری در برابر خانه هنرمندان

سه روز پیش بود که ایسنا اعلام کرد محمدمهدی عسگرپور به‌عنوان مدیرعامل خانه هنرمندان انتخاب شده است. این یک خبر خوب برای اهالی فرهنگ و هنر بود و به نظر می‌رسید از اینکه یک مدیرعامل با سابقه بر مسند هدایت این مکان مهم قرار گرفته، باید خوشحال شد. اما در خبری که ایسنا منتشر کرد یک نکته دیده می‌شد. در این خبر آمده بود: «براساس اعلام اعضای حاضر در جلسه امروز شورای عالی خانه هنرمندان ایران، رأی اعضا به مدیر عاملی عسگرپور داده شد اما از آنجا که نماینده شهرداری در جلسه امروز، یکشنبه ۲۲ خرداد ماه حضور نداشته است، اعضای حاضر بهتر دانستند تا در جلسه فردا، رأی او نیز دریافت شود و این انتخاب به صورت رسمی از سوی خانه هنرمندان ایران اعلام شود». همان غیبت نمایندگان شهرداری سبب شد تا اعلام نام عسگرپور به عنوان یک انتخاب خوب برای خانه هنرمندان عقب بیفتد؛ به‌طوری‌که این سؤال مطرح شده است که آیا شهرداری با این انتخاب موافق خواهد بود یا خیر؟ زیرا نهایی‌شدن مدیرعاملی عسگرپور در خانه هنرمندان، نیازمند تأیید شهرداری تهران است که برای رسیدگی به امور این مجموعه فرهنگی، نماینده‌ای ویژه را منصوب کرده است. آن‌طورکه خبرآنلاین گزارش داده است گزینه مورد قبول شهرداری «حمید نیلی» است که از لحاظ نظری و سیاسی، به شهرداری تهران نزدیک‌تر است. اینک باید منتظر ماند و دید تا هفته آینده، آیا شهرداری با انتصاب محمدمهدی عسگرپور در این سمت موافقت خواهد کرد یا نه.

خبر

دومین مرحله از دوره مربیان مهر پیشگامان پویایی، به همت داوطلبین مؤسسه مردم‌نهاد تعالی جمعه ۲۰ خردادماه با حضور ۶۰ نفر از مربیان و معلمان مناطق کم‌برخوردار برگزار شد. این برنامه در ادامه رویداد دوروزه اردیبهشت‌ماه و به منظور کمک به بهبود و ارتقای سلامت روان مربیان از طریق برگزاری کارگاه‌های مختلف انجام شد.

در بخش صبحگاهی این دوره، کارگاه‌های آموزشی در سه گروه متفاوت با رویکردهای واقع‌گرایانه (تئوری انتخاب)، رویکرد مبتنی بر تعهد و پذیرش(اکت) و رویکرد مثبت‌گرایانه برگزار شد. در بخش عصرگاهی، شرکت‌کنندگان در چهار گروه به همراه پایشگران (حامیان خود) بازی‌های گروهی انجام دادند و در ادامه تجربه خود از کارگاه‌ها و نحوه مشارکت در بازی‌ها را با سایر شرکت‌کنندگان در میان گذاشتند. مراسم اختتامیه‌ای با حضور تیم اجرائی و مربیان برگزار و گواهی شرکت در دوره به ایشان اهدا شد.

در پایان مربیان بازخوردهایی از نحوه برگزاری، نحوه برخورد تیم اجرائی همچنین تأثیر دوره بر زندگی شخصی و بالارفتن میزان شادی، ارزشمندی و مهر نسبت به لحظه ورود به این برنامه را مطرح کرده و با استقبال گرم تیم برگزارکننده، از فضای برگزاری خارج شدند تا این دوره از مربیان مهر به پایان برسد. امید که استقبال و اشتیاق مربیان برای این دوره شروعی برای دوره‌های آینده مربیان مهر مؤسسه تعالی باشد.

شاهنامه‌خوانی

نامه‌ها و پیام‌ها (۴)

پیشخوان
Pishkhan.com

مهدی افشار
شاهنامه‌پژوه

در دو سخن پیشین از پیام‌گزاری و رویکرد مهرورزانه ایرانیان با پیام‌گزار حتی هنگامی که از سوی دشمن آمده باشد و نیز به‌کارگیری زبانی مؤدبانه و بری از زشت‌گویی در پیام‌ها، آن‌گاه که اندیشه جنگ در کار است و غایت سخن، مبارزه با دشمن، نمونه‌ها آورده شد و دیدیم گودرز، سپهدار سپاه ایران با رویین، فرزند پیران که پیام آشتی آورده بود، چگونه به مهر رفتار کرد و او و همراهانش را با هدایایی گران‌بها به سپاه توران بازفرستاد و اینک رویین به نزد پدر بازگشته تا پیام گودرز را بگزارد. چون رویین به نزد پدر رسید، از اسب خویش فرود آمده، پیام سپهدار خسرو ایران را گزارد. زمانی که نامه توسط دبیری بازخوانده شد که زبان ایرانیان را می‌دانست، چهره پیران چون قیر سیاه گشت و دانست اکنون زمان تنگی فرارسیده و هنگام فروغلتیدن به نشیب است. پیران شکیبایی برگزید و پیام گودرز را از سپاه خویش پنهان داشت و سرانجام گفت: «دل گودرز برای ازدست‌دادن هفتاد فرزند خویش به راه نمی‌آید و در اندیشه کین‌ورزی است و اگر گودرز کینه فرزندان خویش را دارد چرا من به کین برادر کمر نبندم، چرا من دلتنگ نامدارانی نباشم که در این نبردها کشته شدند، پس من نیز کمر به جنگ می‌بندم و به نیروی یزدان و تیزی شمشیر از ایرانیان، رستخیز برمی‌آورم».

پیران با این اندیشه فرمان داد اسبان گله را بیاورند و به پیادگان نیز اسب بداد تا سواره بجنگند و برای انگیزه‌دادن به سپاه، سر گنج‌های کهن را برگرفت و دینارها را میان آنان پخش کرد و سپس سواری تیزتک را نزد افراسیاب با زبان و پیامی پرستایش گسیل داشت و خود را بنده گنهکار شهریار توران دانست که به خطا خسرو را تحت حمایت خویش گرفته بود، اگرچه همه آنچه رخ داده بود، ایزدی و خواسته یزدان پاک می‌دانست. پیران آن‌گاه در پیام خویش برای افراسیاب، از نبرد با ایرانیان گفت که چگونه شکستی سهمگین بر آنان وارد آورد و ناگزیرشان کرد پای پس کشیده، در بلندای کوه کنابد پناه گیرند و چون ایرانیان بگریختند و در آن بلندجای پناه جستند، گفته می‌شود از خسرو یاری خواسته‌اند و بر زبان‌ها جاری است که خسرو سپاهی عظیم به یاری در حصر گرفتارآمدگان فرستاده. هومان، برادر پیران، خسته و آزرده از در حصار گرفتن ایرانیان بر آن شد تا پیش از پیوستن سپاه یاری‌بخش، کار ایرانیان را به پایان رساند به همین روی به پیشاپیش سپاه ایران تاخته، مبارز طلبید و شگفتا که آن پهلوان دلیر سرانجام به دست بیژن، نواده گودرز کشته شد.

بر این اندیشه بودم که محصورشدگان خود بی‌آب و خوراک شده، اسبانشان بی‌علیق مانده، به زاری به دشت روی خواهند آورد و چون ایرانیان از آن فراز به این فرود نیامدند، نستیهن، دیگر سپهدار سپاه تورانی با ده هزار سوار، سپیده‌دمان به نبرد با آنان رفت که او نیز به دست بیژن کشته و دل نامداران توران در هم شکسته شد و سرانجام سپاه توران خشماگین و دلشکسته بر محصورشدگان حمله آورد و جنگی سخت درگرفت و در این رزمگاه نهصد تن از نامداران همراه با دو بهره از سپاه توران کشته یا مجروح و دلشکسته شدند و بیم آن می‌رود سپهر گردون بخواهد از ما مهر گرداند و بر ما پشت کند و اگر راست باشد که خسرو نیز به یاری ایرانیان آید، مرا آن توان ایستادن در برابر سپاه کینه‌خواه نخواهد بود، مگر آنکه شاه توران به یاری آید و اگر من نیز از پای درآیم، چه کسی کینه‌خواه ایرانیان خواهد شد.

افراسیاب چون پیام فرستاده پیران بشنید، او را گفت برای دریافت پاسخ دگر روز آید و چون بامدادان دیگر فرارسید، فرستاده پیران را فراخواند و به او فرمان داد تا به نزد پیران بازگردد با این پیام که: «تو تکیه‌گاه توران و جوشن من هستی. تو آنی که از مادری پاک‌تن، پای به عرصه هستی گذاشته‌ای و در هر انجمن سرافراز بوده‌ای و خواهی بود، تو همانی که از چین به ایران سپاه بیاراستی، دل و بخت دشمن را سیاه گردانیدی و دیگر آنکه هرگز تو را در حمایت از خسرو گناهکار نمی‌دانم که آنچه شده، اراده سپهر گردون و بودنی از کردگار بود. من نیای خسرو نیستم که خسرو سرشت مرا به تن و به دل ندارد و از من فروغ نگرفته است و وقتی تقدیر این‌گونه رقم زده، مرا از تو در دل چه آزاری می‌تواند باشد».

پیران گرچه با دریافت پیام افراسیاب دلگرم شد و سپاه را بیاراست اما خود می‌دانست توان نبرد با ایرانیان را ندارد و اگر سپاه یاری‌بخش خسرو به سپاه ایران بپیوندد، روزگار بر او دشوار خواهد شد و با یزدان پاک گفت:

که را برکشیدی تو، افکنده نیست
جز از تو جهاندار دارنده نیست
به خسرو نگر تا جز از کردگار
که دانست که‌آید یکی شهریار
برآرد گل تازه از خار خشک
شود خاک با بخت بیدار مشک